

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها

پژوهش و نگارش:  
دکتر سوسن باستانی



[www.ricac.ac.ir](http://www.ricac.ac.ir)

سرشناسه	:باستانی، سوسن
عنوان و نام پدیدآور	:جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها/ پژوهش و نگارش سوسن باستانی.
مشخصات نشر	:تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	:۱۵۰ ص:جدول.
شابک	:۳۰۰۰۰ ریال. ۵-۰۵-۷۷۱۸-۹۶۴.
وضعیت فهرست نویسی	:فیفا
یادداشت	:تابنامه: ص. [۱۴۵] - ۱۵۰.
موضوع	:ژنان در رشد اجتماعی.
موضوع	:ژنان -- مسائل اجتماعی و اخلاقی.
موضوع	:فرهنگ.
شناسنامه افزوده	:پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
ربنده کنگره	:HQ ۱۳۸۷ ج ۱۶/ب ۱۲۱۶
شماره کتابشناسی ملی	:۱۲۰۰۵۷۹



## جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

پژوهش و نگارش: دکتر سوسن باستانی

ویراستار علمی: عبدالله بیچرانلو

ویراستار ادبی: حورا ناصری مرتضوی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

سال چاپ: ۱۳۸۷

نوبت چاپ: اول

قیمت: ۳۳۰۰۰ ریال

شابک: ۵ - ۰۵ - ۷۷۱۸ - ۹۶۴

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولیعصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۱۱، صندوق پستی ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات تلفن ۸۸۹۰۲۲۱۳، دورنگار ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email: info@ric.ir

## فهرست مطالب

۹	سخن ناشر
۱۱	مقدمه
<b>فصل اول: بررسی مفاهیم و نظرها</b>	
۱۵	فرهنگ و جامعه
۱۶	ویژگی‌های فرهنگ
۱۷	اجزای فرهنگ
۱۹	تعریف ارزش‌ها و سطوح مختلف تحلیل آن
۲۲	ارزش‌ها در نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی
۲۵	مقایسه رویکرد کنش متقابل با نظریه دورکهایم و وبر در زمینه ارزش‌ها
۲۷	نسبی‌گرایی و مطلق‌گرایی در ارزش‌ها
۲۷	ثبات و پایداری نظام‌های ارزشی
۲۹	خصلت برون‌زا یا درون‌زا بودن تنظیم نظام ارزش‌ها
۳۰	جایگاه ارزش‌ها در پارادایم‌های علوم اجتماعی
۳۵	تفاوت ارزش و نگرش
۳۹	نگرش و مفاهیم نزدیک به آن
۳۹	نقش و نگرش
۴۰	نگرش‌ها، عقاید و باورها
۴۱	نگرش و آگاهی
۴۱	ویژگی‌های نگرش
۴۳	اندازه‌گیری نگرش‌ها
۴۳	جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی

۴۵	تعریف جنس و جنسیت
۴۷	سرچشمه تفاوت‌های جنسی
۴۹	کلیشه‌های جنسیتی
۵۱	پیامدهای کلیشه‌های جنسیتی

### فصل دوم: جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها: فراتحلیل بررسی‌های موجود

۵۸	نظریه‌های ثابت تفاوت‌های جنسیتی
۶۳	تحقیقات تجربی
۶۵	روش تحقیق
۷۳	مروری بر مبانی نظری تحقیقات
۷۴	طبقه‌بندی فرضیه‌ها
۷۵	متغیرهای تحقیق
۷۵	متغیر مستقل
۷۶	ارزیابی روش مطالعات
۷۸	مرور یافته‌های تحقیق
۸۰	جنسیت و ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی
۸۹	جنسیت و ارزش‌های اقتصادی
۹۲	جنسیت و ارزش‌های سیاسی
۹۴	جنسیت و سلسله مراتب ارزشی
۹۶	جمع‌بندی

### فصل سوم: بررسی نگرش جنسیتی زنان

۱۰۵	روش تحقیق
۱۰۵	متغیرهای تحقیق
۱۰۵	متغیرهای مستقل
۱۰۶	متغیرهای وابسته

۱۱۰	یافته‌های تحقیق
۱۱۰	سیمای نمونه
۱۱۰	زنان و فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی
۱۱۵	زنان و دینداری
۱۱۶	قدرت در خانواده
۱۱۷	ویژگی‌های زن و مرد خوب
۱۱۸	لذت بردن از زندگی
۱۲۰	بررسی نگرش‌ها در جامعه مورد مطالعه
۱۲۰	نگرش زیستی
۱۲۱	نگرش اجتماعی
۱۲۳	نگرش اقتصادی
۱۲۵	آزمون فرضیه‌های تحقیق

#### فصل چهارم: نتیجه‌گیری

۱۳۸	آیا بین جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها رابطه‌ای وجود دارد؟
۱۳۸	آیا می‌توان از فرهنگ زنان صحبت کرد؟
۱۳۹	نگرش زنان در خصوص تفاوت‌ها و تبعیض‌های جنسیتی چگونه است؟
۱۴۱	چه عواملی بر نگرش‌های جنسیتی تأثیر می‌گذارد؟
	آگاهی زنان از تفاوت‌های جنسیتی تا چه اندازه متأثر از فعالیت‌های فرهنگی
۱۴۲	آنان و آشنایی با آثار و جریان‌های مربوط به زنان است؟
۱۴۵	کتاب‌نامه





## سخن ناشر

«بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه از بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد» (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۱۵: ص ۱۶).

رشد و توسعه اقتصادی و یا سیاسی بدون توجه به ارزش‌های والای فرهنگی می‌تواند موجبات سستی و اعوجاج در اصول اعتقادی و ملی جامعه را فراهم آورد. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با انجام تحقیقات و پروژه‌های پژوهشی و نیز برگزاری نشست‌های علمی با اصحاب علم و فرهنگ و ارائه نتایج حاصل در قالب «گزارش پژوهش» و یا «کتاب»، تلاش خود را مصروف گسترش ارزش‌های اصیل فرهنگی می‌کند.

امید است با بهره‌گیری از توان علمی پژوهشگران بتوان گام مؤثری در برنامه‌ریزی جامع توسعه کشور برداشت.

اثر حاضر، نتیجه پژوهشی است در موضوع «جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها» به کوشش خانم دکتر سوسن باستانی عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا و با همکاری خانم دکتر مریم قاضی نژاد عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا و خانم حمیده هاتفی کارشناس ارشد مطالعات زنان که در قالب کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

یادآوری می‌شود، مطالب مندرج در کتاب حاضر لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های پژوهشگاه نیست.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات



## مقدمه

فرهنگ و ارزش‌ها در تعیین رفتار انسانی، نقش کلیدی دارد. فرهنگ در اشکال متفاوت مانند: سنت، زبان، مذهب، هنر، ادبیات، موسیقی و... آشکار می‌شود و در ارزش‌هایی که جوامع آن را گرامی می‌دارند، متبلور می‌گردد. فرهنگ و ارزش‌ها در واقع سازنده فضای اجتماعی است که توسعه انسانی در آن امکان‌پذیر خواهد بود و در نهایت، سرمایه اجتماعی، به ظهور خواهد رسید که اهمیت آن در توسعه پایدار انسانی کمتر از سرمایه اقتصادی و سرمایه فیزیکی نیست.

فرهنگ، سبب درک انسان از جهان، می‌شود و رفتار او را شکل می‌دهد. افراد مشترک در یک فرهنگ، تجربه یکسانی از دنیا دارند. همچنین ما فرهنگ را روزانه بازتولید می‌کنیم و تغییر می‌دهیم. هر یک از ما آگاهانه یا ناآگاهانه در بسیاری از گروه‌های فرهنگی، فعالیت داریم که بر اساس نواحی جغرافیایی، ملیت، قومیت، جنسیت، طبقه اجتماعی و مذهب، تعریف می‌شود.

فرهنگ یک محیط نمادین است که ما در آن زندگی می‌کنیم. با دقت به این محیط، درمی‌یابیم از یک گروه به گروه دیگر متفاوت است. برای مثال: فرهنگ فقرا متفاوت از فرهنگ ثروتمندان و فرهنگ نسل جوان متفاوت از نسل‌های دیگر است. در واقع ما که

در یک کشور ساکن هستیم، با فرهنگ‌های مختلف زندگی می‌کنیم. شناخت این فرهنگ‌ها و اینکه چرا و چگونه متفاوتند، وظیفه جامعه‌شناسان و دیگر محققان است. برنامه‌ریزی فرهنگی دقیق، نیاز به شناخت فرهنگ گروه‌های مختلف جامعه دارد؛ و باید بررسی‌های انجام شده از زوایای مختلف تجزیه و تحلیل گردد. چنین مطالعاتی ضمن مشخص کردن فرهنگ‌های مختلف کشور، نقاط قوت و ضعف تحقیقات انجام شده را مشخص می‌سازد. بنابراین دست اندرکاران قادر خواهند بود که در طرح‌های بعدی، تغییرهای لازم را اعمال نمایند.

تحقیق حاضر، بر آن است که تفاوت‌های زنان و مردان را در زمینه دو عنصر محوری هر فرهنگ یعنی ارزش‌ها و نگرش‌ها مطالعه کند. چند سؤال مطرح است: آیا رابطه‌ای بین جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها وجود دارد؟ آیا می‌توان از فرهنگ زنان یا ارزش‌ها و نگرش‌های زنان صحبت کرد؟ نگرش زنان در خصوص تفاوت‌های جنسیتی چگونه است؟ در جواب به این سؤال‌ها، تحقیق حاضر در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول به مرور مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، ارزش‌ها، نگرش‌ها، جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی اختصاص یافته است. بخش دوم تحقیق، بر فراتحلیل بررسی‌های انجام شده درباره اثر جنسیت بر ارزش‌ها و نگرش‌ها متمرکز شده است. در بخش سوم، نگرش زنان در خصوص تفاوت‌ها و تبعیض‌های جنسیتی در سه بعد زیستی، اجتماعی و اقتصادی بررسی خواهد شد.

### سوسن باستانی

## **فصل اول**

### **بررسی مفاهیم و نظرها**



این بخش از تحقیق با تعریف فرهنگ، ویژگی‌ها و اجزای آن آغاز می‌شود و با بحث ارزش‌ها و نگرش‌ها ادامه خواهد یافت. در نهایت، نظرها و تعاریف پیرامون جنس و جنسیت، کلیشه‌های جنسیتی و پیامدهای آن، بررسی خواهد شد.

### فرهنگ و جامعه

فرهنگ<sup>۱</sup> مجموعه‌ای از تولیدهای انسانی ارزش‌ها، رفتارها و سمبل‌های مشترک بین گروهی از مردم است که شامل حقوق، رسوم، عقاید، دانش، نمادها، هنر، ابزار و سازمان‌ها می‌شود. فرهنگ در مجموع، شیوه زندگی مردم است. تعامل‌های مداوم مردم به توسعه فرهنگ مشترک بین گروه‌ها و جامعه کمک می‌کند. هیچ جامعه‌ای بدون فرهنگ نیست و یک فرهنگ هم نمی‌تواند وجود داشته باشد، مگر اینکه مردم با هم تعامل داشته باشند و یک جامعه را شکل دهند.

مشخص کردن منشأ بسیاری از آداب و رسوم مشکل است. پیتیر برگر<sup>۲</sup> (۱۹۶۶) برای تبیین اینکه چگونه افراد می‌توانند فرهنگ را خلق و آن را دنبال کنند، بحث «دیالکتیک» را مطرح می‌سازد. از نظر برگر، بسیاری از ما به فرهنگ خود به مثابه آنچه به ارث برده و

- 
1. Culture
  2. Piter Berger

متعلق به خود کرده‌ایم، می‌نگریم. چون عناصر فرهنگ، سال‌های متمادی وجود داشته است، ما فرهنگ را از جمله شیوه‌ها و چیزهایی که وجود دارد، می‌بینیم. بر این اساس، فکر می‌کنیم وظیفه ماست که معانی فرهنگی و سنت‌ها را درونی کنیم، به طوری که به خودمان تعلق داشته باشد. ما در این جریان، نادیده می‌گیریم که انسان‌ها فرهنگ را خلق می‌کنند. آداب و رسوم و سنت و زبان، به نظر ثابت و دائمی است، در حالی که ما به طور دائم این جنبه‌های فرهنگی را با مد، اختراع و کلمات جدید، تغییر می‌دهیم. برگر از این امر به نام دیالکتیک خلق فرهنگ جدید و درونی کردن فرهنگ یاد می‌کند که موجب تداوم و تغییر در جامعه می‌شود.

### ویژگی‌های فرهنگ

فرهنگ، اصلی‌ترین عنصری است که زندگی انسانی را از زندگی حیوانی متمایز می‌سازد. انسان‌ها دارای غرایز و نیازها هستند و آنچه زندگی‌شان را متفاوت می‌سازد، توانایی ارتقای غرایزشان است، آن قدر که می‌توانند آن را محدود کنند. انسان‌ها قادر به خلق فرهنگشان هستند و چون گروه‌های مختلف، شیوه‌های متفاوتی را برای بر طرف ساختن نیازهایشان برمی‌گزینند، تفاوت‌های فرهنگی، ایجاد می‌شود.

برخلاف تفاوت‌های جهانی فرهنگ، گرایشی به الگوهای رفتاری در داخل جوامع وجود دارد که کم و بیش یکسان است. افراد چه در یک فرهنگ متولد شده باشند یا اینکه به آن فرهنگ منتقل شده باشند، باید رفتارهای آن فرهنگ را بیاموزند؛ و فرهنگی که در آن متولد نشده‌اند را باید آگاهانه یا ناآگاهانه کسب کنند. افراد با نگاه به دیگران و دنبال کردن آنان و یا از راه آموزش رسمی، یاد می‌گیرند. بنابراین آموختنی بودن فرهنگ یکی از ویژگی‌های آن است.

آموختنی بودن فرهنگ، **مشترک بودن** آن را هم به همراه دارد. افراد فرهنگ را از راه تعامل با دیگران می‌آموزند و آن را در تعامل با دیگران خلق می‌کنند. برای مثال، زنان مسلمان که در جوامع اسلامی زندگی می‌کنند، یاد می‌گیرند که بدنشان را بپوشانند. این



ویژگی بنیادی فرهنگ از طریق پذیرش اجتماعی یا نپذیرفتن آن اتفاق می‌افتد. فرهنگ همچنین انطباقی است و به تغییرها و شرایط پاسخ می‌دهد. فرهنگ پویاست، اگرچه ایستا به نظر می‌رسد. ما شاهد دگرگونی‌های بسیاری در حمل و نقل، اقتصاد و... بوده‌ایم. در واقع فرهنگ ما دستخوش تغییرهای قابل توجهی شده است. برخلاف این تغییرها، فرهنگ یک خلق جدید نبوده و بر اساس تجربه‌ها و شیوه‌هایی که بخشی از میراث فرهنگی است، بنا می‌شود. برای مثال با اینکه زنان در سال‌های اخیر، وارد بازار کار شده‌اند، اما مطالعه‌ها نشان می‌دهد که زنان همچنان وظایف خانوادگی سنتی را هم انجام می‌دهند و مردان بسیاری در مقابل تغییر نقش‌های سنتی‌شان، مقاومت می‌کنند. قوانین، آداب و رسوم و سنت‌های دوره‌های قبل، نسل‌های متمادی با ما می‌ماند، اگر چه اهمیت نسبی آن ممکن است تغییر یابد. این جنبه انباشتی (تجمعی) فرهنگ است که به مردم امکان می‌دهد تا بخشی از یک واحد اجتماعی با یک تاریخ و یک آینده معرفی شوند. این امر به افراد کمک می‌کند تا با شناخت ریشه‌هایشان به درک واقعی از خود برسند و به آنها می‌آموزد که چگونه نسل آینده را آموزش دهند. به عبارت دیگر، هر نسلی، از ابتدا شروع نمی‌کند بلکه بنای فرهنگی آنان بر اساس فرهنگ گذشتگان است.

### اجزای فرهنگ

هر فرهنگی به بخش‌های تشکیل‌دهنده‌اش تقسیم می‌شود، برای مثال جامعه‌شناسی که آداب غذا خوردن مردم را در یک فرهنگ مطالعه می‌کند، ممکن است بر اینکه آنها چه می‌خورند و چگونه می‌خورند، متمرکز شود. این امر رویکرد اطلاعاتی اقتصاد و فناوری را مشخص می‌کند. بنابراین جنبه‌های ساختگی فرهنگ است که فرهنگ مادی را تشکیل می‌دهد. در این مطالعه تا حدودی بررسی می‌کنیم که چه غذاهایی تابو هستند، چه کسانی می‌توانند با چه کسانی غذا بخورند و فرد هنگام غذا خوردن چگونه باید رفتار کند. این عوامل فرهنگ غیرمادی، دربردارنده معانی، انتظارات و عقاید مشترک اعضای یک جامعه است.

### الف) جنبه‌های مادی فرهنگ

براساس جبرگرایی تکنولوژیک، شیوه‌های مادی و فیزیکی مسلط در یک جامعه، فرهنگ آن جامعه را شکل می‌دهد. جوامعی که از ابزار اولیه استفاده می‌کنند، با جوامع نوین و ماشینی، تفاوت دارند. بحث جبرگرایی تکنولوژیک این است که فناوری، مردم را می‌سازد؛ چرا که فناوری، چگونگی اندیشه، عمل و تعامل با دیگران را مشخص می‌کند. به عقیده الول<sup>۱</sup> جامعه‌شناس فرانسوی، فناوری مردم را از راه تقاضا برای قابلیت و عقلانیت، کنترل می‌کند.

شری تورکل (۱۹۸۴) تأثیر رایانه بر زندگی انسان را بررسی می‌کرد. او معتقد است که به جای نگاه ابزاری به رایانه - از جهت کاری که انجام می‌دهد - باید آن را به صورت ذهنی، درک کنیم؛ اینکه چگونه به زندگی اجتماعی ما وارد می‌شود و همچنین به توسعه روانشناختی آن، توجه کنیم. همه می‌دانند که رایانه یک وسیله سخت‌افزاری است که از سیم، سیلیکون و پلاستیک ساخته شده است، اما در عین حال، ما متأثر از قدرت تعاملی آن هستیم. زیرا رایانه چیزها را می‌داند، به ما می‌گوید، حرف می‌زند و در بازی‌ها برنده می‌شود. با اینکه می‌دانیم تنها آنچه ما برنامه‌ریزی می‌کنیم انجام می‌دهد، با این حال، با این دستگاه چنان برخورد می‌کنیم که گویا زندگی خاص خودش را دارد! مطالعه رفتارهای مردم در برابر رایانه، نکته‌های بسیاری را درباره فرهنگ مشخص می‌کند. اما این به معنای پذیرش جبرگرایی تکنولوژیک نیست، چرا که فناوری رایانه باید از راه معانی اجتماعی که مردم به آن می‌دهند، درک شود. نمونه‌های دیگر فرهنگ مادی نیز شاخص‌های مفیدی در زمینه طبیعت یک فرهنگ است. فناوری خانه‌سازی، فناوری آماده‌سازی غذا و فناوری منابع، همه اطلاعات فرهنگی مهمی را به ما می‌دهد. اما جنبه‌های مادی، به تنهایی شاخص‌های مفیدی نیست که بدانیم یک فرهنگ، چگونه کار می‌کند.

---

1. Ellul

### ب) جنبه‌های غیرمادی فرهنگ

از نظر جامعه‌شناسان، برای صاحبان یک فرهنگ، جنبه‌های مادی فرهنگ، کم‌اهمیت‌تر از معانی خاص ساخته‌های بشری است. آنان از عقاید و ارزش‌هایی که این مصنوع‌ها ایجاد می‌کند، سؤال می‌کنند. یا اگر به جای اشیا بر مردم تمرکز کنیم، جامعه‌شناسان می‌پرسند که مردم چگونه زندگی‌شان را در رابطه با جنبه‌های مادی فرهنگ، می‌سازند؟ چگونه معانی مشترک را مبادله می‌کنند؟ و چگونه کارهایشان را سازمان‌دهی می‌کنند؟

ارتباطات، الگوهای رفتاری و ارزش‌ها، فرهنگ غیرمادی را شکل می‌دهد. ارزش‌ها، بخشی از جنبه‌های غیرمادی فرهنگ را می‌سازد و رفتارهای انتخابی مردم را شکل می‌دهد. ارزش‌ها معیار قضاوت قوانین و اعمال در داخل یک جامعه است. درحالی که در جوامع کوچک‌تر، مجموعه‌ای از ارزش‌های یکسان، تمام فعالیت‌ها را مشخص می‌کند، چنین کاری در جوامع پیچیده، امکان‌پذیر نیست.

### تعریف ارزش‌ها و سطوح مختلف تحلیل آن

ارزش‌ها، تصاویر ذهنی<sup>۱</sup> هدایت‌گر کنش اجتماعی است. بعضی از این تصاویر ذهنی، از نظر اجتماعی، مطلوب یا به اصطلاح «خوب» و بعضی دیگر به عنوان «بد» مشخص می‌شود. بنابراین، ارزش‌ها دربردارنده‌ عنصری از مطلوبیت و یک جزء اخلاقی<sup>۲</sup> است که اشکال متفاوت رفتار بشری و اهدافی را متمایز می‌سازد که انسان‌ها برای آن - اهداف و رفتارهای بهتر یا بدتر و پذیرفتنی و نپذیرفتنی - تلاش می‌کنند (Haller, 2002: 143).

اینکه ارزش عینی چیست و ما چه تعداد یا چند نوع ارزش را می‌توانیم مشخص و متمایز سازیم، سؤال بحث برانگیزی است که توجه بسیاری از محققان را جلب کرده است و نمی‌توان پاسخ مشخصی برای آن مطرح ساخت (پارسونز و شیلز، ۱۹۵۱؛ کلوکهن و استراوبک، ۱۹۶۱؛ سیلز، ۱۹۶۸؛ راکیچ، ۱۹۷۳؛ اسپاتز، ۱۹۸۳). دو نکته در این باره مهم به نظر می‌رسد:

1. Images
2. Ethical/moral

سطوح مختلف عمومیت - کلیتی وجود دارد که می‌توان در آن سطوح، درباره ارزش‌ها صحبت کرد. به این معنا که شاید با افزایش عمومیت، تعداد ارزش‌ها کمتر گردد؛ در واقع تعداد ارزش‌های بسیار عام، کم است.

در سطح پایین مشاهده، ارزش‌ها به موقعیت‌ها و جریان‌های اجتماعی عینی مربوط است. بحث و جدل بر سر الگوهای ارزشی رفتار، در این سطح، بسیار است. ارزش‌ها از نظر ذاتی و جوهری<sup>۱</sup>، سیستم یکپارچه و همبسته‌ای ندارد. اما باید مثل یک «جعبه ابزار»<sup>۲</sup> یا مجموعه‌ای از چیزهایی که در بسته‌بندی کارکرد غیر متجانس دارد، مفهوم‌سازی شود (Dimaggio, 1997: 267).

با پیروی از تمایز پوپر (۱۹۷۳) بین دنیای اجتماعی و جهان ارزش‌ها و مفهوم «تجزیه و تحلیل موقعیتی»<sup>۳</sup>، ما می‌توانیم بین سه نوع از ارزش‌ها، تمایز قایل شویم:

**الف - ارزش‌های عام جهانی<sup>۴</sup>:** ارزش‌های انسانی بسیار مهمی است که در هر تمدنی شناخته شده می‌باشد و از سوی متفکران بزرگ و بنیان‌گذاران مکاتب بزرگ دنیا مطرح شده است. در این زمینه می‌توان از ارزش‌هایی مثل: برابری، آزادی، عدالت و احترام نام برد. این مفاهیم یا ایده‌ها وجود دارد و به صورت یک احساس عینی، باقی و پابرجا می‌ماند. چنین ایده‌هایی در کتاب‌ها مطرح شده و مکتوب است، به طوری که حتی با فنای تمام انسان‌ها، باقی می‌ماند (Dimaggio, 1997: 272). بخش عمده آنچه در تحقیقات تجربی «تغییر ارزشی» نامیده می‌شود، تنها تغییر در اهمیت نسبی است که جوامع و اعصار مختلف تاریخی<sup>۵</sup> به این ارزش‌ها توجه می‌دهند.

**ب - ارزش‌های دارای جهت‌گیری‌های ارزشی اجتماعی:** این دسته از ارزش‌ها، ارزش‌های عینی، واقعی و معتبری است که در زمینه اجتماعی خاص<sup>۶</sup> و از سوی گروه‌ها یا جمعیت‌های

- 
1. Substantive
  2. Toolkit
  3. Situational analysis
  4. Universal values
  5. Epoch
  6. Specific societal context

مشخص، حفظ می‌شود و به آن اعتقاد دارند. برای مثال، ارزش «برابری» در زمان‌های قدیم هم شناخته شده بود، اما با گذشت زمان هم در محتوا (برابری در فرصت‌ها، برابری در برخورد با انسان‌ها و ...) و هم از نظر دایره شمول (برابری بین طبقه‌ها یا رسته‌ها<sup>۱</sup> برابری بین مردان و زنان)، عمومیت فزاینده‌ای یافته است (Haller, 2002: 143).

ج - جهت‌گیری‌های ارزشی، هنجارها، خطوط راهنما<sup>۲</sup> و دستورهای موقعیتی<sup>۳</sup>: این دسته از ارزش‌ها و هنجارها، به کاربرد واقعی<sup>۴</sup> ارزش‌ها در رفتار اجتماعی در شرایط معین، مربوط است. برای مثال برای اجرای برابری جنسیتی کامل، رهنمودها و معیارهای واقعی، نظیر نظام‌های سهمیه‌ای در اداره‌های سیاسی، عمل مثبت حمایتی از زنان، هنجارهایی بر ضد آزار جنسی و نظایر آن، لازم است. تحقیقات پیمایشی انجام شده نیز در بردارنده تغییر و انتقال تعدیل یافته<sup>۵</sup> در زمینه چنین جهت‌گیری‌های ارزشی است. هر چند گرایش به موضوع‌های معین (اشخاص یا الگوهای رفتار) ممکن است حاوی برخی عناصر ارزیاب یا هنجاری باشد، اما آرزوها و برتری‌های فردی را نیز در برمی‌گیرد.

ارزش‌های اجتماعی و موقعیتی، ارزش‌هایی نسبی<sup>۶</sup> نبوده و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت نیست؛ بلکه دارای دو وجه است، از سویی حاوی یک عنصر عام، جهانی و از سوی دیگر وابسته به اوضاع اجتماعی و عینی واقعی خواهد بود. در واقع این ارزش‌ها، یا به صورت مقیاس دو یا چند ارزش متضاد مطرح می‌شود و یا متوجه نتایجی است که عمل معینی به آن می‌انجامد.

ارزش‌های اجتماعی و موقعیتی، بسیار نزدیک به «اخلاق مسئولیت» عمل<sup>۷</sup> است که وبر (۱۹۷۳) آن را در مقابل «اصول اخلاقی مطلق»<sup>۸</sup> قرار می‌دهد و قابل مقایسه با یکدیگر

- 
1. Estate
  2. Guide lines
  3. Situational prescriptions
  4. Concrete application
  5. Sliding transition
  6. Relative
  7. Practical ethics of responsibility
  8. Absolute ethics of principles

می‌داند. البته در اینجا معضل انتساب یک عمل اجتماعی خاص به اصول یا هنجارهای اخلاقی مطرح است. اگر رفتار، با منفعت شخصی همراه نباشد در مقایسه با وقتی که از این جهت خنثی باشد یا بعضی منافع شخصی را به همراه داشته باشد، پیروی از چنین اصولی بسیار مشکل است.

بنابراین وظایف اصلی یک تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی از ارزش‌ها عبارت است از:  
**اول:** تعریف و عملیاتی کردن روشن و آشکار ابعاد ارزش‌های<sup>۱</sup> موردنظر برحسب سطح تجزیه و تحلیل و نیز از نظر ذاتی و جوهری.  
**دوم:** توسعه فرضیه‌های عینی<sup>۲</sup> درباره ارتباط بین آن ارزش‌ها و شرایط اجتماعی در حال تغییری که ارزش‌های مذکور در داخل آن جای گرفته‌اند (Haller, 2002).

### ارزش‌ها در نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی

ارجاع به ارزش‌ها، از جمله پایدارترین صفت‌های جامعه‌شناسان کلاسیک، مثل دورکیم و وبر است، به طوری که می‌توان آن را یکی از رهیافت‌های اصیل تفکرشان تلقی نمود. وبر بر اهمیت «پوریتانیسم» در تکوین سرمایه‌داری تأکید می‌کند. دورکهایم نیز، تفاوت میان دو نوع همبستگی آلی را - که محور نظریه‌اش در تقسیم کار اجتماعی است - به دو ادراک - که در دو نوع جامعه کاملاً متفاوت و مشروع شمرده می‌شود - نسبت می‌دهد؛ از یکسو، جذب شدن فرد در واحد جمعی، مطرح است و از سوی دیگر، جامعه‌ای که نتیجه کوشش مساعی انفرادی هماهنگ و کنترل شده است. از نظر دورکیم و نیز وبر، قوام واحد اجتماعی، به ارزش‌هایی وابسته است که افراد به اشتراک آن را پذیرفته‌اند و با آن همانندی یافته و درونی کرده‌اند (بودون، ۱۳۸۵: ۳۰).

جامعه‌شناسان کلاسیک، زیر عنوان ارزش‌ها، بیشتر وضعیت‌های ارزشمند نظام اجتماعی را مطالعه کرده‌اند و کمتر به فرآیندهای ارزیابی توجه نشان داده‌اند. به عبارت دیگر آنان

---

1. Dimensions of values  
2. Concrete

## فصل اول: بررسی مفاهیم و نظرها ■ ۲۳

بیشتر وضعیت مشروعیت فرضی را بررسی کرده و کمتر به راه‌های مشروعیت بخشی به وضعیت‌ها توجه کرده‌اند (همان: ۳۱).

دیدگاه کنش متقابل‌گرایی درباره تحلیل ارزش‌ها، دیدگاهی پربارتر است. این دیدگاه دیدگاه‌های واقع‌گرا و مطلق‌گرا را کنار گذاشت چون این دو، تا مدت‌ها یکه‌تاز میدان تحلیل ارزش‌های اجتماعی بود و ارزش‌ها را همچون ایده‌هایی که از عرش بر نهادهای زمینی حکومت می‌کند، در نظر می‌گرفت؛ دیدگاه کنش متقابل‌گرایی، اعلام نمود ارزش‌ها چیزی نیست جز ترجیح‌های<sup>۱</sup> جمعی که در یک متن نهادی ظاهر می‌گردد و به شیوه‌ای که شکل می‌گیرد، در تنظیم این متن نهادی شرکت می‌کند. بر اساس این دیدگاه لازم است ابتدا ماهیت این ترجیح‌ها را بشناسیم و بدانیم به چه معنایی می‌توان آن را عینی دانست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که به هیچ وجه نمی‌توان ترجیحاتی که برحسب شرایط زمانی و مکانی تنظیم و رتبه‌بندی شده را به عنوان اصولی بدون ابهام و عملیاتی، بررسی کرد. تحلیل رفتار سازمانی نیز نشانگر آن است که در بیشتر موارد، هدفی که در اصل وسیله تلقی می‌شد، یا به دلیل تثبیت فرآیند یا به دلیل مزایای غیرمنتظره‌ای که به بار آورده است، ارزش و اعتبار بسیاری پیدا می‌کند. به طور کلی، جابجایی اهداف، اعتلای برخی وسایل تا سطح اهداف و رها کردن برخی هدف‌ها که دست نیافتنی به نظر می‌رسد، از جمله موضوع‌هایی است که نظریه‌پردازان رفتار سازمانی با آن سروکار دارند.

همچنین به علت دشواری فرق‌گذاری صریح و دقیق میان اهداف و وسایل در پاره‌ای از موارد، فرق‌گذاری کلاسیک میان احکام واقعی و احکام ارزشی به شدت عموماً را از دست داده است. به بیان دقیق‌تر، هر کنشی به استثنای کنش‌های بسیار ساده، مبتنی بر مجموعه‌ای از احکام واقعی و ارزشی است که وابستگی متقابل دارد و برخی وسایل، در مراحل بعدی ممکن است به هدف‌ها مبدل شود. به عبارت دیگر، احکام ارزشی و احکام واقعی شاید فقط در لحظه‌ای که در آن هستیم به آسانی از یکدیگر تمیز داده شود؛ اما اگر آن را در یک سیر زمانی در نظر بگیریم، فرق‌گذاری بین آن، اعتبار خود را از دست می‌دهد (همان: ۳۲ - ۳۱).

---

### 1. Preferences

بدیهی است که نمی‌توان ارزش‌ها را به ترجیح‌های فردی تقلیل داد. زیرا ارزش‌ها از مناقشه‌ها، کشمکش‌ها، مصالحه‌ها و سازش‌ها میان دیدگاه‌ها و عقاید گوناگون سرچشمه می‌گیرد و کسانی که را آن باور دارند، متعهد می‌سازد.

اما نباید تصور کرد که ارزش‌ها، اصول مسلم، صریح و بدون ابهام است که می‌توان از آن احکام دستوری خاص استنتاج کرد. افزون بر این چون ارزش‌ها در محیطی «چند بعدی» تشکیل می‌شود، همیشه به صورت ترکیبی خواهد بود. البته هر ارزشی با یک جهت‌گیری خاص متناظر است: ارزشی چون کارایی - در امور اداری یا سیاسی - هم از بهره‌وری فنی و هم از بازده مالی یا اقتصادی متمایز است. اما تصمیم‌گیری، یا حکمیت میان این جهت‌گیری‌های گوناگون - که هرگز آن را به حالت خالص نمی‌بایم - در ترکیب‌های نهادی پیچیده و ممکن‌الوقوع، تجسم یافته‌اند (همان: ۳۳ - ۳۲).

در چارچوب کلی دیدگاه کنش متقابل‌گرایان، نظریه‌های سازمانی در مناقشه با ارزش‌ها، دو دستاورد مهم دارد، که امکان می‌دهد با تأکید بر فرآیندهای ارزیابی، از چند مشکل کلاسیک در خصوص ارزش‌ها، اجتناب کنیم:

اول اینکه: برای یک سازمان معین، تصمیم برتر، به صورت نسبی و تطبیقی بیان می‌شود. برای مثال، وضعیت X سیستم به طور مطلق خوب نیست، اما شاید بتوان آن را به وضعیت Y ترجیح داد، زیرا نسبت به آن، دارای یک افزایش بازده اقتصادی، کارایی سیاسی یا همبستگی است.

دوم اینکه: ارزیابی همیشه چند معیاری است، به این معنا که منطق شرکت بازرگانی دقیقاً با منطق سود برابر نیست، بلکه معمولاً بر اساس سنجش<sup>۱</sup> معیاری نسبت به معیار دیگر گرفته می‌شود. به طور کلی، تصمیم‌گیرنده در این شرایط بیشتر حالت ترکیبی را انتخاب می‌کند تا در هر یک از پیشامدها، بیشترین مزایا و کمترین هزینه را داشته باشد (همان: ۳۳).

پس براساس این دیدگاه، ارزیابی، مقایسه‌ای است میان پیشامدهایی (با احتمال وقوع نابرابر) که به شیوه‌های مختلف سبک سنگین شده و می‌توان آن را از سه نظر به مثابه فرآیند

---

#### 1. Ponderation



اجتماعی، تحلیل کرد:

- ارزیابی یادگرفتنی است.

- مبتنی بر قالب‌های مرجعی است که نظام‌های هنجاری پیشین، فراهم آورده‌اند.

- به پایگاه اجتماعی تصمیم‌گیرنده و به موقعیت او در سازمان، بستگی دارد.

با تعریف ارزیابی به مثابه فرآیندی که برای شخص تصمیم‌گیرنده، انتخاب میان وضعیت‌های متفاوت یک نظام اجتماعی است، در واقع آن را با سه صفت تعریف کرده‌ایم:

۱. ارزیابی دیدگاهی چندبعدی است.

۲. ارزیابی، ترکیبی از مؤلفه‌ها است.

۳. ارزیابی رفتاری استراتژیک است (همان: ۳۴ - ۳۳).

آیا می‌توان تعریف ارزش‌ها در رویکرد کنش متقابل را، با تعریف کلاسیک مفهوم

ارزش‌ها به مثابه واقعیتی قائم به ذات و تحویل‌ناپذیر، آشتی داد؟

پاسخ آرون به این سؤال، مثبت، اما مشروط است. به اعتقاد وی، نظریه سازمان‌ها - و

رویکرد کنش متقابل - بر چندگانگی و کثرت ارزش‌ها تأکید دارد که در کنش و در طرز کار سازمان‌ها دخیل است.

بنابراین رویکرد کنش متقابل‌گرایی و نیز نظریه سازمان‌ها، بر چندگانگی و کثرت ارزش‌ها

تأکید دارد که در کنش و در طرز کار (ترجیحات جمعی) سازمان‌ها دخیل است.

### **مقایسه رویکرد کنش متقابل با نظریه دورکهایم و وبر در زمینه ارزش‌ها**

حال اگر نه از دیدگاه ترجیحات جمعی تصمیم‌گیرندگان، بلکه در چشم‌انداز «جهان‌بینی»

پوریتانیسم وبری یا فردگرایی به مفهوم دورکیمی آن به مسئله ارزش‌ها نگاه کنیم، درمی‌یابیم

که پوریتانیسم به شکل غریبی، ارزشمندی فرمانبرداری و اطاعت - از قانون الهی - و نوآوری

و اصیل بودن در امور انسانی را با هم می‌آمیزد. از نظر دورکهایم نیز، در ارزش‌های فردگرایانه،

همان تنش میان روحیه منضبط و روحیه خودمختاری را ملاحظه می‌کنیم. اگر تشکیل

جهان‌بینی مکنون در «ادیان بزرگ عالم‌گیر» (وبر) را تحلیل کنیم، پی می‌بریم که موضوع از

مجموعه‌ها یا نظام‌های بسیار پیچیده، تشکیل شده است. این جهان‌بینی‌ها، تنها از جهت‌گیری‌های ارزشی - مثل ترجیح کار و کوشش بر لذت‌طلبی - تشکیل نشده، بلکه این ترجیح‌ها مبتنی بر باورهای اختیاری است، اما به هیچ وجه نمی‌توان آن را به عنوان «روساخت‌ها»، رؤیاها یا هذیان‌ها معرفی کرد (همان: ۳۴).

وبر از مشاهده رابطه تنگاتنگی که میان الهیات، خداشناسی، رفتار اقتصادی، به ویژه میان الهیات کالونیستی و زهد و ریاضت‌کشی پیوریتنی وجود دارد، شگفت‌زده شده بود. دورکهایم نیز دست‌کم در جوامع مدرن، به وجود رابطه میان محتوای ادراکی و محتوای ارزشی ایدئولوژی‌ها پی برده بود. اما او بیشتر بر اهمیت التزام عملی به احکام دین - برای مثال در تنظیم اخلاق حرفه‌ای - تأکید کرده است که این التزام عملی نیز تحت تأثیر تکامل اعتقادات جمعی و تباهی سازوکارهای نهادی قرار دارد (همان).

در مقابل، توکویل در کتاب دمکراسی در امریکا، به وابستگی میان باورهای عمومی مسلط - برتر شمردن ارزش‌هایی چون آزادی و برابری در جوامع دمکراتیک - اعتقادات - معتقدات جزمی - افکار قالبی درباره سازمان اجتماعی، مثل حاکمیت آرای عمومی - تأکید کرده است.

چون «جهان‌بینی‌ها» در جامعه‌شناسی کلاسیک، با ارزش‌ها یکی است، باید به مثابه ترکیب‌های پیچیده باورها و ترجیحاتی که پایداریشان مسئله‌ساز است، تحلیل می‌شود (همان: ۸).

بنابراین مزیت رهیافت مذکور در باب ارزش‌ها در این است که ما را از تدوین فرضیه‌های غیرواقع‌بینانه درباره خصلت اختیاری بودن نظام‌های ارزشی و «انتخاب‌های اصالت وجودی» معاف می‌دارد. در واقع، اگر جهان‌بینی پیوریتنی یکپارچه با جهان‌بینی‌های برهمنایی یا بودایی مقایسه شود، غیرممکن است بتوان ثابت کرد یکی واقعی‌تر یا بهتر از دیگری است. در نتیجه هر دو آنها اختیاری است. اما اگر از دیدگاهی تکوینی به آن نگاه کنیم، می‌بینیم که فقط برای مورخ و جامعه‌شناس، به مرور زمان و در برخورد با تجربه‌های اجتماعی تشکیل شده است؛ حال آنکه برای مؤمنان، چنین جهان‌بینی‌هایی چونان امور

فصل اول: بررسی مفاهیم و نظرها ■ ۲۷

مطلق و به منزله «بسته» باورهای جزمی است که یکپارچه یا باید پذیرفت و یا رد کرد (همان: ۳۵ - ۳۴).

### نسبی‌گرایی و مطلق‌گرایی در ارزش‌ها

ادراک تطبیقی و تکوینی ارزش‌ها در رویکردهای تاریخی و جامعه‌شناختی، نباید از یادمان ببرد که ارزش‌ها مثل اصول اعتقادی، از درون، شخص را متعهد می‌سازد و بررسی آن در این حالت، رهیافت تطبیقی و تکوینی را بر نمی‌تابد (بودون: ۳۵).

بر این اساس آیا تضاد میان ادراک نسبی‌گرا و ادراک مطلق‌گرا در باب ارزش‌ها، اصولی است؟

مقایسه در هر دو مورد، از سازوکارهای اصلی ارزیابی است. برای مثال: رستگاری در آخرت برای یک مؤمن مسیحی، به خودی خود قابل مقایسه نیست، حتی اگر دغدغه خاطر وی برای رستگاری اخروی، او را به امور دنیوی بی‌اعتنا نکند. به هر حال، انتخاب‌هایی وجود دارد که چون و چرا نمی‌پذیرد و به صورت مطلق تحمیل می‌شود، همان‌طور که بعضی جنبش‌های اجتماعی، در نظر اعضایشان ارزشی بی‌نهایت دارد. همچنین، بعضی انتخاب‌ها نیز به صورت راه‌حل‌های سریع و محتاطانه ظاهر می‌شود (همان).

### ثبات و پایداری نظام‌های ارزشی

آشکار است که ارزش‌ها، به صورتی دوگانه، ظاهر می‌شود: وضعیت‌هایی از نظام اجتماعی، مطلوب شمرده می‌شود و در ارتباط با آن، وضعیت‌هایی هم وجود دارد که نامطلوب تلقی می‌شود.

اگر معتقداتی به صورت جزمی تصدیق می‌شود، معتقداتی هم وجود دارد که به‌طور جزمی نفی می‌شود. دسته اول را می‌توان معتقدات مرکزی یا مسلط نامید، زیرا تعیین‌کننده پایگاه اجتماعی در گروه اشخاصی است که به آن معتقدند. برعکس، ترجیحات یا اعتقادات منع شده را می‌توان انحرافی نامید، زیرا اشخاص یا گروه‌های معتقد به آن را بدعت‌گذار،

جدایی طلب یا بزهکار می‌نامند. شدت این دوگانگی هم برحسب ماهیت فعالیت‌های مورد نظر، و هم برحسب جوامع - که اجازه می‌دهد میزان مدارای اجتماعی را اندازه گرفت - متغیر است (همان).

فلورانس کلوکهن، میان ارزش‌های مسلط و ارزش‌های انحرافی، نوع سومی را قرار می‌دهد که آن را «ارزش‌های گونه‌ها»<sup>۱</sup> می‌نامد. اصطلاح ترجیحات و باورهای متفاوت از باورهای مسلط و انحرافی، برای افراد آزادی عملی را فراهم ساخته و به آنها فرصت استفاده از آن را می‌دهد. همچنین این ارزش‌های گونه‌ها تا حدودی هم بر عدم تعیین نسبی نظام ارزش‌ها، دلالت می‌کند (همان).

جامعه‌شناسان کلاسیک در قدرت یگانگی‌ساز یا انسجام بخش نظام ارزش‌ها، مبالغه کرده‌اند. اینکه ارزش‌های مشترک<sup>۲</sup> مایه همبستگی اعضای گروه است، نیازمند دو نوع توضیح خواهد بود:

نخست اینکه وحدت اجتماعی بر چیزی جز ارزش‌های مشترک مبتنی است. همان‌طور که پارتو آن را به خوبی بیان کرده است، در کنار اعتقادات و ارزش‌های مشترک، باید جایی هم برای منافع مشترک باز کرد.

دوم اینکه، ارزش‌ها به همان اندازه که مایه وحدت است، عامل تفرقه نیز خواهد بود. ارزش‌های پوریتنی (وبر) یا ارزش‌های فردگرایانه (دورکهایم) گروه بی‌شماری را جذب کرد. اما چنین ارزش‌هایی، آماج حمله‌های شدید نیز بوده است؛ به طوری که برای دموکراسی و سرمایه‌داری «هسته‌ای» فراهم آوردند، اما واکنش‌های خشونت‌آمیز و دیرپایی را هم برانگیختند. پس لازم است که در هر نظام ارزش‌ها، هسته سخت آن و انکسارهای بسیار گوناگونی که این هسته در پرتو آن در گذر زمان به صورت ترکیب‌های بسیار متفاوت ظاهر می‌شود، شناسایی کرد.

اصطلاح گونه، امروزه در معنایی متفاوت از آنچه کلوکهن در نظر داشت، به کار می‌رود.

- 
1. Variantes
  2. Commonly shared values

کلوکهن تأکید داشت برخی اعتقادات و باورهای قالبی، به مثابه بیان مشروع ترجیح‌های شخصی محسوب می‌شود؛ یا دست‌کم ترجیحاتی تلقی می‌شود که جامعه، داشتن آن را برای فلان گروه و یا فلان اقلیت قومی یا دینی مجاز شمرده و با آن مدارا می‌کند. در این صورت، می‌توان نظام ارزش‌ها را به عنوان یک سنت - یعنی یک تاریخ با تکرار مکررات، با از قلم‌افتادگی‌ها و با عبرت‌هایش - تلقی کرد. با چنین برداشتی، از ارزش‌ها یا از سنت‌های دمکراتیک، به‌طور برابر صحبت می‌شود و در این صورت، جا دارد پرسیم: آیا اقتدار این ارزش‌ها قبل از هر چیز، اقتدار سنت نیست؟

با آشکار شدن رابطه میان نظام ارزش‌ها و سنت، متوجه می‌شویم که نظام ارزش‌ها، از سیستم‌هایی باز تشکیل شده است. جامعه‌شناسان کلاسیک بر جنبه سیستمی ترجیحات جمعی، تأکید دارند که ترجیحات جمعی، دارای منطقی است که اگر این منطق خیلی هم سختگیر نباشد، باز هر انجمن و تجمعی را مجاز نمی‌شمارند. برای مثال: ارزش‌های دمکراتیک، به سختی با اقتدارگرایی و با «کیش شخصیت» سازگار است (بودون: ۳۶).

همچنین تنش‌های شدید درباره وضعیت‌ی که به‌طور مشروع، مطلوب تلقی می‌شود، نظام ارزش‌ها را در معرض از هم گسیختگی قرار می‌دهد. تضاد ارزش‌ها در جامعه به این معناست که تعریف وضع مطلوب، وقتی که انسجام ارزش‌ها به پایین‌ترین درجه تنزل می‌یابد، دیگر رضایت‌بخش نیست. به هر حال، نظام‌های ارزشی اگرچه در معرض خطر گسیختگی است، اما توانایی تنظیم و تصحیح آن وجود دارد. در هر دو حالت، می‌تواند تحول یابد و با دگرگونی‌های محیط سازگار خواهد بود (بودون، همان: ۳۷ - ۳۶).

### خصلت برون‌زا یا درون‌زا بودن تنظیم نظام ارزش‌ها

آیا قابلیت تصحیح و تنظیم نظام ارزش‌ها، درون‌زاست<sup>۱</sup> یا برون‌زا<sup>۲</sup> است؟ تفاوت میان موضوع (تم) و گونه‌ها از راه تشخیص یک هسته سخت، به ما در یافتن راه‌حل برای مسئله دشوار خصلت برون‌زا یا درون‌زای تنظیم نظام ارزش‌ها، کمک می‌کند.

---

1. endogen  
2. exogen

کاهش ناسازگاری نظام ارزش‌ها، از راه تجدیدنظر در رفتارها، تجدیدنظر در تعریف «اعتقادات جزمی» و باورهای قالبی، صورت می‌گیرد. در این حالت، خطر مضاعف است. بردبار نبودن در برابر رفتارهای متفاوت یا انحرافی که اغلب رفتارهایی نوآور است و هم‌نوایی و هم‌رنگی که باعث تقویت و تحکیم اعتقادهای جزمی و باورهای قالبی می‌شوند، مانع تحول و تکامل، خواهد بود.

همچنین می‌توان نظام‌های ارزشی‌ای را تصور کرد که «هسته» آن، ضعیف شده و در برابر چالش ناسازگاری و کشمکش در خصوص پذیرفتن و اطاعت کردن، به‌طور انفعالی واکنش نشان می‌دهند. نمی‌توان پیش‌بینی کرد که آیا این نوع واکنش در جهت بقای نظام ارزش‌ها عمل می‌کند یا برعکس، مهر تأییدی بر افول و انحطاط آن است؟ در اینجا مشکل پیش‌بینی، دقیقاً از باز بودن نظام سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، قابلیت تنظیم‌کنندگی، فقط به خود نظام ارزش‌ها بستگی ندارد، بلکه به محیطی هم که با آن در تعامل است، مربوط خواهد بود (همان: ۳۸ - ۳۷).

### جایگاه ارزش‌ها در پارادایم‌های علوم اجتماعی

به‌طور کلی، سه نوع نگرش درباره نقش تبیین‌کنندگی ارزش‌ها، قابل مشاهده است:

۱. انکار<sup>۱</sup>، ۲. ناچیز و کم‌اهمیت شمردن<sup>۲</sup> و ۳. تأکید و اهمیت زیاد قایل شدن<sup>۳</sup> (مورس و لستاگ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹).

رادیکال‌ترین نوع انکار، نفی اهمیت نقش تبیین‌گر ارزش‌ها<sup>۵</sup> و زدودن کامل جهت‌گیری‌های ارزشی از ذهن است. نه تنها در رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک که مبتنی بر تقدم محاسبه عقلانی سود - نفع است، بلکه در شاخه‌های فرعی این رویکرد نظیر رویکرد هزینه معامله<sup>۶</sup>،

- 
1. Denial
  2. Trivialization
  3. Emphasis
  4. Moors & Lesthaeghe
  5. Explanatory role of values
  6. Transaction cost approach

## فصل اول: بررسی مفاهیم و نظرها ■ ۳۱

عناصر ذهنی انتخاب‌ها، نقش و کاربرد روشی ندارد. البته به یقین تئوری اقتصادی، سلیقه‌ها و ترجیحات را می‌شناسد؛ اما ساخت ترجیحات یا انواع معینی از نیازها - غیر از نیازهای مادی یا سرمایه اجتماعی - نکات محوری مورد توجه در این نظریه نیست. با این حال، اخیراً بعضی اقتصاددانان به سؤال‌های مشکل‌تری توجه کرده‌اند که بیشتر به کوشش برای سنجش نیازهای غیرمادی مرتبط است. برای مثال، آنان در مورد ارزش بچه‌ها، فایده روان‌شناختی بچه و معانی زیستی - شناختی والدین شدن را رد می‌کنند و فقط با دیدی مادی به بچه داشتن نگاه می‌کنند. در حالی که، با استدلال‌های اخیر، بچه‌ها در دنیای صنعتی امروز، در خدمت تولید خانوار نبوده و در نتیجه شکل‌گیری گروه‌های همسالان اولیه، دیگر سرمایه اجتماعی با دوامی برای والدینشان هم نیستند. پس چرا «سرپرست دیگر خواه خانوار»، به تعبیر بکر، رفاه دیگران - از جمله فرزندان - را جزو کارکرد مفید خود به حساب می‌آورد؟ در این باره باید به شماری از منافع حاصل (نه فقط نفع مادی مسئله) برای وی اندیشید. این منافع، طیف متنوعی از اهداف ذهنی مهم را مثل: احترام به خود، امنیت، عزت نفس، پایگاه اجتماعی، احساس فضیلت، هارمونی درونی، دوستی حقیقی، قدرت، هیجان یا آسایش و خوشی دربرمی‌گیرد. بنابراین، مفاهیم اقتصادی «ارزش»، «دست‌آورد» و «منفعت»، مستلزم مشخص کردن نیازها و به حساب آوردن آن دسته از نیازهایی است که روکیچ (۱۹۷۳) از آن به عنوان «اهداف مرجح و غایی هستی»<sup>۱</sup> نام می‌برد. همچنین وقتی که نیازهای مادی اساسی یا پایه (معاش، امنیت و...) برآورده شد (به طوری که مازلو بیان کرده است)، شاید نیازهای جدیدی ظاهر می‌شود که جنبه هستی‌شناختی<sup>۲</sup> بسیاری دارد.

به طور کلی، اگر در گذشته اقتصاددانان نئوکلاسیک و نظریه معامله اجتماعی، برای جهت‌گیری‌های ارزشی - به معنای روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی آن - استفاده ناچیزی داشته‌اند، ممکن است این‌گونه نظریه‌ها و نظرها فایده روزافزونی در آینده برای موضوع

1. Preferable and state of existence

2. Existential

ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی داشته باشد؛ یعنی در زمانی که دیگر منفعت فقط به معنای مادی آن در نظر گرفته نمی‌شود، دوباره در چنین حالتی، فرهنگ کانون توجه واقع خواهد شد (مورس ولستاگ، ۱۹۹۹: ۳).

برعکس، نظریه اقتصادی همیشه به «انتخاب شقوق» جایگاه برجسته‌ای داده است. از این‌رو، تمام «اهداف غایی هستی» مطرح شده از سوی راکیچ نمی‌تواند همزمان انتخاب شود. در این خصوص آنهایی که برای «عوامل ذهنی»<sup>۱</sup> در رفتار، جایگاهی قائل هستند، مجبور خواهند بود به جای تکیه بر تحلیل جهت‌گیری‌های ارزشی کنار یکدیگر<sup>۲</sup> (هماهنگ)، بیشتر بر اساس «مدل‌های خرد شقوق رقیب»<sup>۳</sup> (ارزش‌های متعارض) کار کنند (همان: ۴ - ۳). از سوی دیگر، اشکال قدیمی‌تر نظریه جامعه‌شناختی، درباره انکار اهمیت فرهنگ، به یک اندازه معروف است:

این‌گونه نظریه‌ها یا مبتنی بر دیدگاه نئومارکسیستی‌اند که می‌گویند: «این آگاهی بشر نیست که هستی او را مشخص می‌سازد، بلکه این هستی اجتماعی انسان است که آگاهی و شعور وی را معین می‌سازد»؛ یا با توجه به اینکه ارزش‌ها فقط از خود رفتار استنتاج می‌شود، ارجاع به آن صرفاً یک این همان‌گویی<sup>۴</sup> جامعه‌شناختی است.

دیدگاه اول (نئومارکسیستی) در تاریخ، به ویژه تاریخ اروپا، سنتی طولانی داشته است. اما به موازات این خطوط، چندین مسیر<sup>۵</sup> در جامعه‌شناسی ادامه می‌یابد. برای مثال، بخشی از بررسی‌های کنونی در مورد اقلیت‌های قومی، تمام این اقلیت‌ها را قشر فقیر و محروم جامعه در نظر می‌گیرند که با عنوان طبقه پایین<sup>۶</sup> بازتولید می‌شوند؛ و به نظر می‌رسد که مشخصه‌های فرهنگی دیگر مربوط به جریان‌های «طرد اجتماعی»<sup>۷</sup> یا «انسجام افتراقی»<sup>۸</sup>

1. Ideational factors
2. Side by side
3. Micro-models of competing alternatives
4. Tautology
5. Strands
6. Underclass
7. Social exclusion
8. Differential integration



فقط فایده جانبی داشته باشد (همان: ۴).

دیدگاه دوم، نقد روش شناختی پیرامون مشاهده و سنجش ارزش‌ها است. اما بعداً مکتب روش‌شناسی قومی<sup>۱</sup> از تمام سنجش‌ها نه فقط سنجش ارزش‌ها، انتقاد می‌کند.

**ناچیز شمردن ارزش‌ها:** کم‌اهمیت شمردن یا ناچیز شمردن ارزش‌ها به چند روش نمایش دارد: ممکن است با کوچک شمردن ارزش‌ها در تبیین، یا با در نظر گرفتن آن به مثابه «اصول ثابت»<sup>۲</sup> و یا برون‌زا<sup>۳</sup> (ناشی از عوامل خارجی) دیدن آن، کم‌اهمیت جلوه داده شود.

**چنین ویژگی برون‌زایی، در نظریه انتخاب عقلانی<sup>۴</sup>، به نحوی واضح است:** عقلانیت خصیصه‌ای ذاتی - طبیعی است و یک ساخته - مفهوم اجتماعی نیست<sup>۵</sup>. اما به حداکثر رساندن اهمیت ارزش‌ها نیز همان‌قدر ممکن است منجر به ناچیز شمردن آن شود. چنان‌که این مسئله را در آثار تالکوت پارسونز که مخالف سرسخت «عقلانیت ذاتی» است، می‌توان دید. بنابراین بخشی از ناچیزشماری ارزش‌ها، نقش غایت‌شناختی<sup>۶</sup> آن در کارکردگرایی پارسونزی است. در نظریه پارسونز، ارزش‌ها رفتار را با تعریف توضیح می‌دهد و واقعیت قابل مشاهده، مجبور به انطباق با الگویی از پیش تصور شده است (اسپاتز، ۱۹۸۳). در این نظریه، اگر چه به ارزش‌ها از نظر تئوریک تأکید می‌شود، اما در تجربه، ناچیز خواهد بود (مورس و لستاگ، ۱۹۹۹).

در حالی که روش تجربی تحقیق ارزش‌ها و روندهای آن، آشکارا متمایل به تأکید نقش ارزش‌ها در هدایت رفتار، بدون نیاز به تقبل جبرگرایی کارکرد گرایانه، است. مفهوم‌سازی ارزش‌ها مسئله‌ای دشوار است که مانند قبل باقی می‌ماند. بسیاری از محققان از بسیاری مفهوم ارزش‌ها با فرض درک شهودی آن، استفاده می‌کنند. (آلموند و ویلسون، ۱۹۸۸) و

1. Ethno-methodology
2. Trivialization
3. Constants
4. Exogenous
5. Rational choice theory
6. Social construct
7. Eteological

سنت تجربی ممکن است با رجوع به مجموعه‌ای از مفاهیم همچون: قوانین، باورها، نیازها، جهت‌گیری‌ها، ترجیحات، احتمالات رفتاری و... مسئله را مبهم‌تر سازد. اما دو دسته تفکر و مسیر فکری وجود دارد: اولین مسیر، به تعریف کلوکهن (۱۹۵۱) برمی‌گردد که براساس آن «ارزش، مفهومی از مطلوبیت است که انتخاب از میان شیوه‌ها، وسایل و اهداف کنش در دسترس را متأثر می‌سازد». این تعریف بیشتر جبرگرایانه است که ریشه در مردم‌شناسی کارکردگرا دارد.

دومین سنت، به روکیچ (۱۹۷۳) برمی‌گردد که روان‌شناس اجتماعی است. او «ارزش‌ها را اعتقادات پایداری در نظر می‌گیرد که یک شیوه خاص رفتار، به طور شخصی یا اجتماعی، بر شیوه متضاد یا عکس آن رفتار یا حالت غایبی هستی، ترجیح داده می‌شود» (۱۹۷۳: ۵). مهم‌ترین مزیت دیدگاه روکیچ این است که از ایجاد مسائلی که در معرض سؤال‌های تجربی قرار می‌گیرد، از قبیل ارجاع به کنش - بخش اصلی تعریف - دوری می‌کند.

کلوکهن به ارزش‌ها به مثابه الزامات فرهنگی<sup>۱</sup> ایجادکننده همبستگی و انسجام اجتماعی<sup>۲</sup> تأکید می‌کند. روکیچ، ارزش‌ها را به مثابه مجموعه‌ای از گزینه‌ها در دنیای پدیدارشناختی در نظر می‌گیرد که در آن افراد باید به اعمال خود معنی ببخشند (همان). با اینکه روکیچ، ارزش‌ها را به صورت پایدار<sup>۳</sup> در نظر می‌گیرد، اما مکرر اشاره می‌کند که ارزش‌ها، ثبات کامل ندارد؛ البته این مقوله باید با تحقیقات تجربی آشکار گردد (مورس ولستاگ، ۱۹۹۹).

برای پرهیز از آشفتگی ذهنی، ابتدا به سراغ نردبان تجرید<sup>۴</sup> می‌رویم. در رأس این نردبان، مفهومی از ارزش یا جهت‌گیری ارزشی که کلی‌تر و انتزاعی‌تر است را مشاهده می‌کنیم و به تبعیت از روکیچ، به آن معنای «انگاره‌ساختی»<sup>۵</sup> می‌دهیم. در این خصوص، ارزش‌ها مبتنی

- 
1. Cultural imperatives
  2. Social cohesion
  3. Enduring
  4. Abstraction ladder
  5. Ideational

است بر باورها (یا قوی‌تر از آن، ایمان یا عقیده<sup>۱</sup>) یا گزینه‌های مربوط به «حالات غایی»<sup>۲</sup> همچون: «همه انسان‌ها با هم برابرند» (مساوات)، «خوشبختی از ثروت مهم‌تر است»، «خداوند در نهایت درباره اعمال ما قضاوت خواهد کرد» (عدالت و بندگی) و... ما در فهرست ارزش‌های روکیچ، با این کلمات نیز روبه‌رو می‌شویم: آسایش، عشق کامل، درک و تحسین زیبایی، سازگاری درونی (رهایی از تضادهای شخصی و درونی)، عزت نفس، موفقیت، امنیت، هیجان، لذت، شناختگی اجتماعی<sup>۳</sup>، دوستی واقعی، صلح و خردمندی. وقتی که انتخاب‌های مرتبط با حوزه یا قلمرو خاص و معینی<sup>۴</sup> مدنظر است واژه نگرش را یک پله پایین‌تر روی نردبان تجرید، به‌کار می‌بریم. از این راه، ما به نگرش‌های سیاسی، اخلاقی، اجتماعی، مذهبی، جنسیتی، خانوادگی یا کاری، اشاره می‌کنیم. نگرش‌ها، ضمانت اجرایی ندارد (همان).

هنجارها از سوی دیگر، قواعد رفتاری موقعیت معینی است که عملی را تجویز یا ممنوع می‌گرداند و اگر زیر پا گذاشته شود، از سوی ضمانت اجراها پیگیری می‌گردد. هنجارهای مربوط به موقعیت‌های اجتماعی معین، می‌تواند عام‌تر یا خاص‌تر<sup>۵</sup> باشد و قلمرو کاربرد آن نیز می‌تواند گسترش یابد یا قراردادی شود. شاید درونی کردن هنجارها در تعریف جهت‌گیری‌های ارزشی سهیم باشد (مورس و لستاگ، ۱۹۹۹: ۶-۵).

### تفاوت ارزش و نگرش

ارزش از مفاهیمی است که تا حدی با مفهوم نگرش در تداخل است. به منظور گره‌گشایی از مفاهیم نگرش و ارزش، دو مسیر متفاوت دنبال شده است:

۱. مسیری که کمتر به آن توجه شده است، نگرش را چیزی فراتر و وسیع‌تر می‌داند که در آن هم شناخت و هم‌ارزیابی ارزش وجود دارد و ارزش را یک نگرش غیرگسترده،

1. Conviction
2. End states
3. Social recognition
4. Domain-specific options
5. Universal/ Particular

تعریف می‌کند. در امتداد این خط، پاره‌ای از نظریه‌پردازان - از جمله آلپورت - چهار مفهوم عقیده، نگرش، علاقه و ارزش را به مثابه نقاطی متوالی در امتداد یک پیوستار واحد تلقی می‌کنند.

۲. پیشنهاد دیگر که جالب‌تر است، ارزش‌ها را اجزای نگرش‌ها در نظر می‌گیرد. در این حالت، نگرش به یک موقعیت، ترکیب والانس - مثبت یا منفی - تمامی ارزش‌ها یا اهدافی تعریف می‌شود که موقعیت در آن سودمند است (شکرکن، ۸).

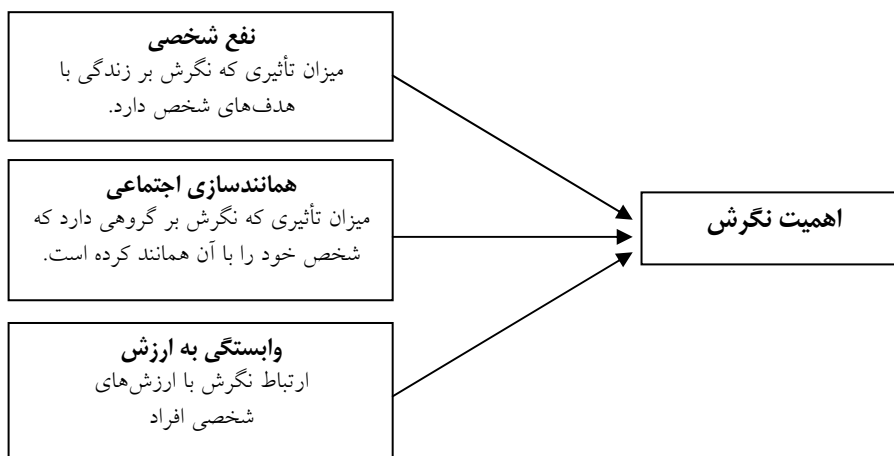
همچنین، در بیان وجه تمایز و تفاوت دو مفهوم ارزش و نگرش گفته می‌شود که ارزش‌ها، هدف‌هایی گسترده‌تر و انتزاعی‌تر است و غالباً فاقد شیء یا موضوع مشخص یا نقطه ارجاع خواهد بود. شجاعت، زیبایی و آزادی، ارزش است و معیاری برای قضاوت یا استانداردهای انتزاعی عمل می‌کند که شخص از آن برای تصمیم‌گیری بهره می‌برد و از آن راه، نگرش‌ها و باورهای خاصی را در خود ایجاد می‌کند. بدین ترتیب اگر زیبایی برای شما از ارزش‌های اصلی باشد، بسیاری از باورهای شما حول این محور دور می‌زند که فلان شیء تا چه حد از نظر زیبایی‌شناسی خوشایند است؟ اما برای افراد دیگر، ممکن است کارآمدی یا قابل استفاده بودن یک شیء، ارزش غالب باشد. در این صورت، نگرش آنان به آن شیء با نگرش شما، تفاوت و فاصله بسیاری دارد (کریمی، ۱۳۷۹: ۱۷ - ۱۶).

از سوی دیگر، محققان استدلال کرده‌اند که ارزش‌ها در تعیین اهمیت نگرش‌ها برای افراد، نقش اساسی ایفا می‌کند. تحقیقات بونینگر<sup>۱</sup>، کراسنیک<sup>۲</sup> و برنت<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) قراین مهمی در این زمینه فراهم کرده است که سه عامل، در تعیین اهمیت نگرش، نقش کلیدی دارد. اول، نفع شخصی<sup>۴</sup>، عامل دوم همانندسازی اجتماعی و عامل سوم، وابسته به ارزش بودن است. به این معنا که هر قدر یک نگرش، پیوند نزدیک‌تری با ارزش‌های شخصی فرد داشته باشد، اهمیت آن نگرش برای وی بیشتر خواهد بود. پس آنچه یک نگرش را برای فرد مهم

- 
1. Boninger
  2. Krosnick
  3. Berent
  4. Self-interest

## فصل اول: بررسی مفاهیم و نظرها ■ ۳۷

می‌کند، رابطه آن با نیازها و ارزش‌های اساسی اجتماعی و فردی شخص است که در نمودار زیر می‌بینید:



از سوی دیگر، مایکل هچتر در تعریف و بیان تفاوت ارزش‌ها، نگرش‌ها یا ترجیحات، می‌نویسد:

«ارزش‌ها، معیارهای درونی به نسبت کلی و با دوام<sup>۱</sup> برای ارزیابی است. همچنین، ارزش‌ها با دیگر مفاهیم، نظیر: ترجیحات، نگرش‌ها و هنجارها متفاوت است. ترجیحات و نگرش‌ها، همانند ارزش‌ها از عناصر درونی به شمار می‌رود، اما برخلاف آن، هم متغیر بوده و مشمول مرور زمان می‌شود و هم، ویژه است<sup>۲</sup> به جای آنکه کلی باشد. هنجارها نیز در عین حال که ارزیاب<sup>۳</sup>، کلی و با دوام است، اما برخلاف ارزش‌ها، نسبت به کنشگران عنصری بیرونی<sup>۴</sup> و نیز برای اثربخشی<sup>۵</sup>، نیازمند ضمانت اجرا<sup>۶</sup> می‌باشد» (Hechter, 1992: 274).

1. General & durable
2. Particular
3. Evaluative
4. External
5. Effectiveness
6. Sanctioning

سرانجام بدون از ارزش‌ها به عنوان نگرش‌های تعمیم یافته<sup>۱</sup> یاد می‌کند و در این باره می‌نویسد:

«با توجه به پیشرفت سنجش نگرش‌ها در دهه اخیر، این شگفت‌انگیز است که در علوم رفتاری، به رابطه بین ارزش‌ها و نگرش‌ها تا حدی که ادعا شده، نپرداخته‌اند.»

روکیچ که در این راستا حرکت می‌کند، مدعی است اگر چه ارزش‌ها همانند نگرش‌ها، زمینه‌هایی برای عمل است، اما از نظر فراتر رفتن<sup>۲</sup> از موضوع‌ها و موقعیت‌های معین، متفاوت از نگرش‌ها خواهد بود. به همین منوال، کورت بیر<sup>۳</sup> و نیکولاس رشر<sup>۴</sup> برپایه مطالعه‌ای اساسی، نتیجه گرفته‌اند که «انتخاب‌ها، ترجیحات را آشکار می‌سازد و ترجیحات منعکس‌کننده ارزش‌ها خواهد بود». حال اگر این «ترجیحات» به عنوان نگرش‌ها مفهوم‌سازی شود، این توصیف ساده می‌تواند با تعریف آدلر<sup>۵</sup> ترکیب شود و یک مدل کارآمد از ارتباط، تعبیر و تفسیر ارائه دهد: از راه گزینه‌های رفتار فردی، پدیده‌های ارزش و نگرش و نیز پدیده‌هایی که با مفاهیمی نظیر ایده‌های فرهنگی، هنجارها، تفاوت‌های اخلاقی، ساخت‌های پاداش<sup>۶</sup>، عقاید مربوط به ازدواج و جهت‌گیری‌های ارزشی بیان و تعریف می‌شود (بودون، ۱۹۷۲).

واژه نگرش در فارسی معادل‌های بسیاری دارد. شامل: گرایش، ایستار، طرز تلقی و تمایل. پیش از پیدایش مفهوم نگرش، دانشمندان از واژه غریزه، برای انتقال فرهنگ استفاده می‌کردند، اما به دلیل نارسایی مفهوم غریزه، بعدها واژه نگرش، برای این منظور انتخاب شد.

1. generalized attitudes

2. transcendence

3. Kurt Baier

4. Nicholas Rescher

۵. آدلر معتقد است که ارزش‌ها باید برحسب رفتار تعریف شود تا قابلیت لازم را به‌عنوان یک مفهوم در علوم اجتماعی پیدا کند.

6. Reward structures

مفهوم نگرش نه تنها بین فرد و اجتماع قرار دارد، بلکه رابطه بین جسم و روان را هم نشان می‌دهد. این مفهوم گویای نوعی حالت جسمانی یا وضعیتی است که هم حالت عاطفی را بیان می‌کند و هم آن حالت را به یک حرکت مبدل می‌سازد. برای مثال: نگرش درباره پیروزی، هم بیانگر احساس پیروزی است و هم به عمل تبدیل می‌شود که نشانگر پیروزی است.

اما نگرش در زبان رایج، تمایل عاطفی یا روانی را در مقابل چیزی یا شخصی تعیین می‌کند بدون اینکه دگرگونی جسمانی آن مداخله کند. برای مثال زمانی که از یک نگرش صلح‌آمیز یا ستیزه‌جو سخن می‌گوییم، در عمل زمینه پیدایش مجموعه‌ای از رفتارها را فراهم می‌آوریم که این اعمال با آن نگرش، منطبق است و تمام مفهوم آن را دربرمی‌گیرد. این ویژگی مضاعف نگرش که نمود جسمانی دارد و با نظم و ترتیبی در بیان عواطف به کار می‌آید، عملی است که در زبان رایج و در یک مفهوم نزدیک به پذیرش نقش - نقشی که نمود ظاهری دارد - انجام می‌گیرد.

### نگرش و مفاهیم نزدیک به آن

#### نقش و نگرش

این دو مفهوم با یکدیگر در ارتباط‌اند. مفهوم نقش، تمایل‌های عاطفی - پنهانی را در کنار فعالیت‌های آشکار در برمی‌گیرد و این تمایل‌ها نیز متقابلاً انجام شدن کارهای دستوری از سوی نقش را، با اهمیت می‌سازد. همچنین، نقش اجتماعی یک پزشک در کنار فعالیت‌های مرسوم، پاره‌ای از نگرش‌های دوگانه و فداکارانه را در قبال بیمار ایجاب می‌کند. انجام شدن کار مفید و مقرر که موضوعی با اهمیت به شمار می‌رود، به طور طبیعی از نظر جامعه، مشخص است، اما از نظر بازیگر آن نقش، کوشش کمتری را به همراه خواهد داشت. نگرش، چهره‌ای از نقش را می‌سازد که بیشتر شخصی و کمتر قابل کنترل است. نگرشی که تماشاگران بیرونی، به بازیگر چنین رفتاری توجهی ندارند و به طور مطلق آن را نادیده می‌انگارند.

نقش از سوئی دربرگیرنده و بیانگر پاره‌ای از نگرش‌هاست و از سوی دیگر نگرش از پیش شکل گرفته، می‌تواند گزینش‌های نقش فرد را سمت بدهد.

### نگرش‌ها، عقاید و باورها

میان نگرش و باورها، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. می‌توان گفت که زیربنای عقلی و منطقی عقاید و باورها را تشکیل می‌دهد. اگر نگرش تمایل به انجام دادن کارهای مناسب و نامناسب نسبت به موضوعی خارجی است، عقیده، نمود بیرونی آن به‌شمار می‌آید. عقیده اندیشیدن درخصوص واقعی بودن یک موضوع و قضاوتی است که ما در مورد موضوعی داریم. برای مثال اگر بگوییم این موضوع بد است، عقیده خود را درباره آن موضوع بیان کرده‌ایم. با وجود این، عقیده و نگرش دو جنبه مکمل یک فرایند خواهد بود. اولی از پویایی و زمینه‌های عاطفی بیشتری برخوردار است و دومی بیشتر جنبه عقلانی و گفت و شنود و ارتباط شفاهی دارد. این امر نشانگر آن است که نگرش و عقیده آن چنان درهم‌آمیخته که سنجش افکار عمومی بیشتر از راه سنجش نگرش، انجام می‌گیرد. نگرش‌های فرعی گویای این واقعیت است که چرا و چگونه یک گفت و شنود با یک بحث منطقی، قادر به تغییر عقاید نیست و تنها می‌تواند (گاهی)، عقاید موجود را تقویت کند.

باورها در مقایسه با عقاید جنبه کلی‌تری دارد؛ باورها دنیای فرد را می‌سازد و به فرد ثبات نظر و عقیده می‌دهد. مجموعه مطالبی که ما درباره یک موضوع خاص می‌دانیم و قضایایی که برای ما معنایی ندارد و همچنین همه موضوعاتی که ما فکر می‌کنیم واقعیت دارد، باور ما را شکل می‌دهد. کرچ و کراچفیلد، باور را چنین تعریف می‌کنند: «باور، یک سازمان‌آبثاتی از ادراک و شناخت نسبی درباره جنبه خاصی از دنیای یک فرد است». در مفهوم وسیع‌تر باورها دربرگیرنده شناخت یا دانسته‌ها، عقاید یا آیین است.



## نگرش و آگاهی

همواره درباره ارتباط میان نگرش و آگاهی مناقشه وجود داشته است. حاصل این مناقشه، پذیرفته شدن مکتب ورتزبورگ بود که نگرش‌ها در آن نه احساس دانسته شده است و نه تصویر ذهنی، نه عاطفه و نه هیچ ترکیبی از این حالت‌ها است. نگرش‌ها، بارها و بارها با استفاده از روش درون‌نگری، مطالعه شده است. اما نتایج به دست آمده هیچ‌گاه پربار نبود. اغلب به نظر می‌آمد که گرایش به جز یک احساس مبهم نیاز، یا نوعی احساس نامشخص و تحلیل‌نشده از تردید و پذیرش، اعتقاد، تلاش یا آشنایی، جلوه دیگری در آگاهی ندارد. به دنبال کار این مکتب، تمام روان‌شناسان وجود نگرش‌ها را پذیرفتند. اما باور تمام آنها این نبود که نگرش‌ها اجزای لمس‌نشده و کاهش‌نیافتنی است. به‌طور کلی پیروان وونت بر این باور بودند که نگرش‌ها را می‌توان به درستی در حکم احساس‌هایی دانست که از تقلا و هیجان، ترکیب شده باشد. بعدها کلارک دریافت که نگرش‌ها از طریق تصویر ذهنی احساس و عاطفه، به صورت وسیعی در آگاهی نقش دارد و نیز جایی که چنین حالت‌هایی دیده نشود، احتمالاً تنها دلیل آن، از بین رفتن یا کاهش این اجزای ساختاری است (آلپورت وای جونز، ۱۳۷۱: ۱۱۹).

## ویژگی‌های نگرش

دانشمندان ویژگی‌های مختلفی را برای نگرش در نظر گرفته‌اند که این ویژگی‌ها وجوه مشترکی دارند. گاه این ویژگی‌ها از دید دانشمندان مختلف، متفاوت قلمداد می‌شود. به‌طور مثال کینبرگ پاره‌ای از ویژگی‌های نگرش را چنین مطرح کرده است:

**الف) محتوا:** نگرش‌ها ممکن است به اشیا یا اشخاص یا گروه‌هایی از اشخاص مربوط باشد.

**ب) سمت‌گیری:** نگرش‌ها را می‌توان به موافق و مخالف تقسیم کرد.

**ج) میزان:** نگرش را می‌توان اندازه‌گیری کرد.

**د) شدت:** تا چه اندازه این نگرش در دل ما جای دارد.

**ه) پیوستگی:** نگرش‌های گوناگون ما با یکدیگر تا چه حد پیوستگی دارد یا در تناقض است.

و) برجستگی: تا چه اندازه آمادگی داریم نگرش ویژه‌ای را بیان کنیم (بلاونیون، ۱۳۷۴: ۱۲۴).  
نگرش‌ها به عقیده پارک:

الف) در دنیای اهداف، جهت‌گیری مشخصی دارد و از این نظر با بازتاب‌های ساده و شرطی شده، تفاوت دارد.

ب) نگرش به هیچ وجه کرداری خودبه‌خود و روزمره نیست؛ برعکس حتی هنگامی که پنهان است، تنش‌هایی از خود ظاهر می‌کند.

ج) نگرش‌ها شدت‌های متفاوت دارد، بعضی وقت‌ها مسلط و حاکم و برخی مواقع به نسبت بی‌اثر است.

د) نگرش‌ها ریشه در تجربه دارد، از این رو نمی‌تواند تنها یک غریزه اجتماعی باشد (بلاو و نیون، ۱۳۷۴: ۱۲۴).

با توجه به تعاریف مختلف، می‌توان برای نگرش ویژگی‌های ذیل را قابل شد:

۱. نگرش واقعیت متعین ندارد و قابل مشاهده نیست. بلکه یک مفهوم ذهنی، نظری و انتزاعی است که هنگام تحریک افراد به‌صورت بیان یا واکنش ناخودآگاه در رفتار و احساسات اشخاص متجلی می‌گردد و در غیر این صورت ساکت و مخفی می‌ماند.

۲. نگرش‌ها از سه عنصر شناختی، احساسی و تمایل به عمل بهره‌مند است. هر سه جزء در موارد استثنایی و نادر به صورت به هم پیوسته و یکپارچه تجلی و تحقق می‌یابد.

۳. نگرش‌ها مصادیق مختلفی دارد و فرد می‌تواند درباره هر موضوعی که از آن اطلاعاتی دارد نگرش داشته باشد.

۴. برخی از نگرش‌ها جنبه‌های خصوصی محض دارد، یعنی فقط در شخص خاصی حاضر بوده و از این نظر، منحصر به خود آن فرد است. پاره‌ای دیگر، جنبه‌های عمومی‌تر داشته و در میان گروه وسیعی از افراد جامعه مشترک است.

۵. نگرش‌ها غالباً میل به پایداری دارد، ثبات جزء ذات نگرش و یکی از وجوه تمایز آن با احساسات ساده‌تر است. اما این به آن معنا نیست که نگرش‌ها تغییر نمی‌کند، بلکه تغییر آن آهسته، لازم، بطئی و بسیار سخت و وابسته به نوع موضوعی است که بدان تعلق دارد.

فصل اول: بررسی مفاهیم و نظرها ■ ۴۳

۶. نگرش‌ها شدت و ضعف دارد. می‌توان از نگرش‌های بسیار ملایم و یا بسیار شدید به مطالب، دوری کرد. این امر تا حدودی به محتوا و موضوع نگرش مربوط است.
۷. نگرش‌ها زمینه‌ساز رفتار به شیوه خاص است و وجود آن تجانس و تشابه کنش‌های فرد را تضمین می‌کند.
۸. نگرش‌ها مفاهیمی است که از راه محیط و یادگیری، کسب می‌شود و ذاتی انسان به شمار نمی‌آید.

### اندازه‌گیری نگرش‌ها

نگرش‌ها از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. ساده‌ترین آن اندازه‌گیری جهت‌گیری افراد است. مفاهیم مربوط به نگرش، عقاید و تفکر قالبی و همچنین سطح آرزوها سبب بروز رفتار نمی‌شود. این مفاهیم به‌طور مستقیم قابل بررسی نیست و پژوهشگر آن را براساس پاره‌ای از رفتارها و بیان شفاهی درمی‌یابد. این نگرش و عقاید بر رفتار تأثیر می‌گذارد، به آن شکل می‌دهد، آن را هدایت می‌کند و انگیزه‌های تازه‌ای در فرد ایجاد می‌کند؛ به گونه‌ای که نیازها را برآورده و به گرایش‌های افراد سمت می‌دهد.

### جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی

بحث امور جنسی و جنسیت، مشابه مباحث طبیعت و تربیت است. آیا طبیعت زنان از لحاظ بیولوژیکی معین شده یا به‌طور اجتماعی، شکل گرفته است؟ پاسخ معمول آن است که جنسیت به شکل اجتماعی و مصنوعی ساخته شده است، حال آنکه امر جنسی امری بیولوژیکی است. همچنین نقش‌های معینی برای زنان مقرر است، گویی این نقش‌ها به‌طور طبیعی و بیولوژیکی، متعلق به آنها بوده است (وینست، ۱۳۷۸: ۲۶۸).

رایج‌ترین توجیه در ضدیت با نهضت آزادی زنان (فمینیسم)، فقط مدعی است که تقسیم‌بندی‌های جنسیتی و جامعه، جنبه طبیعی دارد. یعنی مردان و زنان فقط به نقش‌های اجتماعی مشغول‌اند نه نقش‌هایی که برای آنها طراحی شده است. بنابراین ساختار جسمانی

و کالبدشناختی یک زن ایجاب می‌کند که یک نقش فرمانبرداری و خانگی را در جامعه ایفا نماید. در یک کلام، شرایط «زیست‌شناختی یعنی سرنوشت» مؤثر است. اما در عمل این توجیه‌های زیست‌شناختی توخالی است. به‌طور مثال مردسالاران یادآور می‌شدند که حجم مغز یک زن کوچک‌تر از حجم مغز یک مرد است. زنان معمولاً به لحاظ جسمانی از قدرت کمتری در مقایسه با مردان برخوردارند و یا اینکه عضلات زنان کمتر از مردان رشد کرده است. این موضوع تا حدودی نشانگر عوامل اجتماعی است. مردان را ترغیب کرده‌اند که کار جسمانی و خارج از خانه را به عهده بگیرند و به ورزش رومی‌آورند و خود را با یک ساختار جسمانی کلیشه‌ای «مردانه» هماهنگ می‌سازند (هی‌وود، ۱۳۷۹: ۴۲۱).

اما در واقع هیچ‌یک از این نقش‌ها، طبیعی نبوده است؛ زیرا روان‌شناسی زنان را مردان تعیین کرده‌اند. بنابراین وظیفه فمینیسم آگاه کردن زنان از این واقعیت خواهد بود (وینست، ۱۳۷۸: ۲۲۸).

این استدلال خاص را می‌توان به صورت متفاوتی در نزد فمینیست‌های لیبرال، مانند ماری ولستون کرافت پیدا کرد. یکی از اولین ادعاهای او این بود که نباید به زنان مانند موجودات جنسی نگریست، بلکه باید آنها را موجودات انسانی دانست. مفهوم جنسیت همواره بر نگرش و رویکردی متفاوت از گذشته بر مسائل زنان تأکید داشته و محور بحث را در بررسی مشکلات زنان در متن روابط اجتماعی میان زنان و مردان می‌جوید. بر این اساس فرودستی پایگاه زنان و تبعیض علیه آنها در شبکه روابط اجتماعی جاری در کل جامعه معنا پیدا می‌کند و در دو دنیای جدای زنانه و مردانه، اصل مشکلات، نادیده باقی می‌ماند. این مفهوم نه فقط به زن می‌پردازد، بلکه به زن در رابطه با مرد و شیوه‌ای که روابط این دو از نظر اجتماعی و ساختاری دارد، می‌نگرد. بنابراین در رویکرد جنسی پذیرفته شده است که زن و مرد نقش‌های متفاوتی در جامعه و در گروه‌های اجتماعی کوچک‌تر ایفا می‌کنند؛ ولی نه فقط به علت تفاوت‌های زیست‌شناختی، بلکه با نفوذ ایدئولوژی جوامع، گذشته تاریخی و عوامل مذهبی، قومی، اقتصادی، فرهنگی و چگونگی

شکل‌گیری اجتماعی و محتوای این نقش‌ها در فضاهای گوناگون و در طول زمان، متفاوت و در حال تغییر است (شادی‌طلب، ۱۳۸۱).

### تعریف جنس و جنسیت

جامعه‌شناسان تمایز مهمی میان جنس و جنسیت قایل‌اند. اصطلاح «جنس» بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد دلالت دارد، حال آنکه «جنسیت» ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آن را تعیین می‌کند و با مرد یا زن بودن و به اصطلاح «مردانگی» و «زنانگی» همراه است. جنس و جنسیت پیوندی آشکار با هم دارد، اما ماهیت دقیق این پیوند موضوع بحث‌های فراوان میان جامعه‌شناسان است.

واژه جنس آن‌گونه که در زبان عامیانه به کار می‌رود، مبهم است، به طوری که هم به گروهی از افراد و هم به کارهایی که افراد به آنها دست می‌زنند، اطلاق می‌گردد. مثل هنگامی که این واژه در عباراتی مانند «آمیزش جنسی» به کار می‌رود. برای روشن ساختن این مطلب باید این دو معنا را از یکدیگر جدا کنیم. ما می‌توانیم جنس را به معنای تفاوت‌های زیست‌شناختی و کالبدشناختی میان زنان و مردان از فعالیت جنسی متمایز کنیم. همچنین باید تمایز مهم دیگری بین جنس و جنسیت قایل شویم. در حالی که جنس به تفاوت‌های فیزیکی بدن اشاره می‌کند، جنسیت به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می‌شود. تمایز بین جنس و جنسیت تمایزی اساسی است. زیرا بسیاری از تفاوت‌های میان مردان و زنان دارای منشأ زیست‌شناسی نیست (گیدنز، ۱۳۷۴: ۱۷۵).

ولستون کرافت مفهوم جنس را در عمل معادل با جنسیت به کار می‌برد. او معتقد است جنبه زیست‌شناختی زنان، نکته مهمی برای تمایز نیست. به گفته وی نخستین هدف ستودنی، کسب منشی به مثابه موجودی انسانی صرف‌نظر از تمایز جنسی است. شاخص و نشانه مهم تمایز انسان‌ها از یکدیگر، برخلاف آفرینش جانوری، خرد انسانی ایشان است؛ در اینجا جنسیت چندان اهمیتی ندارد، عقل به مثابه نیروی ساده بهبود و بهزیستی یا به

عبارت دقیق‌تر، قدرت تشخیص حقیقت است (وینسنت، ۱۳۷۸: ۲۶۸).

چنانکه ولستون کرافت می‌گفت: «تکامل طبیعت و استعدادها برای خوشبختی، باید با درجه عقل ما سنجیده شود. بنابراین نخستین وظیفه زن، خردورزی بود. در واقع تکامل عقل بر هر وظیفه‌ای، تقدم داشت». چون، چگونه زن انتظار دارد که در کارها مشارکت داده شود، مگر آنکه بداند چرا باید پاکدامن باشد؟ (همان: ۲۷۰).

استواری اندکی درباره طبیعت انسان و موضوع جنس و جنسیت وجود دارد که با اطمینان بیشتر، تحلیل رادیکالی شود. اولین اظهارها در این زمینه، در نوشته‌های سیمون دوبوار مطرح شده است. او بسیاری از گزارش‌های بیولوژیکی و ماتریالیستی تاریخی را قبول ندارد. به نظر دوبوار، زنان اساساً طبیعت یکسانی با مردان دارند، اما یک واقعیت مهم یعنی جسم آنها مانع ایشان شده و آنها را به بردگی کشانده است. جسم تعیین‌کننده ماهیت حقیقی زنان نیست، بلکه بیشتر توضیح‌دهنده تاریخ آنهاست (همان، ۲۷۱).

شولامیت فایرستون<sup>۱</sup> (رادیکال اولیه) نیز در کتاب «دیالکتیک جنسیت»<sup>۲</sup> نظیر دوبوار استدلال می‌کند که مردان و زنان به راستی با هم بسیار تفاوت دارند. فایرستون مانند دوبوار (اما با بیانی همراه با اصطلاحاتی قوی‌تر) بیان می‌کند که این بیولوژی زنان است که طبقه جنسی آنها را تعیین می‌کند. طبقه جنسی، در خانواده ریشه دارد و به حالتی اطلاق می‌شود که زنان و کودکان، در دست قدرت مردان هستند. تمایزهای مربوط به تولید مثل، از لحاظ بیولوژیکی، به تقسیم کار جسمی می‌انجامد. فایرستون فناوری‌های جدید را موجب آزادی می‌داند، به همین دلیل تلقیح مصنوعی، بچه‌های آزمایشگاهی، سیرنیتیک خانگی، زنان را از قیود بیولوژیکی رها خواهد کرد.

به عقیده فایرستون با پیشرفت علم پزشکی، این امکان وجود خواهد داشت که جنین در زهدان کاشته شود و مردان آن را حمل کنند و حتی امکان احتمالی شیردهی آنان نیز فراهم خواهد شد. در آینده‌ای نزدیک که دو جنسیتی نیز برای زنان ممکن است خواهد بود،

1. Firestone  
2. The dialectic of sex

جنس و جنسیت مفهوم امروزی خود را از دست خواهد داد.

### سرچشمه تفاوت‌های جنسی

تا چه اندازه تفاوت‌های رفتاری زنان و مردان نتیجه جنبه‌های زیست‌شناختی جنسی است تا جنبه‌های روانی، اجتماعی یا فرهنگی؟ به عبارت دیگر تا چه اندازه این تفاوت‌های رفتار، نتیجه اختلاف‌های زیست‌شناختی است؟ درباره این موضوع عقاید متضادی وجود دارد، بسیاری از مؤلفان معتقدند که تفاوت‌های رفتاری بنیادین میان زنان و مردان وجود دارد که در همه فرهنگ‌ها به شکلی خاص ظاهر می‌شود. برخی نویسندگان بر این باورند که به شدت یافته‌های زیست‌شناختی اجتماعی به این جهت اشاره دارد. برای مثال آنها توجه اذهان را به این واقعیت جلب می‌کنند، که عوامل بیولوژیک در شکل دادن به نقش‌های جنسیتی زن و مرد در جامعه بسیار مؤثر است. اغلب چنین استدلال می‌شود که مردان از زنان قوی‌تر هستند، از این‌رو برای کارهای سخت جسمانی مناسب‌تر خواهند بود. برخی معتقدند که عوامل بیولوژیک باعث تفاوت در شخصیت و خلق و خوی دو جنس می‌شود؛ بدین ترتیب عموماً زنان را از مردان پراحساس‌تر می‌شمارند و گمان می‌کنند آنان علاقه‌ای ذاتی به پرورش و مراقبت از دیگران دارند و این ویژگی‌ها زنان را برای کارهایی چون پرستاری، آموزگاری و نگه‌داری کودکان، مناسب می‌سازد. پس بیشتر با استفاده از عوامل بیولوژیک، نقش‌های اجتماعی و رفتار متفاوت دو جنس را توضیح داده‌اند و در برخی موارد از این عوامل، مانند توجیهی برای رفتار متفاوت با زن و مرد سود جست‌ه‌اند؛ برای نمونه، گفته‌اند که اندازه کوچک‌تر مغز زنان، نشان ضعف فکری آنان در مقایسه با مردان است و با چنین دیدی برخورد تبعیض‌آمیز و اعطای فرصت‌های تحصیلی بهتر به مردان را موجه جلوه داده‌اند. برخی همچون دالتون<sup>۱</sup> بیولوژی را تعیین‌کننده رفتار زنان می‌دانند. این تأکید بر بیولوژی، به گونه‌ای است که در جامعه‌شناسی از تفاوت‌های جنسی بیولوژیک برای توضیح دادن و مشروعیت بخشیدن به تقسیم جنسی

---

1. Dalton

در خانواده و جامعه به‌طور کلی سوده برده‌اند. تایگر<sup>۱</sup> و فاکس<sup>۲</sup> چنین استدلال می‌کنند که زن و مرد برنامه‌ریزی‌هایی بیولوژیک یا برنامه‌های ژنتیکی متفاوتی دارند که زمینه‌ساز رفتارهای متفاوت آنهاست (گرت، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۴).

به عقیده پارسونز، زنان بنا بر نقش بیولوژیکشان در تولیدمثل، گزینه‌ای برای پرورش دیگران دارند و این گزینه آنها را برای ایفای نقشی پراحساس در خانواده هسته‌ای، کاملاً شایسته می‌سازد. این نقش پراحساس، مستلزم توجه و رسیدگی به نیازهای جسمی و روحی تمام اعضای خانواده، به ویژه فرزندان است.

فمینیست‌ها در مقابل آرای گفته شده واکنش نشان داده‌اند. آنها بر این باورند که «ذات‌گرایی بیولوژیک» یا این نظریه که بیولوژی تعیین‌کننده ویژگی‌های زن و مرد است، برای منافع زن و مرد زیانبار است. آنان به‌طور کلی با این ایده که زن و مرد دو مقوله متفاوت هستند، به مقابله برخاسته‌اند. اوکلی<sup>۳</sup> شرح مفصلی از بررسی‌های انجام شده در این زمینه ارائه می‌دهد. به عقیده او، زن و مرد را باید مانند انتهای متضاد یک پیوستار در نظر گرفت که در میانه (پیوستار) هم‌پوشی چشم‌گیری با هم دارند. تنوع فراوانی در ویژگی‌های بیولوژیک زن و مرد وجود دارد و ویژگی‌هایی چون قد بلند، وزن زیاد و قدرت جسمانی، منحصر به یک جنس نیست. این بحث نشان می‌دهد که تفاوت‌های هورمونی میان زن و مرد به هیچ وجه آن‌قدر که اغلب می‌پندارند، آشکار و مهم نیست. فمینیست‌ها درباره این دیدگاه که رفتار و خلق‌وخوی زنان را هورمون‌هایشان تعیین می‌کند، تردید دارند. آنها این نظر را نمی‌پذیرند که تغییرات هورمونی همراه با قاعدگی سبب می‌شود تا زنان (چنانکه ادعا می‌شود) احساساتی‌تر رفتار کنند یا نتوانند از عهده انجام دادن کارها برآیند (گرت، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

البته استفاده مناسب از واژه‌های جنس و جنسیت مهم‌ترین اختلاف‌نظرها بوده است. برخی همچون مکابی (Maccoby, 1998) بر این باورند که جنس و جنسیت باید به‌طور

---

1. Tiger  
2. Fax  
3. Okely



مترادف استفاده شود زیرا جنبه‌های بیولوژیکی و اجتماعی با یکدیگر در تعاملند و تشخیص و تمیز این دو جنس دشوار است. این گروه بین واژه‌های هویت جنسیتی، نقش جنسیتی و گرایش جنسیتی تمایز قایل می‌شوند. هویت جنسیتی، تصویری است که فرد از خود به مثابه یک مرد یا زن دارد آن‌گونه که در جمله‌های من پسر یا من دخترم، منعکس است. نقش جنسیتی، شامل رفتارها و نگرش‌هایی است که برای مردان و زنان در فرهنگ خاصی مناسب قلمداد می‌شود. گرایش جنسی به کشش جنسی شخص به غیرهم‌جنس یا هم‌جنس، اطلاق می‌شود.

جنس بیولوژیکی، هویت جنسیتی، نقش جنسیتی و گرایش جنسی، جنبه‌های جداگانه مردانگی و زنانگی است و شاید به شیوه‌های مختلف با هم در ارتباط باشد. هویت جنسیتی تقریباً همیشه با جنس بیولوژیکی در یک جهت قرار دارد، به گونه‌ای که در مردان بیولوژیکی، هویت جنسیتی مردانه و در زنان بیولوژیکی، هویت جنسیتی زنانه به وجود می‌آید (گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۷۸: ۲۰ - ۱۳).

### کلیشه‌های جنسیتی

از زمان اعلام پسر یا دختر بودن کودک، منتظریم که پسر و دختر، در موارد مختلف با یکدیگر تفاوت داشته باشند. آیا این انتظارات، منعکس‌کننده تفاوت‌های بنیادی بین دو جنس است؟ آیا این انتظارات سبب تفاوت‌های جنسیتی می‌شود؟

کلیشه‌ها یا تصورات قالبی، مجموعه سازمان یافته‌ای از باورها، درباره خصوصیت‌های تمام اعضای گروه خاص است. پس یک کلیشه یا تصور قالبی، به معنی مجموعه باورهای زن یا مرد بودن است. کلیشه‌ها یا تصورات قالبی - جنسیتی، دربردارنده اطلاعات درباره ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علاقه‌ها، صفت‌های روانی، روابط اجتماعی و نوع شغل است. صرف شناخت اینکه یک فرد، زن است، دربردارنده این معنای ضمنی است که آن فرد، خصوصیت‌های جسمانی خاص (صدای آرام، ظریف و زیبا) و صفت‌های روانی خاص (مهرورز، وابسته، ضعیف و عاطفی) خواهد داشت و فعالیت‌های خاص (مراقبت از کودک،

آشپزی و...) را انجام خواهد داد (گولومبوگ و فی‌وش، ۱۳۷۸: ۸۶ - ۸۵).

طبقه‌بندی افراد براساس جنسیت، جنبه ضروری و خودکار ادراک ما از دیگران است به طوری که این تمایز، اغلب ناخودآگاه صورت می‌گیرد. البته این بدان معنا نیست که کلیشه‌ها الزاماً منعکس‌کننده واقعیت خواهد بود؛ بلکه گاهی کلیشه‌ها، صرفاً معرف باورهای مشترک درباره چگونگی افراد خاص است و فقط از تفاوت‌های زیاد بین زن و مرد خبر می‌دهد، ولی غالباً این کلیشه‌ها هیچ‌گونه اساسی در رفتار واقعی ندارد. بنابراین یادآوری این نکته که باورهای ما درباره تفاوت جنسیتی ممکن است درست یا نادرست باشد مهم خواهد بود. با وجود این، کلیشه‌های تعیین‌شده‌ای که فرهنگ القا می‌کند، خصوصیتی است که از منظر اجتماعی برای مردان و زنان مطلوب به حساب می‌آید. افرادی که از کلیشه‌ها یا تصورات قالبی انحراف زیادی دارند به نظر منفی می‌آیند. وقتی مجموعه صفت‌هایی که توصیف‌کننده زن و مرد است در نظر می‌گیریم، شاید این مجموعه صفت‌ها را به منزله دو سوگیری یا گرایش متمایز بررسی کنیم. مردان به‌طور قالبی فعال یا تأثیرگذار تلقی می‌شوند، آنها در دنیا عمل‌کننده‌اند و باعث وقوع رویدادها می‌گردند. زنان به‌طور قالبی، وابسته هستند و نگران کنش و واکنش‌های اجتماعی و عواطف‌اند (Black, 1973). این شیوه یا سوگیری، شامل تلویحات ضمنی برای کم و بیش، تمام جنبه‌های کنش روانی از جمله: رشد عاطفی، بازی، دوستی‌ها، روابط صمیمانه، استدلال اخلاقی و نگرش به کار و خانواده است.

درباره باورهای افراد و شدت آن تفاوت‌های فردی بسیاری وجود دارد. به‌طور کلی، مردان در مقایسه با زنان، نظرهای قالبی بیشتری درباره جنسیت دارند. افرادی که تحصیلات عالی دارند در مقایسه با کسانی که از تحصیلات کمتری برخوردارند آرای کلیشه‌ای کمتری دارند. افزون بر آن، کلیشه‌های جنسیتی فقط یکی از ابعاد شناخت ما از دیگران است. کلیشه‌ها و قالب‌های نژادی، قومی و اقتصادی، نقش مهمی ایفا می‌کند و در ترکیب با کلیشه‌های جنسیتی، اغلب الگوی پیچیده‌ای از باورها را درباره رفتارها و صفت‌ها به وجود می‌آورد (گولومبوگ و فی‌وش، ۱۳۷۸: ۲۸).

یکی از نکته‌های قطعی درباره صفت‌ها یا خصیصه‌های مربوط به کلیشه‌ها یا تصورات قالبی - جنسیتی، آن است که برای صفت‌های منسوب به مردان، بیش از صفت‌هایی که به زنان نسبت می‌دهند، اهمیت قایل شده‌اند. قدرت استقلال و تمایل به خطرپذیری در برابر ضعف، زودباوری و تأثیرپذیری، غالباً مثبت‌تر تلقی می‌شود. این تفاوت در ارزش‌هایی که با صفت‌هایی مردانه و زنانه تداعی شده است، شاید تا حد زیادی به نوع برچسبی مربوط باشد که به برخی خصلت‌ها زده‌اند. برای مثال: استفاده از برچسب قابل اعتماد به جای «خوش‌باور» برای زنان، معنی مثبت‌تری دارد و واژه «لج‌باز» به جای «دفاع از باورهای خود» درباره مردان، تلویحاً منفی‌تر است. شیوه اطلاق معنای روان‌شناختی به برخی از رفتارهای خاص، تاحدی تعیین می‌کند که این رفتارها تا چه اندازه مثبت یا منفی پنداشته می‌شود (همان: ۲۸).

### پیامدهای کلیشه‌های جنسیتی

با در نظر گرفتن مجموعه صفت‌هایی که توصیف‌کننده زن یا مرد هستند، شاید این مجموعه صفت‌ها را به منزله دوسوگیری یا گرایش متمایز بررسی کنیم. مردان غالباً فعال هستند تا تأثیرگذار، آنها در دنیا عمل‌کننده‌اند و سبب وقوع رویدادها می‌گردند. زنان به‌طور قالبی وابسته هستند و نگران کنش و واکنش‌های اجتماعی و عواطف‌اند. هرچند این کلیشه‌ها همیشه با واقعیت رابطه‌ای ندارد و فقط معرف باورهای مشترک درباره افراد خاص است، ولی این طرز تلقی، بی‌شک برای زندگی اجتماعی زن و مرد، دارای تبعات خاصی است. برای مثال: افرادی که تا حد بسیاری از کلیشه‌ها یا تصورات قالبی، منحرف می‌شوند در نظر افراد جامعه منفی به نظر می‌آیند و طبیعتاً واکنش جامعه با آنها نیز بسیار متفاوت خواهد بود. اما به یقین پیامدهای کلیشه‌های جنسیتی برای زنان بسیار بیشتر خواهد بود. زیرا یکی از نکته‌های قطعی درباره صفت‌های یا خصیصه‌های مربوط به کلیشه‌های جنسیتی، آن است که عمدتاً صفات مطلوب‌تر و مثبت‌تر از نظر اجتماع به مردان تعلق یافته است؛ قدرت، استقلال و تمایل به خطرپذیری در برابر ضعف، زودباوری و تأثیرپذیری، غالباً مثبت‌تر تلقی

می‌شود (گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۷۸).

واقعیت‌های جسمانی زنان، در بسیاری از فرهنگ‌ها، دستاویزی برای محروم کردن آنان از فعالیت‌های اجتماعی است و عمدتاً از این تفاوت‌ها برای توضیح دادن و مشروعیت بخشیدن به بسیاری از نابرابری‌هاست. کارخانه، نقطه شروع بسیار مناسبی برای نشان دادن تفاوت میان نقش‌های جنسیتی زن و مرد است. امور خانه‌داری در بیشتر جوامع، از وظایف زنان به حساب می‌آید. حال آنکه مردان، تنها در این امر، کمک‌کننده هستند و این امور، جزء وظایف آنها نیست.

به‌ندرت در جوامع غیرصنعتی، کارخانه، کاری تمام وقت به حساب می‌آید. چنین امری این توقع را ایجاد می‌کند که زنان نه فقط در کارهای خانه، بلکه در کارهای دیگر نیز مشارکت کنند، حتی هنگامی که جدایی واقعی میان محل کار و خانه به‌وجود آمده است. از سویی، نگهداری کودکان همچون کارخانه، بیشتر وقت زنان را در جوامع مختلف به خود اختصاص می‌دهد «این توقع که مادر در رابطه با نوزاد و فرزند خردسال نقشی پرورشی و پدر نقشی دودور داشته باشد، از همان ابتدا با جامعه‌پذیری جنسیتی درآمیخته است» (گرت، ۱۳۸۰: ۶۶).

این جریان، فشار اجتماعی بسیاری بر زنان وارد می‌کند. در این حالت، شغل، حرفه و تحصیل در درجه‌های دوم و سوم قرار می‌گیرد، مادر شاغل یا محصل، خودخواه تصور می‌شود و تلقی افراد چنین است که او در قبال فرزند خود قصور و کوتاهی می‌کند. در جایگاه اجتماعی، کلیشه‌های جنسیتی، مسائلی را برای زنان ایجاد می‌کند، برای مثال، درخصوص برنامه‌ریزی‌های آموزشی برای دختر و پسر، عامل جنسیت، نقش اساسی دارد. این تصور که زن و مرد توانایی‌های فکری و علایق متفاوتی دارند، رفتار بسیار متفاوت با دختر و پسر در نهادهای آموزشی را موجه می‌سازد. اعتقاد به اینکه مردان از زنان با استعدادترند، بر شیوه برخورد با دانش‌آموزان در مدارس، مؤثر خواهد بود (گرت، ۱۳۸۰: ۳۳ - ۷۷).

جنسیت در مراحل پیش از دبستان و ابتدایی، نقش اساسی دارد و اصل سازمانی در

کلاس است؛ مربیان در این مقاطع، نظرهای بسیار کلیشه‌ای دارند و این رفتار در سازمان دادن فعالیت‌های کلاس و انتخاب مواد آموزشی، تأثیرگذار است. برخی بر این باورند که چنین رفتاری از سوی آموزگاران (به ویژه برای دختران) زیانبار است. زیرا نقشی که دختر به آن هدایت می‌شود، فرعی و درجه دوم به شمار می‌آید. در بسیاری از مدارس متوسطه، جنس، پایه‌ای برای گروه‌بندی دانش‌آموزان در فعالیت‌های مختلف به شمار می‌رود. این نوع سازمان‌دهی دانش‌آموزی، جنبه دیگری از لایه‌های پنهان برنامه‌های آموزشی است (همان، ۷۹-۱۱۸).

در دیگر بخش‌ها، همچون اشتغال نیز این نوع برخوردهای کلیشه‌ای به جایگاه و موقعیت زنان در اجتماع لطمه وارد می‌کند. به‌طور کلی اشتغال زنان، بیرون از خانه، از گذشته نگرانی‌هایی درباره تأثیر کار بیرون بر خانواده ایجاد کرده بود. چنین استدلال می‌شد که استقلال اقتصادی زنان، ممکن است به ازدواج، نهاد خانواده، رسیدگی به فرزندان و توانایی زن در به دنیا آوردن فرزندان سالم آسیب برساند. پس از صنعتی شدن جوامع، کنار گذاشتن زنان کارگر از برخی رشته‌ها، منجر به تقسیم کار جنسی در بازار کار و محدود شدن فعالیت‌های آنان به کارهای محدودی شد. به عقیده اوکلی، در این حالت صرف نظر از بعضی افراد، زنان تنها در یافتن کارهایی توفیق داشتند که مشابه کارهایی است که زنان خانه‌دار انجام می‌دادند. حتی امروزه نیز در جوامع مختلف، مردان را می‌توان در بیشتر حرفه‌ها دید، درحالی‌که زنان شاغل فقط در حرفه‌های معدودی متمرکز شده‌اند که بیشتر آنها به نقش جنسیتی خانگی زنان مربوط می‌شود؛ در ضمن، این موضوع با دستمزد پایین‌تر نسبت به مردان همراه است. علت آن نیز همان تمرکز در بخش‌های استخدامی کم دستمزد و رده‌های پایین‌تر ساختار حرفه‌ای است. زنان در مقایسه با مردان ساعت‌های کمتری کار می‌کنند، اضافه‌کاری کمتری دارند و کمتر در نوبت‌های کاری غیرمعمول می‌مانند. توضیح این امر نیز مسئولیت‌های خانوادگی زنان است که مانع مشارکت بیشتر آنها می‌شود. در واقع همین مسئولیت خانگی است که در زندگی شغلی آنان گسست‌هایی ایجاد می‌کند، که در ذهن کارفرمایان، آنها را افرادی کم‌تعهد جلوه می‌سازد. ممکن است چنین تصور شود

که زن بیش از مرد مرخصی استعلاجی می‌گیرد و گمان می‌رود در پذیرش مسئولیت ناتوان است و تمرکز ندارد (گرت: ۱۱۹ - ۱۴۵).

تمام این مسائل در حوزه‌های سیاسی نیز به صورت نابرابری‌هایی جلوه می‌کند. به عقیده دلامانت، تقریباً همیشه سیاست مطابق با منافع مردانه تعریف شده است. بدین‌سان مسائلی که بر زنان تأثیر می‌گذارد، نظیر: مراقبت از کودکان، سقط جنین، کنترل باروری و... همگی غیرسیاسی قلمداد می‌شود، زنان، محافظه‌کار و در رأی دادن تابع همسران و پدران تلقی می‌شوند.

با توجه به اهداف و مباحثی که در این بخش مطرح شد در دو بخش بعدی ارزش‌ها و نگرش‌های زنان و مردان را بررسی خواهیم کرد. ابتدا فراتحلیل بررسی‌های موجود در زمینه جنسیت و ارزش‌ها و نگرش‌ها مطرح می‌شود و سپس با توجه به پیامدهایی که کلیشه‌های جنسیتی برای افراد جامعه و به‌خصوص زنان به همراه دارد، نگرش زنان در خصوص کلیشه‌های جنسیتی بررسی می‌گردد. اهمیت بررسی نگرش زنان در خصوص تفاوت‌ها و تبعیض‌های جنسیتی، به علت تأثیری است که این نگرش‌ها بر رفتار و فعالیت آنان در حوزه‌های گوناگون خواهد داشت.

## **فصل دوم**

**جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها:**

**فرا تحلیل بررسی‌های موجود**





## جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها

جریان جامعه‌پذیری، بیانگر آن است که ارزش‌ها تقریباً به وسیله تمام اعضا یک فرهنگ انتقال می‌یابد و درونی می‌شود؛ و گروه‌های مختلف، بر اساس اهمیتی که به برخی ارزش‌های خاص می‌دهند، بر اساس جهت‌گیری‌های ارزشی، متفاوت خواهند بود.

در دهه ۹۰ تولد مجددی در زمینه تحقیق‌های ارزشی رخ داد. توجه به ارزش‌ها در زمینه بحث‌های سیاسی و ارتباط بین ارزش‌ها و رفتار طرح این مسئله را به دنبال داشت که ویژگی‌های فردی می‌تواند در تفاوت‌های ارزشی مؤثر باشد. دربارهٔ اینکه آیا مردان و زنان در زمینه ارزش‌های بنیادی و اساسی متفاوت‌اند یا نه تحقیق‌های بسیاری انجام شده است (برای نمونه کارهای بیوتل و مارینی، ۱۹۹۵، پرینس - گیسون و شوارتز، ۱۹۹۸، روکیچ، ۱۹۷۳ را می‌توان نام برد). بر این اساس که مردان و زنان، معانی متفاوتی برای ارزش‌ها قایل باشند، شاهد تفاوت‌های جنسیتی در ساخت ارزشی خواهیم بود. بنابراین مفهوم «معنی» به چگونگی یک نگرش یا ارزش با نگرش و ارزش‌های دیگر، مرتبط است. در حقیقت، تفاوت‌های معنایی بین گروه‌ها، به مثابه عوامل ساختی متفاوت نمایان می‌شود.

اگر مردان و زنان معانی یکسانی به ارزش‌ها بدهند و ساخت ارزشی مشابه داشته باشند،

اما در اولویت‌ارزشی و یا در اهمیتی که به ارزش‌های متفاوت به مثابه راهنمای اصول زندگی می‌دهند، متفاوت هستند. به این معنا که میانگین اولویتی که به ارزش‌های متفاوت داده می‌شود، برای زنان و مردان متفاوت خواهد بود.

تحقیقات بیانگر نتایج متفاوتی است. در حالی که پرینس - گیسون و شوارتز (۱۹۹۸) هیچ‌گونه تفاوت جنسیتی در ساخت ارزشی یا اولویت‌ارزشی بین زنان و مردان ساکن فلسطین اشغالی نیافته‌اند و معتقدند که می‌توان این یافته را به نقاط دیگر هم تعمیم داد. بیوتل و مارینی (۱۹۹۵) در تحقیق خود به تفاوت‌های جنسیتی جهت‌گیری‌های ارزشی اساسی در بین آمریکایی‌ها اشاره دارند.

بر اساس ادبیات تئوریک و تجربی جنسیت و ارزش‌ها می‌توان، سه دسته نظریه درباره تفاوت‌های جنسیتی در اولویت‌های ارزشی، مطرح کرد (پرینس - گیسون و شوارتز، ۱۹۹۸). پرینس گیسون و شوارتز، بهترین خلاصه را در این زمینه، بیان کرده‌اند که در این تحقیق استفاده شده است. نظریه ثبات تفاوت‌ها - که مبتنی بر ذات‌گرایی یا رویکردهای یادگیری نقش‌ها مبتنی است - عوامل ژنتیک یا یادگیری نقش‌های جنسیتی را دلیل تفاوت‌های جنسیتی در ارزش‌ها می‌داند که در طول زندگی نسبتاً ثابت است.

نظریه‌هایی که معتقد به نبودن تفاوت‌های جنسیتی است از رویکردهای ساختارگرایی و کنش متقابل ناشی شده‌اند، و قایل به هیچ تفاوت جنسیتی واقعی در ارزش‌ها نیستند، بلکه هر آنچه به مثابه تفاوت مطرح می‌شود، ساخته تعامل‌های اجتماعی است. رویکرد توافقی<sup>۱</sup> معتقد است که تفاوت‌های جنسیتی وابسته به وضع زندگی است و زمانی مشخص می‌گردد که به موقعیت فرد در ساخت اجتماعی، توجه شود.

### نظریه‌های ثبات تفاوت‌های جنسیتی

نظریه‌های ذات‌گرایی و یادگیری نقش‌ها، منشأ تفاوت‌های جنسیتی را در تکامل فردی، بیولوژی یا جامعه‌پذیری می‌داند. در این نظریه‌ها، فرض اصلی این است که

---

1. Compromise

کیفیت‌های جنسیتی ناشی از تفاوت‌های توارثی، یا اجتماعی شدن است و قابل پیش‌بینی، درونی شده و ثابت بوده و موجب تفکر، قضاوت، ارتباط و وجود متفاوت می‌شود (Deaux and Major, 1990). این نظریه‌ها شامل نظریه‌های روان‌شناختی سستی و مدرن، فمینیسم فرهنگی<sup>۱</sup>، فمینیسم دیدگاه<sup>۲</sup>، روان‌شناسی تکاملی و نظریه نقش‌ها خواهد بود. در این نظریه‌ها ویژگی‌های متفاوت مردان و زنان، توصیف می‌شود که همگی درباره تفاوت‌های جنسیتی ثابت در اولویت‌های ارزشی فرضیه‌هایی ارائه می‌کنند.

تجزیه و تحلیل‌های روان‌شناختی سستی، تفاوت‌های جنسیتی را در بیولوژی و نتیجه آن می‌داند. فروید (۱۹۶۵) بحث می‌کند که ویژگی اخلاقی زنان به علت کامل نبودن عقده ادیپ آنان است که در پایین و فرودست قرار دارد. اریکسون (۱۹۶۴) معتقد بود که تفاوت‌های مردان و زنان، موازی مورفولوژی تفاوت‌های دستگاه تناسلی آنان و برون‌گرایی فعال مردان و درون‌گرایی منفعل زنان است. نظریه‌های نوین روان‌شناختی نیز بر تفاوت‌ها تأکید می‌کند. زنان بیشتر وابسته به دیگران هستند، در حالی که مردان بیشتر خودمختار و فردگرا هستند (Chodorow, 1990; Miller, 1976).

نظریه فمینیسم فرهنگی، رابطه‌ای بودن زنان را در مقابل خودمختاری بیشتر مردان قرار می‌دهد (Scott, 1988) البته فمینیسم فرهنگی، ذات‌گرا نیست، اما با این دو اعتقاد آغاز می‌شود که زنان عمدتاً به علت تاریخ متفاوتشان، متفاوت‌اند، و می‌توانند با ساختن اجتماع مخصوص به خود، هویتشان را بازسازی کنند و راه خود را بیابند (کاستلز، ۱۳۸۰).

بنابر نظریه توسعه تفاوت‌های اخلاقی گیلیگان (۱۹۸۲) تفاوت در تجربه‌های دوران کودکی، منجر به تفاوت و تضاد بین مسئولیت و یکپارچگی می‌شود؛ زنان توجه بیشتری به مسئولیت و دوست داشتن نشان می‌دهند، در حالی که مردان بیشتر به حقوق بر اساس عدالت و انصاف تمرکز دارند.

به اعتقاد روان‌شناسان تکاملی (Buss, 1995) مردان و زنان متفاوت‌اند، زیرا آنان در طول

- 
1. Cultural feminism
  2. Stand-point feminism

تاریخ با مشکلات متفاوتی مواجه‌اند. نظریه پردازان فمینیست، براساس دیدگاه (Hartsock, 1987) معتقدند که روابط اجتماعی قدرت در سطحی روان‌شناسانه حفظ و بازتولید می‌شود، به صورتی که تجربه‌های مادی زنان، درک آنان را از جهان شکل می‌دهد. براساس نظریه نقش اجتماعی، نقش‌های زن و مرد به شکل فرهنگی مشخص می‌شود و این نقش‌ها ایدئولوژی را ایجاد می‌کند که تعاریف جنسی را مشخص و حفظ می‌کند. برای مثال، پارسونز و بیلز (۱۹۵۵) تفاوت‌های جنسیتی را به نقش‌های خانوادگی در خدمت به کاهش رقابت و ایجاد هارمونی دنبال کردند. براساس بحث آنان، مردان نقش‌های «ابزاری» را یاد می‌گیرند و زنان بیشتر نقش‌های «بیانی» و «اظهاری» را یاد می‌گیرند. به عقیده پارسونز و بیلز چنین تفاوتی در نقش‌ها، به دو علت، برای تعادل خانواده و جامعه مهم است: اول اینکه موجب وابستگی زنان و مردان به یکدیگر می‌شود، دوم اینکه نقش‌های مجزا و تعریف شده، ابهام و تضاد را در انتظارات زناشویی و جنسیتی کاهش می‌دهد (پارسونز و بیلز، ۱۹۵۵: ۳۱۹-۳۱۷).

جامعه‌پذیری نیز بخش مهمی را ایفا می‌کند: پسران و دختران معمولاً برای اشغال نقش‌های متفاوت اجتماعی انتخاب می‌شوند تا هدف‌های متفاوت در زندگی را دنبال کنند. آنان می‌آموزند که پیروی نکردن از خواسته‌ها و رفتارهای جنسیتی، سبب محرومیت و تأیید نشدن اجتماعی، خواهد شد (Fox, 1977; Feather, 1987; Williams and Best, 1990). تفاوت‌های نقش در بزرگسالان، این تفاوت‌های جنسیتی را شدت می‌بخشد.

در مجموع این نظریه‌ها مطرح می‌کند که زنان، ارتباطی، بیانی و اجتماعی هستند، در حالی که مردان بیشتر خودمختار، و ابزاری هستند؛ این تفاوت در جهت‌گیری‌های مردان و زنان شاید به مثابه تفاوت در اهداف موقعیتی آنان - یعنی در اولویت ارزشی آنان - بیان شود. بنابراین زنان باید به ارزش‌هایی بیشتر اولویت بدهند که اهداف بیانی و اجتماعی را نمایندگی می‌کند و مردان به ارزش‌هایی که اهداف ابزاری را ظهور می‌بخشد. چون زنان و مردان معمولاً در اجتماعی با زبان مشترک اجتماعی زندگی می‌کنند، مفاهیم و برجسب‌های ارزشی‌ای که برای اهدافشان کسب می‌کنند، معانی مشابهی دارد. از این‌رو، چنین

نظریه‌هایی بیانگر تفاوت‌های جنسیتی در ساخت ارزشی نیست. به نظریه تفاوت‌های ثابت، انتقادهای بسیاری شده است. از نظر مفهومی این نظریه‌ها توجهی به نابرابری‌های سیاسی - اجتماعی بین مردان و زنان نداشته است، از سوی دیگر نیز یک کلیت غیرتاریخی از زنان ارائه کرده است (Deaux and Major, 1990). تفاوت‌های جنسیتی معنادار و قابل تکرار، به خصوص از سوی فمینیست‌های تجربه‌گرا سؤال شده است. هاید<sup>۱</sup> و پلنت<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) بحث می‌کنند که، اغلب تفاوت‌های جنسیتی، بسیار ناچیز است. گروهی دیگر معتقدند که نتایج نه تنها ضعیف، بلکه غیرثابت هم است و در بسیاری از موارد، نتیجه استفاده از روش نادرست و مفهوم‌سازی نامناسب است (Jacklin, 1981; Greeno and Maccoby, 1986; Unger and Crawford, 1992).

### نظریه‌هایی که معتقدند تفاوت‌های جنسیتی مشخص و ثابت وجود ندارد

براساس مفهوم‌سازی‌های ساختارگرایان (کنش متقابل‌گرایان) رفتار جنسیتی زمانی وجود دارد که تعامل خاصی، به صورت اجتماعی و بر اساس الگوهای جنسیتی ساخت یابد. این فرض که رفتار جنسیتی، با انعطاف و تغییر مشخص می‌شود از مسائل بنیادین این دیدگاه است (Deaux and Major, 1990). بنابراین جنسیت یک ویژگی فردی نیست، بلکه یک تبادل اجتماعی است (West and Zimmermann, 1987). رفتار با یک جریان ساختاری فردی و اجتماعی، جنسیتی می‌شود؛ البته با عوامل انتقالی، مثل: کنشگران درگیر، انتظار از خود و دیگران و محرومیت‌هایی که در صورت انحراف ایجاد شده، انتظارهای مربوط به نقش‌های اجتماعی - جنسیتی، اعمال می‌شود (Zanna and Pleck, 1976). یانگر<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) افراد در چگونگی درک جنسیت به مثابه یک جنبه مهم از هویتشان، متفاوت هستند.

براساس این نظریه‌ها، تنها یکی از دستاوردهای متعدد، شاید تفاوت‌های جنسیتی در رفتار

---

1. Hyde  
2. Plant  
3. Unger

باشد، که به چگونگی تعریف عناصر در موقعیت‌ها بستگی دارد (Deaux and Major, 1990). در مقابل ذات‌گرایان و نظریه‌های یادگیری نقش، ما باید انتظار تفاوت در الگوهای غیرثابت بین اولویت‌های ارزشی مردان و زنان داشته باشیم. ظاهر تفاوت‌ها به سه عنصر موقعیتی بستگی دارد که ارزش‌ها در آن شکل می‌گیرد: تعریف فرد از خود و اهداف، باورها و انتظارات دیگران و زمینه‌ای که تعامل در آن اتفاق می‌افتد. این نظریه‌ها نیز به نبودن تفاوت جنسیتی در ساخت ارزشی اشاره دارد.

### رویکرد توافقی: تفاوت‌های جنسیتی ثابت، اما مشروط

بحث‌هایی که در زمینه طبیعت ارزش‌ها، کارکردها، توسعه و تغییرهای آن، مطرح شد، دیدگاه سومی هم دیده می‌شود. این دیدگاه به آثار ثابت، تجربه‌های جنسیتی متفاوت و ساختار اجتماعی جنسیتی براساس مقتضیات زندگی، توجه دارد. ارزش‌ها استفاده می‌شود تا زندگی ما را معنا ببخشد، رفتار و گرایش‌های ما را عقلانی سازد و آن را در گفت‌وگو با دیگران تبیین و توجیه کند (Kristiansen and Zanna, 1988; Rokeach, 1973). حفظ اولویت‌های ارزشی با روش ادراک فرد و زندگی او، قابل انطباق است و خودباوری فرد را افزایش می‌دهد و یک احساس انسجام فردی و ثبات فراهم می‌سازد. در نتیجه، افراد، اولویت‌های ارزشی را با وضع و مقتضیات زندگی‌شان انطباق می‌دهند. آنان به ارزش‌هایی رتبه می‌دهند که با توجه به فرصت‌ها و محدودیت‌های مربوط به نقش آنان، قابل دسترسی نیست و ارزش‌های قابل دسترس را بالا می‌برند (Schwartz and Bardi, 1997; Kohn and Schooler, 1983). انتظار ما این است که پذیرش ارزش‌ها و ابراز آن براساس جنسیت، تنها در موقعیت‌های اجتماعی‌ای، متفاوت خواهد بود که فرصت‌های رفتاری متفاوت در دسترس مردان و زنان قرار گیرد و محدودیت‌های متفاوتی بر آنان اعمال شود. در واقع جنسیت در تعامل با مقوله‌های تجربی دیگر است.

بر اساس چنین دیدگاهی، انتظار تفاوت‌های جنسیتی مشروط در اولویت‌های ارزشی را خواهیم داشت. طبیعت و گستره این تفاوت‌ها شاید با تفاوت در وضع زندگی (مثل: سن،

فصل دوم: جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها ■ ۶۳

قومیت، تحصیلات، وضعیت تأهل و منزلت اجتماعی) بین گروه‌های زنان و مردان متفاوت باشد. بنابراین توصیه می‌شود که مطالعه جنسیت با متغیرهای دیگر، چون سن و... ترکیب شود (پرینس - گیسون و شوارتز، ۱۹۹۸).

### تحقیقات تجربی

تحقیقات تجربی در زمینه جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها غالباً تحقیقات خارجی است. در داخل کشور تنها دو تحقیق به‌طور خاص به این امر اختصاص یافته است. یکی گزارش «جنسیت و نگرش اجتماعی» است که با بهره‌گیری از روش کارگاه پژوهشی تهیه شده است و دیگری، تحقیقی که رابطه بین جنسیت و اولویت‌های ارزشی شهروندان تهرانی را مطالعه کرده است. تحقیقات تجربی، تفاوتی برای ساخت ارزشی قابل نیست و تفاوت‌ها بیشتر در زمینه اولویت‌های ارزشی مطرح می‌شود.

تحقیقات انجام یافته در دیگر کشورها، نتایج متفاوتی دارد. روکیچ (۱۹۷۳) در یک بررسی نشان می‌دهد که مردان و زنان ارزش‌های مشابهی را مهم‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین، درجه‌بندی کرده‌اند. اما آنان تفاوت جنسیتی معناداری در اولویت و اهمیت ارزش نشان دادند که بیشتر با تمایز ابزاری در مقابل اظهاری (اشتراکی، عمومی) مطابقت دارد. فدر<sup>۱</sup> (۱۹۸۴، ۱۹۸۷) با استفاده از پیمایش ارزش‌های روکیچ (RVS) ارزش‌ها را بین دانشجویان استرالیایی مطالعه کرده است. نتایج تحقیقات او به تفاوت‌های جنسیتی معنادار در اولویت‌های ارزشی اشاره دارد، که با تمایز فردی - اجتماعی، ابزاری - اظهاری قابل مطابقت است. بر اساس نتایج تحقیق، دریافت امتیاز بالا بر روی شاخص مردانگی با اولویت دادن به ارزش‌هایی که فدر، ابزاری می‌نامد همبستگی دارد. اخذ امتیاز بالا در زنانگی، با اولویت دادن به ارزش‌های اظهاری - اشتراکی، همبسته است.

باند (۱۹۸۸) با مطالعه دانشجویان ۹ کشور، به تفاوت جنسیتی ثابت بین فرهنگ، دست یافت که آن را به عنوان تمایز فردمحور / جمع محور<sup>۲</sup> تفسیر کرد. اما در پیمایشی دیگر درباره

- 
1. Feather
  2. Agency/Communion

ارزش‌ها، او هیچ تفاوت جنسیتی ثابتی در اطلاعات مربوط به دانشجویان ۲۱ کشور نیافت. روکیچ، فدر و باند فقط تفاوت‌های جنسیتی را در یک زمینه وسیع ارزشی جست‌وجو کردند و تحقیقات دیگر، بر ارزش‌های خاصی تمرکز دارد. در خصوص ارزش‌های مربوط به کار بررسی‌هایی انجام شده که هیچ تفاوت جنسیتی، درباره ارزش‌های کاری - سستی مردان (مثل فرصت برای پیشرفت) قایل نشده است. در حالی که زنان، اولویت بیشتری برای ارزش‌های سستی کار (مثل کمک به دیگران) داشتند (Bridges, 1989). البته بررسی‌های انجام شده درباره زنان و مردان، با مشاغل دارای اعتبار مشابه، هیچ تفاوت جنسیتی در تأکید بر ارزش‌های ابزاری، یا اولویت‌های ارزشی مربوط به کار، نشان نمی‌دهد. با توجه به این یافته‌ها، تاوریس (۱۹۹۳) نتیجه می‌گیرد که شرایط کار (نه کیفیت‌های فردی، مثل جنسیت) مشخص‌کننده این است که افراد، برای چه چیزهایی در کارشان ارزش قائل‌اند.

فیورنتین (۱۹۸۸) آزمون تغییر ارزش‌ها را بین دانشجویان سال اول دانشگاه، در سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۴ انجام داده است. مشاهده‌های او نشان می‌دهد که سیستم‌های ارزشی مردان و زنان، در طول زمان، هم‌گرایی دارد. در مقابل، بیوتل و مارینی (۱۹۹۵) به ثبات در زمینه تفاوت‌های جنسیتی، در طول زمان اشاره دارند. زنان توجه بیشتری به خوشبختی دیگران نشان دادند و برای یافتن هدف و معنا در زندگی، اهمیت ویژه‌ای قایل بودند. تحقیق ارزش‌ها با هدف اجتماعی، به نتایج ثابتی درباره تفاوت‌های جنسیتی نرسیده است (برایت ویت، ۱۹۹۴) شاید این امر منعکس‌کننده یک فرهنگ در حال تغییر باشد. شاپیرو و ماهیجان (۱۹۸۶) در تحقیقشان، اطلاعاتی که درباره افکار عمومی در آمریکاست، جمع‌آوری کردند تا شدت یافتن تفاوت‌های جنسیتی را در مسائل سیاستگذاری پس از ۱۹۷۶ نشان دهند. بر اساس نتایج آنان زنان نه تنها حامی سیاست‌های حمایتی ضد خشونت بودند، بلکه از برنامه‌ها و سیاست‌هایی حمایت می‌کردند که به دنبال حفظ خوشبختی و راحتی دیگران بود. زنان همچنین در ارائه راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز، برای مشکلات جامعه، از مردان بسیار پیشتازتر بودند، شاپیرو و ماهیجان، این تغییر را با جنبش‌های زنان، مرتبط دانستند.



در مجموع، تحقیقات تجربی درباره جنسیت و ارزش‌ها، نتایج چند پهلوئی را نشان می‌دهد. تحقیقات قدیمی‌تر که ارزش‌های گسترده‌تر را بررسی می‌کند، تفاوت‌های جنسیتی ثابت را تأیید می‌کند؛ در حالی که مطالعات جدیدتر که مجموعه‌های کمتری از ارزش‌ها را در نمونه‌هایی از افراد تحصیل کرده و متجانس با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتر مطالعه می‌کند، به تفاوت‌های معنادار اندکی رسیده است.

به نظر گیسون و شوارتز، ویژگی‌های یک جمعیت خاص و ارزش‌های خاص انتخابی، ممکن است که مبین بعضی تفاوت‌ها در یافته‌ها باشد. بررسی‌های فدر (۱۹۸۷) نشان می‌دهد که بعضی از تفاوت‌های جنسیتی، در نمونه‌های متجانس، کمتر از نمونه‌های نامتجانس، مشاهده می‌شود. بنابراین مطالعات جدید که از نمونه‌های متجانس استفاده می‌کند، شاید تفاوت‌های جنسیتی در جمعیت کل را، کمتر از آنچه هست، نشان دهد یا هرگز نبیند. در مقابل، بررسی‌های دانشجویی یا دانش‌آموزی ممکن است که تفاوت‌های جنسیتی را بیش از آنچه هست نمایش دهد (Wallston and Grady, 1985).

### روش تحقیق

آیا در یافته‌های تحقیقات تجربی موجود در زمینه ارزش‌ها و نگرش‌ها، در خصوص تأثیر جنسیت بر ارزش‌ها و نگرش‌ها، ثباتی وجود دارد یا نه؟ برای پاسخ به این پرسش از فراتحلیل، استفاده شده است. فراتحلیل برای سنتز یافته‌های تحقیقات قبلی که جنبه‌های مشترک دارد، به کار می‌رود. فراتحلیل، تحلیل تحلیل‌ها است و برای تجزیه و تحلیل آماری مجموعه‌ای بزرگ از نتایج به دست آمده از مطالعات و برای یکپارچه کردن نتایج آن، استفاده می‌شود. زمانی که فرضیه‌ای برای فراتحلیل، انتخاب می‌شود، باید به مسائلی توجه کرد:

الف) در دسترس بودن ادبیات معنادار.

ب) فرضیه نباید به تجزیه و تحلیل بررسی‌های مترکم و کنترل نشده نیاز داشته باشد.

ج) عنوان برای دیگران جذاب باشد.

د) باید نتیجه و آگاهی خاصی از تجزیه و تحلیل به دست آید.

بنیان حضور یک اثر، مشخص کردن اهمیت یک اثر و حل تفاوت‌های ادبیات، از جمله علل انجام فراتحلیل محسوب می‌شود. بنابراین محقق در فراتحلیل، توجه خود را به بنیان حضور یک اثر و تخمین اندازه آن محدود می‌کند. اما مرور ادبیات باید فراتر از این رفته و مشخص شود که کدام ویژگی‌های مطالعه، سبب قوت این تأثیر می‌شود. بیشترین استفاده از فراتحلیل در مرور ادبیات، کمی بوده است؛ مراحل اجرای یک فراتحلیل عبارت‌اند از:

۱. تعریف رابطه تئوریک مورد نظر

۲. جمع‌آوری اطلاعات در خصوص رابطه مذکور

۳. شماره‌گذاری مطالعات و محاسبه اندازه تأثیر آن

۴. آزمون توزیع اندازه تأثیر و تجزیه و تحلیل اثرگذاری متغیرهای میانی

۵. تفسیر و گزارش نتایج

هدف این نوشتار، بررسی تأثیر جنسیت بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و اولویت‌های ارزشی است. در تحقیقات استفاده شده، رابطه جنسیت با ارزش‌ها و نگرش‌ها آزمایش شده است. تحقیقات انتخاب شده در فراتحلیل، باید براساس قواعد نظام‌مند انتخاب و دسته‌بندی شود. در واقع تحقیقات انتخاب شده باید نماینده مطالعات انتشار یافته باشد و درباره موضوع، اطلاعاتی با کیفیت بالا ارائه دهد. وجود هر دو متغیر، یعنی ارزش‌ها - نگرش‌ها و جنسیت، و آزمون رابطه بین دو متغیر، معیار اصلی انتخاب تحقیقات است. مقاله‌ها، گزارش‌های علمی و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا در این بررسی، استفاده شده است. با اینکه تعداد تحقیقات انجام شده در زمینه مطالعه ارزش‌ها در سال‌های اخیر، قابل توجه است، اما در کل، ۱۶ مطالعه رابطه بین جنسیت و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و یا مذهبی را بررسی کرده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱  
طبقه‌بندی روش‌شناسانه پروژه‌های تحقیقاتی

کد	عنوان تحقیق	سال تحقیق	محل تحقیق	ماهیت تحقیق	روش تحقیق	ارزش‌های مورد بررسی	متغیرهای مستقل	حجم نمونه
۱	بررسی سلسله مراتب ارزش‌ها در میان جوانان و تأثیر بازشدن مرزها در تغییر این ارزش‌ها	۸۰	شهرستان‌های گرمسیر و مشکین‌شهر	کاربردی	پیمایش مقایسه‌ای	نظریه‌های اقتصادی، زیباشناسی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی	جنس، محل سکونت، تحصیلات	۳۶۵
۲	بررسی سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و سیر تحول آن در دوران دانشجویی	۷۹	ملی	زمینه‌یابی (پس رویدادی)	پیمایش	هنری، اجتماعی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی، ارزش‌غایی و ابزاری	سن، جنس، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، سال ورود، وضعیت تأهل، نوع سهمیه، شغل و مذهب	۴۳۰۰
۳	تحلیل ثانویه ارزش‌های اجتماعی و اولویت‌های ارزشی	۷۸	ملی	کاربردی	تحلیل ثانویه	اولویت ارزشی، پول و ثروت، مقام، علم و دانش، شهرت، آبرو، سلامتی، درستکاری (ارزش مادی و فرامادی)	سن، جنس، تحصیلات، درآمد، وضعیت تأهل	۳۵۴۰
۴	مقایسه نظام‌های ارزشی نوجوانان با والدین، در شهر قم	۸۱	قم	کاربردی	پیمایش	نظام ارزش‌ها (نظری، اقتصادی، زیباشناسی، اجتماعی، سیاسی و...)	جنس و سن	۹۰۰
۶	سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن	۸۲	تهران	کاربردی	پیمایش	سلسله مراتب ارزش‌ها (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی)	جنسیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نوع محیط آموزشی، میزان مذهبی بودن، سال ورود و خروج از دانشگاه	۳۷۷
۷	بررسی اولویت‌های ارزشی قشرهای اجتماعی، درباره دانش‌آموزان دبیرستان‌های میاندوآب	۷۹-۸۰	میاندوآب	کاربردی بنیادی	پیمایش	طیف ارزشی شخصیتی آپورت، سنجه دوازده ارزشی اینگلهارت در سطح اجتماعی و سنجه چهار ارزشی وی در سطح فردی	قشر ذهنی و عینی، رضایت از زندگی	۲۵۲

ادامه جدول ۱  
طبقه‌بندی روش‌شناسانه پروژه‌های تحقیقاتی

کد	عنوان تحقیق	سال تحقیق	محل تحقیق	ماهیت تحقیق	روش تحقیق	ارزش‌های مورد بررسی	متغیرهای مستقل	حجم نمونه
۸	بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارها	۷۳	ملی	کاربردی	توصیفی	نگرش در حوزه	جنس، سن، سواد، ترکیب خانوار، وضع	۱۸۰۰۰
۹	ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان	۸۳-۷۹	ملی	کاربردی بنیادی	پیمایش	ارزش‌های اجتماعی، عدالت، آزادی، امنیت، آسایش و احترام، باورها و ترجیحات سیاسی، دوستی، هم‌بستگی و هنجارهای اجتماعی	جنس، سن، تحصیلات و وضع فعالیت	۱۶۸۲۴
۱۰	نسل‌ها و ارزش‌ها	۸۳	تهران	بنیادی	پیمایش	جهت‌گیری‌های ارزشی، هماهنگی، امنیت، جمع‌گرایی، فردگرایی و ارزش‌های غایی و ابزاری	جنس، تجربه تاریخی نسل، قدرت و موقعیت ساختاری	۱۰۴۹
۱۱	جنسیت و نگرش اجتماعی	۸۳	ملی	کاربردی	تحلیل ثانویه با شیوه کارگاه پژوهشی	نگرش‌ها و باورها	جنسیت و سن	
۱۲	سلسله مراتب ارزش‌ها نزد جوانان قوچان	۷۵	قوچان	کاربردی بنیادی	پیمایش	سلسله مراتب ارزش‌ها (دانش، تعهد، قدرت و ثروت)	جنسیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، گروه‌های مرجع	۱۲

**جدول ۱**  
**طبقه‌بندی روش‌شناسانه پروژه‌های تحقیقاتی**

کد	تعداد فرضیه	واحد تحلیل	تکنیک نمونه‌گیری	تکنیک جمع‌آوری اطلاعات	تکنیک تجزیه و تحلیل آماری
۱	۱۰	جوانان ۱۵-۱۸	تصادفی - طبقه‌ای	پرسش‌نامه (مقیاس الپورت و ورنون)	مقایسه میانگین‌ها، تحلیل واریانس، کی‌دو و اسپیرمن
۲	۱۲	دانشجویان	نسبی - طبقه‌ای	پرسش‌نامه (مقیاس الپورت و ورنون) ارزش سنج روکیچ)	آماره‌های توصیفی، آماره‌های استنباطی (آزمون T، تحلیل واریانس یکطرفه)
۳	۱	افراد ۱۶ سال و بالاتر	استفاده از اطلاعات ثانویه	تحقیق انجام شده در سال ۷۳ با نام بررسی آگاهی، نگرش‌ها و رفتار اجتماعی - فرهنگی در ایران	تحلیل ثانویه
۴	۶	دانش‌آموزان متوسطه و والدین آنان	تصادفی و خوشه‌ای چندمرحله‌ای	پرسش‌نامه	مقایسه میانگین و آزمون T
۵	۱ فرضیه اصلی ۹ فرضیه فرعی	دانش‌آموزان سال سوم متوسطه و والدین آنان	خوشه‌ای - چندمرحله‌ای	پرسش‌نامه همراه با مصاحبه	مقایسه میانگین‌ها، تحلیل واریانس، ضرایب همبستگی
۶	۱۰	دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه‌های تهران	تصادفی	پرسش‌نامه	آماره‌های توصیفی، استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی اسپیرمن و آزمون t)
۷	۶	دانش‌آموزان سال سوم متوسطه	خوشه‌ای - چندمرحله‌ای	پرسش‌نامه	آماره‌های توصیفی، آمار استنباطی (تحلیل واریانس، تفاوت میانگین‌ها)
۸	—	زن و مرد ۱۶ سال به بالا	طبقه‌بندی استان‌ها، انتخاب تصادفی شهرها و روش احتمالی متناسب با حجم جامعه	پرسش‌نامه	آماره‌های توصیفی آمار استنباطی کی‌دو
۹	—	جوانان ۱۴-۲۹ ساله مراکز استان‌ها	تصادفی	پرسش‌نامه	آماره‌های توصیفی مقایسه میانگین‌ها و رگرسیون
۱۰	۵	دانشجویان دانشگاه تربیت معلم	چندمرحله‌ای - تصادفی	پرسش‌نامه	تحلیل خوشه‌ای، آزمون t، تحلیل واریانس
۱۱	—	افراد ۱۵ سال و بالاتر، در ۲۸ استان کشور	نمونه‌گیری دو مرحله‌ای - خوشه‌ای و چند مرحله‌ای	مصاحبه حضوری براساس پرسش‌نامه	آمار توصیفی

۷۰ ■ جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها

ادامه جدول ۱

طبقه‌بندی روش‌شناسانه پروژه‌های تحقیقاتی

کد	تعداد فرضیه	واحد تحلیل	تکنیک نمونه‌گیری	تکنیک جمع‌آوری اطلاعات	تکنیک تجزیه و تحلیل آماری
۱۲	۵	افراد ۶۴-۱۶ ساله تهران	تصادفی	پرسش‌نامه همراه با مصاحبه	آمار توصیفی و استنباطی
۱۳	—	افراد ۱۵ سال و بالاتر	استفاده از اطلاعات ثانویه	تحقیقات انجام شده در سال‌های ۵۳، ۷۴ و ۸۲	تحلیل ثانویه
۱۴	۷ فرضیه اصلی و ۴ فرضیه فرعی	دانش‌آموزان سال چهارم و دانشجویان مراکز تربیت معلم	تصادفی و طبقه‌ای نسبی	پرسش‌نامه	آماره‌های توصیفی و استنباطی (ضرایب همبستگی، رگرسیون)
۱۵	۶	دانش‌آموزان مقطع دبیرستان	تصادفی طبقه‌ای	پرسش‌نامه	تحلیل واریانس، آزمون t، ضرایب همبستگی
۱۶	۴	زنان و مردان تهرانی ۱۸ سال به بالا	خوشه‌ای چند مرحله‌ای	پرسش‌نامه همراه با مصاحبه	آماره‌های توصیفی و استنباطی (تحلیل واریانس)

جدول ۱

طبقه‌بندی روش‌شناسانه پروژه‌های تحقیقاتی

کد	چارچوب نظری	نتایج
۱	جامعه‌پذیری سلسله مراتب نیازهای مازلو سلسله مراتب ارزشی آپورت	دختران از پسران مذهبی‌ترند، ولی در ارزش‌های هنری، سیاسی و اقتصادی میانگین کمتری دارند.
۲	نظریه‌های فلسفی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی	ارزش‌های نظری در رأس سایر ارزش‌ها قرار دارد و به ترتیب سایر ارزش‌های هنری، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و اقتصادی قرار می‌گیرد.
۳	ارزش‌های مادی و فرامادی اینگلهارت	تفاوتی بین زنان و مردان در ترتیب ارزش‌ها وجود ندارد. تفاوت عمده در زمینه اهمیت ارزش‌های فرامادی (پول و ثروت) است که مردان بیش از زنان برای آن اهمیت قائل‌اند.
۴	سلسله مراتب ارزش‌های آپورت و ورنون نظریه‌های مارگارت مید	بین نظام ارزشی مادران و دختران، تفاوت معناداری وجود ندارد. بین نظام ارزشی پدران و پسران، تفاوت معناداری وجود دارد. بین نظام ارزشی دختران و پسران، تفاوت معنادار وجود دارد. بین نظام ارزشی پدران و مادران، تفاوت معنادار وجود دارد.
۶	نظریه کنش اجتماعی پارسونز	در سطح مقایسه سلسله مراتب ارزش‌ها، تفاوت نسبی در سلسله مراتب ارزش‌های زنان و مردان وجود دارد.

ادامه جدول ۱  
طبقه‌بندی روش‌شناسانه پروژه‌های تحقیقاتی

کد	چارچوب نظری	نتایج
۵	پارسونز، اینگلهارت	در زمینه ارزش‌های مذهبی، بین پدران و پسران تفاوتی وجود ندارد. ولی دربارهٔ مادران و دختران این تفاوت چشمگیر است. ارزش حجاب بین پسران و دختران کم‌رنگ‌تر شده است، ولی در کل ارزش‌های مذهبی بین پدران و پسران، قوی‌تر از مادران و دختران است. ارزش‌های فرهنگی (هویت) بین پدران و پسران مشترک و بین مادران و دختران متفاوت است. اعتماد تعمیم یافته بین پدران و پسران یکسان و بالاست ولی بین مادران و دختران کمتر است.
۶	نظریه کنش اجتماعی پارسونز	در سطح مقایسه سلسله مراتب ارزش‌ها، تفاوت نسبی در سلسله مراتب ارزش‌های زنان و مردان وجود دارد.
۷	- جامعه‌شناسی معرفت مانهایم - تئوری تحول ارزشی اینگلهارت - تئوری خرده فرهنگ	در زنان اقشار بالا و متوسط، ارزش‌های نظری و در زنان قشر پایین، ارزش‌های مذهبی در صدر است. در مردان اقشار بالا و پایین، ارزش‌های نظری، و مردان متوسط، ارزش اقتصادی در اولویت قرار می‌گیرد.
۸	توضیح مفاهیم، آگاهی، نگرش، عقاید عمومی، رفتارهای اجتماعی - فرهنگی	در نگرش‌های فرهنگی، درآمد و تحصیلات به مراتب بیش از جنس و سن تعیین‌کننده است. اندیشه‌های جبرگرایانه بین زنان بیشتر رواج دارد.
۹	نظریه‌ها و نظریه‌های مربوط به مسائل جوانان	دختران در هویت ملی، هویت دینی، نگرش به انقلاب اسلامی و نگرش به حاکمیت، نسبت به پسران وضعیت بهتری دارند.
۱۰	نظریه ساختار چرخشی ارزش‌های شوارتز	عدالت اجتماعی برای مردان و آرامش درونی برای زنان، بالاترین اولویت را دارا است. مردان بیش از زنان به تغییرها تمایل دارند. حالت ارزشی شبه آنومیک میان مردان و حالت منفعلانه میان زنان.
۱۱	نظریه عمومی کنش	در بیشتر موارد، تفاوت چندانی بین زنان و مردان در زمینه ارزش‌ها و نگرش‌ها وجود ندارد. زنان بیش از مردان به واجبات دینی پایبند هستند.
۱۲	ترکیبی از نظریه‌های وبر، اینگلهارت، پارسونز، لازارسفلد و کاتز	میزان پایبندی به ارزش‌های دینی متوسط رو به بالاست. پایبندی به ارزش‌های دینی بین زنان بیش از مردان است.

ادامه جدول ۱  
طبقه‌بندی روش‌شناسانه پروژه‌های تحقیقاتی

کد	چارچوب نظری	نتایج
۱۳	نظریه نسل تاریخی مانهایم نظریه فضای اجتماعی بوردیو	در جهت‌گیری‌ها و ارزش‌های غایی و ابزاری، میانگین پاسخ زنان و مردان متفاوت و در مواردی، این تفاوت‌ها معنادار است. تفاوت‌ها بیشتر بین زنان و مردان نسل سوم دیده می‌شود. زنان در مقایسه با مردان، در زمینه مقوله ارزش‌های ابزاری، نمره بالاتری در گرایش‌های ارزشی دارند. مردان نیز در زمینه گرایش به ارتباط‌های جهانی، آزادی مدنی و قدرت در محیط‌های رسمی امتیاز بیشتری کسب کرده‌اند.
۱۴	نظریه‌های مربوط به جنسیت	در زمینه گرایش‌های سیاسی، چندان تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد. زنان بیش از مردان به فرایض دینی تقید دارند. زنان احساس امنیت مالی و جانی کمتری دارند.
۱۵	پارادایم پارسنز، در زمینه نظام کنش دیدگاه‌های فرهنگ اسلامی روان‌شناسی اجتماعی مارکسیسم و کارکردگرایی	زنان نسبت به مردان سلسله مراتب ارزشی را بیشتر پذیرفته‌اند. زنان نسبت به مردان به میزان بیشتری از نهادهای فرهنگی تأیید شده، استفاده می‌کنند.
۱۶	نظریه ساختار ارزشی شوارتز نظریات مربوط به رابطه جنسیت و نوع‌های ارزشی	زنان اولویت بیشتری برای ارزش‌ها قائل هستند. مردان لذت‌گرا، اقتدارگرا، حادثه‌جو و خواهان دوستان صمیمی هستند، در حالیکه زنان عدالت‌گرا، استقلال‌گرا، سلامت‌گرا، صداقت‌گرا و خواهان جهانی زیبا بوده و بیش از مردان مذهب‌گرا هستند.

چنانچه مشاهده می‌شود، تحقیقات در سطح ملی یا در یک شهر انجام شده است. واحد تحلیل در این پژوهش، گزارش‌های تحقیقاتی مربوط به ارزش‌ها و نگرش‌ها است. البته این تحقیقات، تمام تحقیقات موجود نیست و بنابراین نماینده تمام پژوهش‌های انجام شده در کشور نخواهد بود. به علت یکسان نبودن سطوح سنجش، نوع سؤال‌ها و شاخص‌های استفاده شده، یکپارچه کردن اطلاعات دشوار است.



در این بررسی، تأکید بر پژوهش‌هایی خواهد بود که از نظر روش شناختی، معیارهای قابل قبول دارد. در این مطالعه ضمن گزارش ترکیب اندازه، تأثیر و شدت روابط ارائه شده در تحقیقات، ویژگی‌هایی چون: حجم نمونه، تکنیک سنجش، واحد تحلیل و دیگر ابعاد پژوهش‌ها نیز بحث و بررسی خواهد شد.

### مروری بر مبانی نظری تحقیقات

اگرچه جریان جامعه‌پذیری بیانگر انتقال ارزش‌ها به وسیله تمام اعضای یک فرهنگ است و درونی می‌شود، گروه‌های مختلف نیز بر اساس اهمیتی که به برخی ارزش‌های خاص می‌دهند، بر اساس جهت‌گیری‌های ارزشی، متفاوت هستند. بر همین اساس لازم است که تفاوت‌های گروهی مطالعه شود. به اهمیت تفکیک ارزش‌ها و نگرش‌ها بر مبنای متغیر سن و تحصیلات بیشتر توجه شده است، اما به جنسیت با عنوان یک متغیر تبیین‌کننده، توجهی نشده است.

با مرور ادبیات نظری مطالعات، درمی‌یابیم که تنها دو تحقیق، به‌طور خاص، اشاره‌ای مختصر، به نظریه رابطه بین جنسیت و ارزش‌ها و نگرش‌ها داشته است (کد۱۳، کد۱۶). در تحقیقات دیگر، متغیر جنسیت بیشتر به صورت یک متغیر زمینه‌ای در تحلیل‌ها استفاده شده است. تحقیقات انجام شده در کشور، بیشتر تفاوت‌های نسلی را با رویکرد کارکردگرایانه بررسی کرده و در این بین از نظریه‌های اینگلهارت نیز، بهره گرفته است. بحث پیشینه نظری تحقیقات، در خصوص ارزش‌ها و نگرش‌ها را می‌توان به‌طور کلی، به چهار دسته خلاصه کرد: کارکردگرایی (به‌ویژه نظریه پارسونز)، نظریه تضاد، نظریه تحول‌های ارزشی - مادی و فرامادی، فرضیه‌های جامعه‌پذیری و کم‌یابی اینگلهارت، و نظریه نسلی مانهایم. در بررسی‌ها به مباحثی چون سلسله مراتب نیازهای مازلو، سلسله مراتب ارزشی آلپورت و... نیز اشاره شده است. پاره‌ای از تحقیقات نیز، فقط شامل تعاریف و عقاید عمومی است.

در بیشتر تحقیقات، جنسیت به مثابه یک متغیر تبیین‌کننده مورد توجه نبوده است.

چنانچه اشاره شد، تنها دو تحقیق به‌طور خاص ارزش‌ها و نگرش‌ها را بر مبنای متغیر جنسیت تفکیک کرده است. در مطالعه‌ای که از سوی دفتر طرح‌های ملی انجام شده است، ضمن بحث از مهم‌ترین مضامین جامعه‌شناسی فمینیستی، تلاش در جهت اثبات اهمیت متغیر جنسیت و تبیین‌گر بودن آن به چشم می‌خورد. رویکردهای فمینیستی، تبیین‌کنندگی مقوله جنسیت را بر باورهای فلسفی، در باب سرشت زنانگی و مردانگی استوار کرده است. بر مبنای باورهای یاد شده، زنانگی و مردانگی اموری اجتماعی تعیین گردیده؛ این باور که جنسیت امری تعیین شده از سوی اجتماع است، یعنی زنانگی و مردانگی به حسب مشخصات فرهنگی و اجتماعی خاص، بر ساخته می‌شود. برساختگی هویت زنانه نیز دلالت بر آن دارد که این هویت‌ها به حسب تحولات اجتماعی و فرهنگی متحول می‌گردد، چنانکه بر اساس تنوع‌های فرهنگی، می‌توان شاهد تنوع شاخصه‌های متمایزکننده مردانگی و زنانگی بود (کد: ۱۳: ۱۴).

### طبقه‌بندی فرضیه‌ها

فرضیه‌ها، پل ارتباطی بین مبانی نظری و روش‌شناسی تحقیق محسوب می‌شود. البته در برخی از پژوهش‌ها، نیازی به ارائه فرضیه نیست، در این دسته از تحقیقات، هدف پژوهش، فرضیه‌سازی در پایان کار است. ۷۵ مطالعه‌ها درصد دارای فرضیه بود و در ۲۵ درصد پروژه‌ها، فرضیه‌ای ارائه نکرده‌اند. تحقیقاتی که فرضیه داشت، تعداد فرضیه‌ها بین ۱ تا ۲۰ فرضیه در نوسان است. فرضیه‌ها، در غالب فرضیه‌های اصلی و فرعی مطرح شده‌اند. در برخی از مطالعه‌ها، ارتباطی بین فرضیه‌ها و مبانی نظری طرح وجود ندارد و می‌توان گفت در این دسته از تحقیق‌ها، مبانی نظری مستقل از مدل و فرضیات تحقیق است که این امر، نکته قابل توجهی است. در بیشتر فرضیه‌ها رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و پیشینه‌ای با جهت‌گیری‌های ارزشی و اولویت‌های ارزشی بیان شده است. در این بررسی بر رابطه جنسیت و ارزش‌ها و نگرش‌ها متمرکز شده‌ایم که در تحقیق‌ها به صورت متغیر تبیین‌کننده یا متغیر زمینه‌ای بررسی شده است.

### متغیرهای تحقیق

با مرور این تحقیقات، درمی‌یابیم که ارزش‌ها و نگرش‌ها، متغیر وابسته در این تحقیقات است که به شکل متفاوتی تعریف شده و سنجش و بررسی گردیده است. هدف بیشتر این تحقیقات، ارائه اطلاعات از وضعیت ارزشی و نگرشی جامعه مورد مطالعه بوده است و برای مطالعه نظام ارزشی و جهت‌گیری‌های نگرشی و رفتاری، مقیاس‌های مختلفی به کار برده‌اند. حدود ۵۰ درصد تحقیقات، از طبقه‌بندی ارزش‌ها به اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، سود برده است که بیشتر متأثر طبقه‌بندی پارسونز، از نظام کنش بوده است. پس از آن، طبقه‌بندی پورت و ورنون از نظام ارزشی و طبقه‌بندی اینگلهارت از ارزش‌های مادی و فرامادی قرار دارد. در سال‌های اخیر، به طبقه‌بندی اینگلهارت، بیشتر توجه شده است که علت آن را می‌توان، توجه بیشتر به مقیاس استفاده شده در پیمایش جهانی ارزش‌ها<sup>۱</sup> در سال‌های اخیر دانست.

یکسان نبودن سطوح سنجش، نوع سؤال‌ها و شاخص‌های مورد استفاده، یکپارچه کردن اطلاعات را، تا حدی دشوار می‌سازد. علاوه بر مقیاس‌های فوق، از مقیاس‌های دیگری چون مقیاس شوارتز، مقیاس روکیچ و مقیاس بریت ویت و لاینز در تحقیقات استفاده شده است که درصد کمتری را به خود اختصاص می‌دهند.

### متغیر مستقل

جنسیت متغیر اصلی و مبنای کار در بررسی تحقیقات انجام شده، است. جامعه‌شناسان بین جنس<sup>۲</sup> و جنسیت<sup>۳</sup> تمایز قایل‌اند. جنس بر تفاوت‌های بیولوژیک و فیزیکی میان مردان و زنان دلالت دارد؛ در حالی که جنسیت بر ویژگی‌های شخصی و روانی و تفاوت‌های اکتسابی، فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی بین زنان و مردان تأکید دارد که جامعه آن را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، جنس به زن و مرد بودن دلالت دارد در حالی که جنسیت

1. World value survey
2. Sex
3. Gender

دلالت به زنانگی و مردانگی دارد که از طریق جامعه‌پذیری به دست می‌آید. تمایز بین جنس و جنسیت تمایزی اساسی است، زیرا بسیاری از تفاوت‌های میان زنان و مردان، منشأ بیولوژیکی ندارد و از طریق یادگیری اجتماعی و در جریان جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۷۵).

به دنیا آمدن پسر یا دختر، پیامد مهمی برای همه جنبه‌های زندگی خواهد داشت: از انتظاراتی که دیگران در جامعه از ما دارند تا رفتار دیگران با ما، و رفتار خود فرد. غیر از جامعه‌ای که فرد در آن متولد می‌شود، این امر در همه جا صادق است. هر چند در جوامع گوناگون، تفاوت‌هایی از این دست دیده می‌شود (گرت، ۱۳۷۹: ۹). مردانگی و زنانگی در جریان جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد و مبتنی بر تمایزهای شخصی، روانی، اجتماعی و فرهنگی است که جامعه تعیین‌کننده آن است، بنابراین منجر به تمایزها و تفاوت‌های گوناگون بین زنان و مردان خواهد شد.

بحث جنسیت، در تحقیقات گسترده و حوزه‌های مختلف، از جمله: علوم اجتماعی، روان‌شناسی، اقتصاد، سیاست و... اهمیت بسیاری دارد و آثار مختلفی از جهت مسئله جنسیت، در پژوهش‌ها و تحقیقات بر جای خواهد ماند.

در بیشتر تحقیقات، از جنسیت به مثابه متغیر زمینه‌ای استفاده شده است. بر همین اساس، در کنار متغیرهای دیگری، چون: سن، تحصیلات، محل سکونت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی، به آن توجه شده است. همچنین رابطه بین جنسیت و دیگر متغیرهای زمینه‌ای با ارزش‌ها و نگرش‌ها (بدون استفاده از مدل و مبانی نظری) بر اساس گمانه‌سازی صورت گرفته است. خوشبختانه به علت ثابت بودن متغیر جنسیت، مشکلی در زمینه یکپارچه کردن اطلاعات وجود ندارد.

### ارزیابی روش مطالعات

با بررسی تحقیقات انجام شده، به روش تحقیقات نیز توجه شد. به طور کلی این مطالعات، مطالعاتی کمی است و از این نظر استفاده از فراتحلیل برای بررسی آن، روشی مناسب محسوب می‌شود.

## فصل دوم: جنیست، ارزش‌ها و نگرش‌ها ■ ۷۷

در ارزیابی روشی مطالعات، عناصر بنیادین ساختمان پژوهش، مطالعه می‌گردد (صدیق سروستانی، ۱۳۷۹: ۸۴). بر این اساس، عناصر و اجزایی بررسی می‌شود که سازمان یک طرح تحقیقاتی را تشکیل می‌دهد و این عناصر عبارت است از: عنوان تحقیق، طرح مسئله، مبانی نظری و تجربی تحقیق، روش‌شناسی تحقیق، نتایج تحقیق و راهکارهای تحقیق (همان: ۸۵). این بررسی از دو جنبه، قابل توجه است: اول از نظر دارا بودن اجزای تحقیق از عنوان تا راهکارها بدون توجه به ارتباط و هماهنگی بین اجزای مختلف، که از آن با عنوان ارزیابی معیارمندی هر جزء از تحقیق یاد می‌شود. دوم، از نظر هم‌سازی و هم‌خوانی بین اجزای مختلف، که ارزیابی هم‌سازی عناصر و اجزای تحقیق نامیده می‌شود (همان، به نقل از دوواس: ۶ - ۴۴). مرور این تحقیقات از نظر رعایت معیارمندی دارای نمره به نسبت بالایی خواهد بود.

به علت کمبودهای روش‌شناختی در تحقیقات، به ویژه در زمینه نتایج، کمتر به نتیجه‌گیری هماهنگ با مبانی نظری و آنچه هدف تحقیق ذکر کرده‌اند، دست یافته‌اند. در برخی تحقیقات، از منظر مبانی نظری، محققان چندین نظریه مطرح کرده‌اند، اما مشخص نیست، کدام نظریه‌ها در تحلیل و تبیین استفاده شده و همچنین بین نتایج تحقیق و مبانی نظری، رابطه‌ای برقرار نشده است.

۷۸ درصد مطالعات، غالباً با استفاده از روش پیمایش انجام شده و ابزار جمع‌آوری آن پرسش‌نامه است. در مواردی نیز از مصاحبه همراه با پرسش‌نامه، به منظور جمع‌آوری اطلاعات، استفاده شده است. در تنظیم پرسش‌نامه‌ها، از مقیاس‌های بین‌المللی بهره گرفته‌اند که می‌توان به مقیاس‌های استاندارد، همچون: آلپورت و ورنون، روکیچ و اینگلهارت، اشاره داشت.

مقیاس ارزش‌های آلپورت، شامل ۴۵ پرسش است که در آن شش نوع ارزش: نظری، اقتصادی، زیبایی‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و دینی سنجش می‌شود. در مقیاس روکیچ، از دو فهرست لغت و عبارت‌های کوتاه استفاده می‌شود. یک فهرست شامل ۱۸ ارزش غایی و

فهرست دیگر، شامل ۱۸ ارزش ابزاری است. از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود در هر فهرست، ارزش‌ها را با توجه به اهمیتی که برایشان دارد، رتبه‌بندی نمایند. از جمله مقیاس‌های دیگر، می‌توان به پرسش‌نامه شوارتز اشاره نمود. این مقیاس شامل ۵۶ گویه ارزشی است و در آن ۵ دسته کلی ارزش‌ها، بررسی و شناسایی می‌گردد. یکی دیگر از مقیاس‌ها، متعلق به رونالد اینگلهارت است که این مقیاس ملهم از طبقه‌بندی نیازهای مازلو می‌باشد. وی با تقسیم ارزش‌ها به مادی و فرامادی، ارزش‌های پاسخ‌دهندگان را می‌سنجد. در تحقیقات، یکی از این مقیاس‌ها را برای سنجش ارزش‌ها و نگرش‌ها به کار برده‌اند. البته در مقیاس‌های مورد استفاده، با توجه به وضع ایران، تغییراتی داده شده که این تغییرات، براساس هدف تحقیق و مطابق ساختن گویه‌ها با وضعیت نظام ارزشی ایران صورت گرفته است.

نکته دیگر، در این تحقیقات، استفاده نکردن از مقیاس‌ها، به صورت افزایشی و انباشتی است؛ چون مقیاس‌ها غالباً به صورت منفرد و منفک از یکدیگر استفاده می‌گردد. این امر موجب می‌شود تا به جای رفع نواقص پرسش‌نامه‌ها، از شاخص‌های جدید استفاده شود.

### مرور یافته‌های تحقیق

هدف تحقیق حاضر، بررسی رابطه بین جنسیت، ارزش‌ها، نگرش‌ها و سلسله مراتب ارزشی در مطالعات موجود و پاسخ به این پرسش‌ها بود که: آیا بین ارزش‌ها و نگرش‌های مردان و زنان تفاوتی وجود دارد؟ آیا می‌توان از فرهنگ زنان صحبت کرد؟

ارزش‌ها، الگوی عمل افراد است که با تغییر آن، دیگر رفتارها و اندیشه‌ها نیز تغییر می‌یابد. جامعه‌ای در حال تغییر است، ضرورت و نیاز انطباق با محیط، انسان را طالب تحول و تغییر فرهنگی می‌نماید. در سال‌های اخیر، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و آموزشی افزایش یافته است. این امر، نشان می‌دهد که زنان طالب تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه، به طور خاص خواهند بود. جنسیت موجب پیدایش مسائل مختلفی می‌شود که نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی، یکی از آن دلایل، خواهد بود که در

فصل دوم: جنیست، ارزش‌ها و نگرش‌ها ■ ۷۹

بیشتر جوامع، پیامدهای بسیار گسترده‌ای را به وجود می‌آورد. همچنین، هر جامعه‌ای مبتنی بر نوعی نظام است که حوزه‌های آن، مثل: نهادها و مؤسسه‌های کاری، سازمان‌های اقتصادی، احزاب و حتی فعالیت‌های ارتباطی و مشارکت اجتماعی و عضویت در برخی گروه‌ها و شبکه‌ها، بر مبنای جنسیت طبقه‌بندی شده است؛ که این امر، نابرابری‌ها و تفاوت‌های جنسیتی میان زنان و مردان را گسترش می‌دهد و آنها را هرچه بیشتر به دنیای اجتماعی متفاوت و متمایز از هم سوق می‌دهد که می‌تواند باعث شکل‌گیری تفاوت‌های ارزشی در افراد گردد.

با مرور رویکردهای جنسیتی و ارزش‌ها، به دیدگاه‌های موجود نیز اشاره شد. نظریه‌های تفاوت‌های ثابت، عوامل ژنتیکی یا یادگیری نقش‌های جنسیتی، تفاوت‌های جنسیتی قوی در ارزش‌ها را باعث می‌شود که در طول دوره زندگی، به نسبت ثابت است. براساس نگرش این نظریه، هیچ تفاوت جنسیتی واقعی در ارزش‌ها وجود ندارد، بلکه تفاوت‌ها محصول تعامل‌های اجتماعی است؛ در نهایت، تفاوت‌های جنسیتی را وابسته به شرایط زندگی دانسته و تنها وقتی مشخص می‌شود که به موقعیت فرد در ساخت اجتماعی توجه گردد. بنابراین لازم است که وضعیت ارزش‌ها و نگرش‌ها در بین مردان و زنان بررسی شود تا تفاوت‌ها، آشکار گردد.

در بررسی‌ها، طبقه‌بندی متفاوتی از نظام ارزشی ارائه شده است که در بسیاری موارد به چارچوب نظری و یا مقیاس مورد استفاده در پژوهش بستگی دارد. در چارچوب عام نظام اجتماعی و یا جامعه، ۴ خرده نظام: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، و کارکرد اصلی هر یک متناظر با ۴ ارزش محوری: پول، نفوذ، قدرت و تعهد مطرح است که می‌توان آنها را به دو دسته ارزش‌های ابزاری و غایی تقسیم نمود (قاضی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۴۹). بنابراین فراتحلیل مطالعات، در محورهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انجام می‌شود.

### جنسیت و ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی

ارزش‌های فرهنگی، که شامل ارزش‌های دینی، هنری و علمی است و توجه زنان و مردان است. سنجش ارزش‌های فرهنگی، در تحقیقات، براساس اندیشیدن و تفکر، فراگیری علم و دانش، پایبندی به اصول اخلاقی، پایبندی به دستوره‌های دینی، عقل‌گرایی و... خواهد بود. بین جنسیت و پایبندی به ارزش‌های دینی، رابطه معناداری وجود دارد که حاکی از برتری میانگین نمره برای زنان است. به عبارت دیگر، پایبندی زنان به ارزش‌های دینی از مردان بیشتر است. بررسی مطالعات انجام شده در سطح ملی و در شهرهای مختلف و بین گروه‌های مختلف، بیانگر وجود رابطه قوی بین این دو متغیر است. در این باره بین شهر و روستا نیز تفاوتی وجود ندارد (کد: ۱۱۱).

#### جدول ۲-۲

آزمون تفاوت میانگین پایبندی به ارزش‌های دینی برحسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	میانگین نمره پایبندی به ارزش‌های دینی	انحراف معیار	t	Sig
مرد	۱۷۸	۳۷/۴	۶/۹۴	-۲/۵۵	۰/۰۱۱
زن	۱۸۵	۳۹/۲	۶/۵		

در زمینه پایبندی به ارزش‌های دینی، تفاوت معناداری بین دختران و پسران و مردان و زنان وجود دارد. زنان بیش از مردان به ارزش‌های مذهبی پایبندند. نتایج تحقیق بین دانش‌آموزان دبیرستانی نشان می‌دهد که گرایش مذهبی دختران دانش‌آموز بیش از پسران است (کد ۱۵).

#### جدول ۲-۳

تحلیل واریانس جنسیت با گرایش مذهبی (کد ۱۵)

جنسیت	فراوانی	میانگین گرایش مذهبی	انحراف معیار	درجه آزادی	F	Sig
زن	۱۰۳	۱۴۷	۱۴/۶۲	۱	۸/۸۱	۰/۰۰۰
مرد	۲۱۶	۱۳۵	۱۲/۰۱			



فصل دوم: جنیست، ارزش‌ها و نگرش‌ها ■ ۸۱

با مقایسه نسل‌های مختلف، مشخص می‌شود که اعتقاد مذهبی زنان در سه نسل بیش از مردان است. بین نسل اولی‌ها، میانگین برای زنان ۸/۶۸ و برای مردان ۸/۱۲، بین نسل دومی‌ها برای زنان ۸/۶۹ و برای مردان ۸/۲۶ و بین نسل سومی‌ها، برای زنان ۸/۲۳ و برای مردان ۷/۷۴ است. تفاوت، بین نسل سومی‌ها معنادار است؛ یعنی گرایش‌های مذهبی بین زنان نسل سومی، در مقایسه با مردان این نسل قوی‌تر است (کد ۱۲: ۳۰۷).

تفاوت بین زنان و مردان در خصوص رفتار دینی نیز وجود دارد. مقایسه اطلاعات موج اول و دوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، نشان می‌دهد که از ۱۳۵۳ به این سو، میان زنان و مردان در ادای فریضه نماز، فاصله افتاده است. به طوری که مردان به شکل قابل توجهی، کمتر از زنان، همیشه نماز می‌خوانند (کد ۱۳).

جدول ۴ - ۲

چقدر به خواندن نماز پایبند هستید؟ (کد ۱۳)

۱۳۸۲		۱۳۷۹		۱۳۵۳		سال
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	
۷۵/۷	۶۳/۶	۸۶/۴	۷۶/۳	۸۴	۸۲	همیشه
۱۵/۳	۱۹/۸	۸/۹	۱۴/۵	۱۰	۱۲	گاهی اوقات
۸/۹	۱۶/۵	۴/۶	۹/۱	۶	۶	به ندرت
۱۳۷۹		$X^2 = 308/847$		Sig = 0/0000		$V = 0/136$
۱۳۸۲		$X^2 = 87/929$		Sig = 0/0000		$V = 0/139$

پایبندی بیشتر زنان به ارزش‌های دینی، با نظام آموزشی دینی مرتبط است، که این امر در مورد زنان و دختران بیشتر بوده و با نظارت دقیق‌تری اعمال می‌شود. از جمله این موارد می‌توان به حجاب و به سن تکلیف دختران اشاره کرد. در عرف اجتماعی نیز از دختران انتظار بیشتری دارند که به اخلاقیات پایبندی، داشته باشند (کد ۴). نتایج جدول بیانگر آن

است که با کاهش تدریجی ادای فریضه نماز مواجهیم، که این رخداد بین مردان بیش از زنان است.

چنانچه اشاره شد، زنان بیش از مردان پایبند به ارزش‌های دینی هستند. این مسئله به ویژه در خصوص گرایش‌های دینداری سنتی، صادق است و تفاوتی در این زمینه بین نسل‌های مختلف، وجود ندارد. اما در زمینه دینداری عرفی امر خصوصی بودن دین، دینداری به قلب پاک، و یا کفایت اعتقاد به خداوند در امر دینداری) نتایج متفاوت است (کد ۱۲ و کد ۱۳). گرچه مردان نسل اول و دوم در اولویت قرار می‌گیرند، بین نسل سومی‌ها زنان نیز دارای میانگین دینداری عرفی بیشتری هستند (کد ۱۲). نتایج تحقیقات ملی بیانگر آن است که مردان بیش از زنان با این امر که دینداری به قلب پاک است - حتی اگر نماز نخوانیم - موافق‌اند (همان: ۲۸).

تحقیق توصیفی بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران (کد ۸)، تنها موردی است که قایل به تفاوت بین زنان و مردان در خصوص رفتارهای دینی است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در زمینه رفتارهای دینی مثل: پرداخت فطره، دعا و نیایش، رفتن به مجالس مذهبی، رفتن به دعای کمیل و خواندن نماز جماعت در مسجد، تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد (کد: ۸: ۳۹۳). تفاوت اصلی بین دو گروه، در نذر کردن است که شیوع بسیار بیشتری میان زنان دارد (همان: ۳۸۸). تفاوت این پژوهش و دیگر مطالعات نتیجه نوع سنجش آن است. در مطالعات دیگر، به ادای فرایض دینی توجه شده است اما در این پژوهش، پرسشی در این باره مطرح نشده است.

نتایج تحقیقات در خصوص ارزش‌های هنری و نظری، یکسان نیست و نتایج تحقیقات متفاوت است. تحقیق انجام شده بین دانش‌آموزان شهر قم، حاکی از آن است که پسران و دختران در مؤلفه‌های ارزشی نظری، هنری و مذهبی، تفاوت معنادار دارند. این امر، بیانگر پایگاه‌های ارزشی متفاوت پسران و دختران در این سه حوزه ارزشی است (کد ۴: ۱۸۲). دختران در هر سه حوزه قوی‌تر از پسران هستند و تفاوت در ارزش‌های مذهبی نیز بیشتر

است. بین پدران و مادران تنها در زمینه ارزش‌های مذهبی تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج ارائه شده در جدول (۵) بیانگر آن است که پسران در زمینه ارزش‌های نظری (علاقه شدید به کشف حقیقت از منظر تجربی، انتقادی، خردگرایانه و روشنفکرانه) و ارزش‌های مذهبی، متفاوت از مادرانشان هستند. در مقابل، تفاوت میانگین ارزش‌های هنری (بیشترین تأکید بر شکل و توازن، لذت بردن از هر تجربه و ارزیابی آن بر حسب ظرافت، تقارن و هم‌نوایی) و ارزش‌های مذهبی دختران با پدرانشان معنادار است. مادران و دختران درباره مسائل نظری و مذهبی، دارای نظام‌های ارزشی یکسانی هستند (کد ۴: ۱۸۹). تحقیق انجام شده بین دانشجویان نیز تفاوت بین زنان و مردان در زمینه هنری و مذهبی نشان می‌دهد. (کد ۲) میانگین ارزش‌های هنری برای زنان ۴۱/۵۲ و برای مردان ۳۹/۵۱ است ( $t = ۴۱/۵۲$ ,  $sig = ۰/۰۰۱$ ). در زمینه ارزش‌های مذهبی، میانگین برای زنان و مردان به ترتیب برابر ۴۰/۴۲ و ۳۷/۸۲ است ( $t = ۹/۸۱$ ,  $sig = ۰/۰۰۱$ ). اما در زمینه نظری (علمی) تفاوت معناداری بین این دو گروه، مشاهده نمی‌شود ( $t = ۰/۷۶$ ,  $sig = ۰/۴۴$ ). در زمینه ارزش‌های فرهنگی، فراگیری علم و دانش، اولویت اول دانشجویان را تشکیل می‌دهد و تفاوت معناداری بین دختران و پسران مشاهده نشده است. (کد ۶) تفاوت نداشتن ارزش‌های نظری (علمی) بین دانشجویان بیانگر این است که در صورت برخورداری از فرصت‌های مساوی، تفاوتی در ارزش‌های زنان و مردان وجود نخواهد داشت.

#### جدول ۵ - ۲

#### آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های فرهنگی (کد ۴)

Sig	df	t	تفاوت‌های جفتی				میانگین	ارزش‌های فرهنگی	
			فاصله اطمینان ٪۹۵		خطای معیار	انحراف معیار			
			بالا	پایین					
۰/۰۰۰	۱۵۶	-۵/۰۶	-۱/۱۵	-۲/۶۳	۰/۳۷	۴/۶۹	-۱/۸۱	نظری	پسران
۰/۲۲	۱۵۶	-۱/۲۴	۰/۲۱	-۰/۹۴	۰/۲۹	۳/۶۶	-۰/۳۶	هنری	و
۰/۰۰۳	۱۵۶	-۳/۰۷	-۰/۲۷	-۱/۲۷	۰/۲۵	۳/۱۴	-۰/۷۷	مذهبی	پدران

ادامه جدول ۵ - ۲  
آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های فرهنگی (کد ۴)

Sig	df	t	تفاوت‌های جفتی				میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	ارزش‌های فرهنگی	
			فاصله اطمینان %۹۵		بالا	پایین				نظری	پسران و مادران
			بالا	پایین							
۰/۰۰۰	۱۵۶	-۳/۹	-۰/۵	-۱/۶۶	۰/۲۸	۳/۵	-۱/۱	نظری	پسران		
۰/۰۶	۱۵۶	۰/۵	۰/۶۳	-۰/۳۸	۰/۲۵	۳/۲	۰/۱۳	هنری	و		
۰/۰۰۰	۱۵۶	-۶/۶۲	-۰/۴	-۱/۳۸	۰/۲۵	۳/۰۹	-۰/۸۹	مذهبی	مادران		
۰/۰۸	۱۳۲	-۱/۸۳	۱/۸۶	-۱/۵	۰/۴	۴/۶۵	-۰/۷	نظری	دختران		
۰/۰۰۲	۱۳۲	۳/۲۲	۱/۵۴	۰/۳۷	۰/۳	۳/۴۲	۰/۹۵	هنری	و		
۰/۷۸	۱۳۲	-۰/۲۷	-۰/۵۶	-۰/۷۲	۰/۳۳	۳/۸	-۱/۰۲	مذهبی	مادران		
۰/۰۷	۱۳۲	-۱/۷۷	۱/۸۶	-۱/۴	۰/۴	۴/۶۵	-۰/۷	نظری	دختران		
۰/۰۰۳	۱۳۲	۳/۰۱	۱/۵۴	۰/۳۲	۰/۳	۳/۴۲	۰/۹۲	هنری	و		
۰/۰۰۴	۱۳۲	-۳/۹	-۰/۵	-۱/۲۴	۰/۲۸	۳/۴	-۱/۲	مذهبی	پدران		

در زمینه ارزش‌های اجتماعی (امنیت خانواده، صداقت، خیرخواهی، نظم اجتماعی، رعایت قانون، تأکید بر نوع‌دوستی و انسان‌گرایی) تفاوت معناداری بین زنان و مردان وجود ندارد (کد ۱۱، کد ۶ و کد ۴). بررسی گروه‌های مختلف دانشجویان و دانش‌آموزان، مؤید نبود تفاوت در زمینه ارزش‌های اجتماعی بین دو گروه است (کد ۱، کد ۲، کد ۶). تنها در یکی از تحقیق‌ها، تفاوت ارزش‌های اجتماعی دختران و پسران معنادار است که در این تحقیق نیز تفاوت بسیار اندک است: میانگین گزارش شده برای دختران دانشجو ۴۰/۲۶ و برای پسران دانشجو ۴۰/۸۳ می‌باشد (کد ۴).

اگرچه بین پسران و دختران و مادران و پدران در زمینه ارزش‌های اجتماعی، تفاوتی وجود ندارد، اما پسران و دختران با والدینشان در زمینه ارزش‌های اجتماعی، تفاوت معنادار دارند. تفاوت پسران با پدر و مادرشان بیش از تفاوت دختران با والدینشان است (جدول ۶).

جدول ۶-۲  
آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های اجتماعی (کد ۴)

Sig	df	t	تفاوت‌های جفتی					ارزش‌های اجتماعی
			فاصله اطمینان ۹۵٪		خطای معیار	انحراف معیار	میانگین	
			بالا	پایین				
۰/۰۰۰	۱۵۶	-۴/۳۳	-۰/۸۹	-۲/۱۱	۰/۳۶	۴/۲	-۱/۴۵	پسران و پدران
۰/۰۰۰	۱۵۶	-۷/۴۵	-۱/۹۴	-۳/۳۴	۰/۳۵	۴/۴۴	-۲/۶۴	پسران و مادران
۰/۰۴	۱۳۲	۲/۰۲	۱/۲۵	۰/۱۶	۰/۳۸	۴/۷۲	۰/۸۲	دختران و پدران
۰/۰۴	۱۳۲	۲/۰۶	۱/۶۵	۰/۱۸	۰/۴۱	۴/۷۲	۰/۸۴	دختران و مادران

سنجش ارزش‌های اجتماعی، در تمام تحقیقات به یک صورت نیست. در بعضی از تحقیق‌ها، ارزش‌های اجتماعی، شامل مواردی چون: مقام، شهرت، آبرو، درستکاری، علم و دانش، ثروت و سلامت است (کد ۸ کد ۳). در مقایسه زنان و مردان، اهمیت مقام برای زنان، بیش از مردان است، هر چند در صحنه اجتماع، امکانات مردان برای کسب مقام بیشتر است (کد ۸ کد ۳۶۳). در مقابل مردان برای شهرت و ثروت اهمیت بیشتری قایل هستند (همان: ۳۶۵). در خصوص مواردی چون: آبرو، درستکاری، علم و دانش و سلامت، تفاوت معناداری بین زنان و مردان وجود ندارد.

در مقایسه بین زنان و مردان، ارزش‌های اجتماعی غیرمادی، بین هر دو گروه، دارای اهمیت است (کد ۳).

جدول ۷-۲  
اولویت ارزشی مردان و زنان (کد ۳)

جنسیت	آبرو		سلامتی		درستکاری		پول و ثروت		مقام	
	مهم	تاحدی مهم	مهم	تاحدی مهم	مهم	تاحدی مهم	مهم	تاحدی مهم	مهم	تاحدی مهم
زن	۹۷/۶	۲	۹۷/۵	۳/۸	۹۵/۴	۶۱/۹	۲۳/۴	۵۴/۹	۲۶/۲	۵۴/۹
مرد	۹۷/۸	۲/۱	۹۷/۸	۳/۷	۹۵/۲	۶۶/۳	۲۷/۴	۵۴/۲	۲۲/۶	۵۴/۲

با توجه به نتایج جدول شماره (۶) مشخص می‌شود که زنان و مردان اهمیت یکسانی برای ارزش‌های اجتماعی فرامادی، چون: آبرو، سلامتی و درستکاری قایل هستند. پس از آن، مقوله‌هایی چون پول و ثروت و مقام قرار دارد. مقایسه زنان و مردان نشان می‌دهد که ترتیب ارزش‌ها برای هر دو گروه، یکسان است. مقایسه درصدها در زمینه مقوله‌هایی چون مقام، پول و ثروت نشان می‌دهد که زنان نسبت به مردان، مقام را مهم‌تر شمرده‌اند (۲۶/۲٪ در مقابل ۲۲/۶٪) در حالی که در صد بیشتری از مردان برای پول و ثروت، اهمیت بیشتری قایل شده‌اند.

در تحقیق نسل‌ها و ارزش‌ها، مقیاس بریت ویت و لا<sup>۱</sup> برای سنجش ارزش‌ها استفاده شده است (کد ۱۲). مقیاس بریت ویت و لا، ترکیبی از نظریه‌های گوناگون را در قالب دو جهت‌گیری اصلی یعنی امنیت و هماهنگی ارائه می‌دهد. این دو جهت‌گیری از یکدیگر مستقل بوده و بر پایه مفهوم‌سازی اولیه ارزش‌های ابزاری و غایی روکیچ قرار دارد (همان: ۲۵۲) در توضیح مقیاس آمده است که ارزش‌های اجتماعی، زمانی شکل می‌گیرد که جهت‌گیری اهداف به سمت اجتماع ملی یا جامعه جهانی باشد. وقتی که اهداف، متوجه فرد، خواسته‌ها و اهداف فردی باشد، ارزش‌های فردی شکل می‌گیرد. بررسی نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در زمینه جهت‌گیری اهداف به سمت اجتماع ملی، میانگین کسب شده از سوی زنان بیش از مردان است. این تفاوت‌ها وقتی با متغیر نسل کنترل می‌شود، نشان‌دهنده تفاوت معنادار میان زنان و مردان نسل سوم است. البته وقتی زنان و مردان دقیق‌تر با هم مقایسه شوند، مردان در ارزش‌هایی که به عرصه‌های جهانی و عمومی برمی‌گردد، امتیازهای بیشتری کسب کرده‌اند. برای مثال مواردی چون سودمندی ارتباطات جهانی و قدرت در محیط‌های رسمی بین مردان بیش از زنان، تأکید و پذیرش داشته است. در این مورد نیز بین مردان و زنان نسل سوم تفاوت معنادار وجود دارد (کد ۱۲).

در بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی، ارزش‌های خانواده‌گرایی، خانواده و ازدواج نیز توجه شده است. مطالعات ملی، بیانگر تغییر در نگرش زنان و مردان در خصوص

---

1. Braithwaite and Law

تصمیم گیرنده اصلی در خانواده است.

با توجه به نتایج جدول شماره (۸) در سال ۱۳۵۳، درصد قابل توجهی از زنان و مردان، پدر را تصمیم گیرنده اصلی می‌دانستند. در مقایسه زنان و مردان، زنان تا حدودی کمتر از مردان پدر را تصمیم گیرنده اصلی در خانه می‌دانند (کد ۱۳). نتایج در سال ۱۳۷۴، حاکی از آن است که زن و شوهر (۳۷٪) پدر (۳۵/۵٪) و تمام افراد (۱۷٪) تصمیم گیرنده اصلی مطرح شده‌اند که کاهش قدرت مرد در خانواده را نشان می‌دهد (کد ۸: ۹۸). پژوهش سال ۱۳۸۲ بیانگر توجه بیشتر به نقش هر دو است. البته نتایج بیانگر آن است که مردان بیش از زنان به این نقش توأمان باور دارند (کد ۱۳: ۱۸).

#### جدول ۸-۲

نظام تصمیم‌گیری در خانواده، بر حسب جنسیت، در سال‌های ۱۳۵۳، ۱۳۷۴ و ۱۳۸۲

۱۳۸۲		۱۳۷۴		۱۳۵۳		تصمیم گیرنده
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	
۱۶/۴	۳۲/۳			۶۵	۷۹	پدر
۶/۲	۳/۹			۱۶	۶	مادر
۸/۵	۱۰/۳					پدر و مادر با هم
۲/۵	۲/۱					پسر ارشد
۷	۱					دختر ارشد
۲۳/۷	۷/۷	۳۴/۳	۳۶/۸			شوهر
۴/۶	۱	۹/۱	۴/۴			زن
۲۳/۴	۱۹	۳۷/۲	۳۶/۹			زن و شوهر با هم
۱۴/۱	۲۳/۵	۱۵/۷	۱۸/۴	۲۱	۱۶	همه اعضا (تمام افراد بزرگ)
		۲	۲/۴	۲	۱	سایر افراد (دیگر)
		۱/۷	۱/۲			نامشخص

sig = ۰/۰۰۰       $N^2 = ۳۵/۳۰^۲ X$       ۱۳۷۴

sig = ۰/۰۰       $V = ۰/۳۱۳$       ۱۳۸۲

در زمینه الگوی تقسیم کار در خانواده نیز تغییر در نگرش، دیده می‌شود. زنان بیش از مردان معتقد به کارکردن زنان بیرون از خانه هستند. مقایسه نتایج تحقیقات در سال‌های متفاوت، حاکی از آن است که در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ باور به کار کردن زنان بیرون از خانه در میان زنان و مردان افزایش یافته است و فاصله باورهای زنان و مردان نیز کمتر شده است (کد ۱۳).

در برخی از تحقیقات، بحث هویت و رابطه آن با جنسیت نیز بررسی شده است. در بررسی انواع هویت، سنتی، انقلابی، مدرن، ملی و دینی، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در زمینه هویت سنتی، تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد. درباره هویت انقلابی، میانگین برای مردان بیش از زنان بود و این اختلاف معنادار است. در ضمن، مردان، میانگین بیشتری نسبت به زنان در هویت مدرن کسب کرده‌اند، اما تفاوت، معنادار نیست. در مجموع زنان و مردان نسل سومی در مقایسه با زنان و مردان نسل اول و دوم، خود را کاملاً مدرن می‌دانند.

در خصوص هویت ملی، میانگین به دست آمده برای مردان نسل اول و دوم بیش از زنان نسل اول و دوم است، اما این تفاوت معنادار نیست. در مقایسه بین نسل‌ها، زنان و مردان جوان هویت ملی کمتری دارند. در مقایسه زنان و مردان مشخص می‌شود که تفاوت بین زنان و مردان نسل سوم، معنادار است. در واقع زنان نسل سوم بیش از مردان نسل سوم به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند و عشق می‌ورزند (کد ۱۲).

#### جدول ۹-۲

تحلیل واریانس شاخص هویت ملی، برحسب جنسیت، بین سه نسل (کد ۱۲)

Sig	مرد	زن	نسل
۰/۱۰۱	۷/۹۱	۷/۵۱	اول
۰/۲۵۲	۷/۸۱	۷/۵۸	دوم
۰/۰۱۳	۶/۷۸	۷/۱۲	سوم
۰/۱۷۸	۷/۱۵	۷/۳۰	جمع کل



فصل دوم: جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها ■ ۸۹

در زمینه هویت دینی، بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد (کد ۱۲). مطالعه وضعیت، نگرش و مسائل جوانان ایرانی، نشان می‌دهد که دختران در زمینه هویت دینی و ملی وضعیت بهتری نسبت به پسران، دارند (کد ۹).

### جنسیت و ارزش‌های اقتصادی

در تحقیقاتی که ارزش‌های اقتصادی بررسی شد، ارزش‌های اقتصادی را با مقوله‌هایی چون: استقلال مالی، تأمین معاش، جمع‌آوری پول و ثروت، سود، استقلال مالی و رفاه زندگی سنجیده‌اند. در بیشتر مطالعه‌ها، میانگین ارزش‌های اقتصادی برای مردان بیش از زنان است. میانگین ارزش اقتصادی دختران ۲۲/۶۱ و میانگین نمره پسران ۲۴/۵۸ است؛ یعنی ارزش اقتصادی بین دختران ۱/۹۷ صدم کمتر از ارزش اقتصادی پسران است. به عبارتی، پسران نسبت به دختران اهمیت بیشتری برای ارزش‌های اقتصادی قایل هستند. در این مورد، تفاوتی بین شهری و روستایی بودن وجود ندارد (کد ۱).

#### جدول ۱۰ - ۲

#### آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های اقتصادی (کد ۴)

Sig	df	t	تفاوت‌های جفتی				ارزش‌های اقتصادی	
			فاصله اطمینان ۹۵٪		خطای معیار	انحراف معیار		میانگین
			بالا	پایین				
۰/۰۹	۲۸۸	۱/۷۱	-۰/۷۷	-۲/۸۵	۰/۳۸	-	۰/۶۴	پسران و دختران
۰/۰۰۴	۲۸۹	۲/۹۲	۰/۹۹	۰/۱۹	۰/۲۰	۳/۴۶	۰/۵۹	پدران و مادران

جدول شماره ۱۰ نتایج آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های اقتصادی را بین پسران و دختران، و پدران و مادران، نشان می‌دهد. نتایج چنین است که بین پسران و دختران تفاوت شاخص ارزش‌های اقتصادی معنادار نیست. میانگین ارزش اقتصادی برای پسران ۲۰/۲۶ و برای دختران ۱۹/۶۱ است. با وجود بعضی تفاوت‌ها، این تفاوت بین میانگین دو گروه، حاصل عوامل تصادفی است. تفاوت گروه‌های پدران و مادران در میانگین ارزش

## ۹۰ ■ جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها

اقتصادی معنادار است و می‌توان نتیجه گرفت که پدران و مادران پایگاه ارزشی - اقتصادی متفاوتی دارند.

بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی در تحلیل ثانویه ارزش‌های اجتماعی که با استفاده از آمار تحقیق انجام شده در سال ۷۳ با نام بررسی آگاهی، نگرش‌ها و رفتار اجتماعی فرهنگی در ایران انجام شده است، نشان می‌دهد که درصد بیشتری از مردان نسبت به زنان به پول و ثروت اهمیت می‌دهند (کد ۳).

مطالعات انجام شده بین دانشجویان نتایج متفاوتی نشان می‌دهد. تحقیق انجام شده بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران، نشان می‌دهد که در زمینه ارزش‌های اقتصادی، اولویت بیشتری به ارزش‌هایی چون استقلال مالی و تأمین معیشت می‌دهند؛ در حالی که ارزش‌هایی چون جمع‌آوری پول و ثروت و سود، به هر وسیله، آخرین اولویت آنان را تشکیل می‌دهد که این نشانه توجه دانشجویان به این‌گونه ارزش‌ها در حد تأمین نیازهای آنان است. در این زمینه تفاوت معناداری بین دختران و پسران مشاهده نشده است (کد ۶).

### جدول ۱۱ - ۲

آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های اقتصادی، بر حسب جنسیت (کد ۲)

Sig	t	مرد		زن		جنسیت
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۱	۹/۶۳	۶/۵۸	۳۸/۹۰	۶/۰۳	۳۶/۸۴	ارزش‌های اقتصادی

جدول شماره (۱۱) نتایج تحقیق دیگری را نشان می‌دهد که ارزش‌های دانشجویان علوم پزشکی را بررسی کرده است. نتایج بیانگر وجود تفاوت معنادار در ارزش‌های اقتصادی، بین دانشجویان دختر و پسر است (کد ۲). بر اساس نتایج این پژوهش، دانشجویان پسر، اهمیت بیشتری برای ارزش‌های اقتصادی، قایل‌اند. بررسی رضایت از اوضاع مالی، در شناخت نگرش زنان و مردان به ما یاری می‌دهد.

فصل دوم: جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها ■ ۹۱

مقایسه نتایج به دست آمده از طرح‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (جدول ۱۲) رضایت مالی زنان را بیش از مردان نشان می‌دهد (کد ۱۳ و کد ۸).

جدول ۱۲ - ۲

رضایت از اوضاع مالی، بر اساس جنسیت، در سال‌های مختلف (کد ۱۳)

۱۳۸۲		۱۳۷۹		۱۳۵۳		سال
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	
۱۶	۲۲/۶	۱۰/۳	۱۳/۲	۲۰	۲۰	ناراضی
۳۵	۳۷/۶	۴۵/۶	۴۵/۱	۵۲	۵۶	تاحدی راضی
۴۹	۳۹/۸	۴۳/۵	۴۱/۶	۲۷	۲۳	راضی

۱۳۷۹ sig = ۰/۰۰۰ X2 = ۶/۹۰

۱۳۸۲ sig = ۰/۰۰۰ X2 = ۴۹/۳۹۲ V = ۰/۱۰۴

این امر بدان معنا نیست که زنان توجهی به مسائل اقتصادی نداشته باشند. برای مثال: در تحقیق ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، بررسی جواب‌ها به پرسش: «به نظر شما هر یک از مشکلاتی که اشاره می‌کنم، تا چه اندازه در جامعه، جدی و مهم است؟» نشان می‌دهد که گرانی و بیکاری، مهم‌ترین پدیده جامعه از نظر زنان و مردان بوده است. ۹۳/۷٪ زنان و ۹۲/۶٪ مردان گرانی و ۹۳/۱٪ زنان و ۹۴/۵٪ مردان، بیکاری را مهم‌ترین مسئله جامعه دانسته‌اند (کد ۱۱).

با بررسی پژوهش آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، درمی‌یابیم که اهمیت پول‌گرایی در جامعه، میان مردان اندکی بیش از زنان است. بررسی پاسخ‌ها به سؤال «تا چه حد موافقید که این روزها همه دنبال پولند؟» مردان ۶/۸٪ مخالف و ۷۸/۶٪ موافق و میان زنان ۸/۵٪ مخالف و ۷۶٪ موافق بوده‌اند. اما تفاوت‌ها آن‌قدر نیست که رابطه آماری معنادار باشد (کد ۸: ۳۱۷). در خصوص نگرش درباره میزان موفقیت ثروتمندان نیز نتایج بیانگر آن است که مردان بیش از زنان این نظر را تأیید می‌کنند، اما بر اساس آزمون آماری، رابطه میان این دو متغیر نیز معنادار نیست (همان: ۳۱۹).

### جنسیت و ارزش‌های سیاسی

نتیجه بررسی ارزش‌های سیاسی و جنسیت، یکسان نیست. در تحقیقاتی که درباره جوانان و دانش‌آموزان مطالعه کرده‌اند، به تفاوت معنادار بین ارزش‌های سیاسی دختران و پسران اشاره شده است، اما این تفاوت‌ها در یک جهت نبوده است.

تفاوت پسران و دختران در زمینه ارزش‌های سیاسی، معنادار است. میانگین ارزش‌های سیاسی برای دختران بیش از پسران است، ۱۶/۹۸ در مقابل ۱۵/۷۶ (کد ۴). درباره ارزش‌های سیاسی بین پدران و مادران اختلاف معناداری مشاهده نشده است، که این امر گویای پایگاه ارزشی به نسبت مشابه پدران و مادران، در زمینه ارزش‌های سیاسی است (جدول ۱۳).

جدول ۱۳ - ۲

آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های سیاسی (کد ۴)

Sig	df	t	تفاوت‌های جفتی				ارزش‌های سیاسی	
			فاصله اطمینان ۹۵٪		خطای معیار	انحراف معیار		میانگین
			پایین	بالا				
۰/۰۰۳	۲۸۸	۳/۰۳	-۰/۴۳	-۲	۰/۴		-۱/۲۱	پسران و دختران
۰/۵۶	۲۸۹	۰/۵۸	۱/۶۲	-۰/۸۸	۰/۶۳	۱۰/۷۹	۰/۳۷	پدران و مادران

با مقایسه پسران و والدین، در زمینه ارزش‌های سیاسی، تفاوت معناداری بین آنان وجود دارد. در حقیقت، پسران دارای ارزش‌های سیاسی متفاوت از والدینشان هستند. دختران، در خصوص ارزش‌های سیاسی، جهت‌گیری متفاوتی از مادران خود دارند (کد ۴). میانگین ارزش‌های سیاسی برای پدران ۱۸/۱۳، برای مادران ۱۷/۷۶، برای دختران ۱۶/۹۸ و برای پسران ۱۵/۷۶ است. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که دختران در زمینه ارزش‌های سیاسی، وضعیت بهتری دارند و همچنین جهت‌گیری آنان به والدینشان نزدیک‌تر است (همان). در خصوص وضعیت، نگرش و مسائل جوانان ایران نیز نگرش دختران به انقلاب اسلامی و حاکمیت، بهتر است (کد ۹).

فصل دوم: جنیست، ارزش‌ها و نگرش‌ها ■ ۹۳

در تحقیق دیگری که درباره جوانان مطالعه کرده، گرچه تفاوت در ارزش‌های سیاسی دختران و پسران تأیید شده، اما نتیجه با تحقیقات دیگر، متفاوت است. در این تحقیق، میانگین کسب شده از سوی دختران، کمتر از پسران است. تفاوت میانگین دختران با پسران برابر ۱/۸۶ است. اما این تفاوت، معنادار نیست (کد ۱).

با مطالعه دانشجویان دانشگاه‌های تهران، درمی‌یابیم که در زمینه ارزش‌های سیاسی، توجه به ارزش‌هایی چون: امنیت جهانی، مالی و آزادی بیان، عمل و اندیشه بیشتر از، نیروی دفاعی قوی و مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانگان است و از سوی دیگر، در حالی که ارزش‌های: حق انتقاد و اعتراض به دولت، اولویت‌های سوم و چهارم را اشغال می‌نماید و ارزش‌های مردم‌سالاری و شرکت در انتخابات ملی، در پایین جدول قرار دارد. میانگین‌ها در سطح ارزش‌های سیاسی، تفاوت معنادار بین زنان و مردان نشان می‌دهد. دختران اهمیت بیشتری برای ارزش‌های سیاسی قایل‌اند که نشانه علاقه به افزایش مشارکت در عرصه‌های سیاسی است (کد ۶).

نتایج تحقیق دیگری که بین دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی انجام شد (کد ۲) نتایج بیانگر آن است که میانگین ارزش‌های سیاسی برای پسران، برابر ۴۱/۱۰ و برای دختران برابر ۳۹/۲۵ است. تفاوت مشاهده شده بین دو گروه معنادار است ( $\text{sig} = ۰/۰۰۱$ ،  $t = ۶/۰۶$ ). تفاوت نتیجه تحقیقات دانشجویان، نشان از نتیجه تفاوت جامعه آماری مورد مطالعه دارد.

مطالعات انجام شده در سطح ملی که درباره نگرش‌های زنان و مردان است نشان می‌دهد که در زمینه نگرش‌های سیاسی (اهمیت رأی و نظر مردم برای حکومت، میزان آزادی فعالیت احزاب و گروه‌های قانونی، باور به آزادی انتقاد از حکومت و اعتماد به نهادهای حکومتی) تفاوت چندانی بین زنان و مردان وجود ندارد (کد ۱۳: ۲۴ - ۲۳). در زمینه ترجیحات سیاسی نیز تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد. هر دو گروه امنیت و رفاه را مهم‌ترین مسائل کشوری دانسته‌اند (کد ۱۱).

در زمینه آگاهی سیاسی، تعداد نمایندگان شهر در مجلس و مدت ریاست جمهوری در

ایران، نتایج بیانگر آگاهی بیشتر مردان درباره مسائل سیاسی است. البته درباره آگاهی از تعداد نمایندگان شهر، تفاوت مشاهده شده معنادار نیست، اما در زمینه طول مدت ریاست جمهوری، نتایج، نشان می‌دهد که میزان اطلاعات مردان در این مورد بالاتر از زنان است (کد ۸: ۴۷۱).

در مجموع، ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی بین زنان و مردان جوان، دانش‌آموزان و دانشجویان، تفاوت معناداری دارد. اما این تفاوت در تحقیقات یکسان نیست. در برخی از تحقیقات، زنان و در بعضی دیگر، مردان اهمیت بیشتری برای ارزش‌های سیاسی قایل شده‌اند. نتیجه تحقیقات، در سطح ملی که نمونه‌ای نامتجانس است، تفاوتی دیده نمی‌شود و یا تفاوت ناچیز است.

### جنسیت و سلسله مراتب ارزشی

درباره جنسیت و سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان در سطح مقایسه، تفاوت نسبی بین دو جنس وجود دارد (جدول ۱۴). دختران و پسران، در اولویت اول و دوم «ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی» مشابه‌اند. اما در اولویت سوم و چهارم، متفاوت هستند. در حالی که اولویت سوم و چهارم دختران، به ترتیب ارزش‌های سیاسی و اقتصادی است و اولویت پسران به ارزش‌های اقتصادی و سیاسی مرتبط است. این امر تا حدودی به تفاوت نقش‌های جنسیتی و انتظارات جامعه از هر یک از این دو گروه، باز می‌گردد (کد ۶).

#### جدول ۱۴ - ۲

#### سلسله مراتب ارزش‌ها، بر اساس جنسیت (کد ۶)

پسران		دختران		اولویت
میانگین	سلسله مراتب ارزشی	میانگین	سلسله مراتب ارزشی	
۴/۵۴	ارزش‌های اجتماعی	۴/۶۳	ارزش‌های اجتماعی	اولویت اول
۴/۳۹	ارزش‌های فرهنگی	۴/۴۴	ارزش‌های فرهنگی	اولویت دوم
۴/۲۶	ارزش‌های اقتصادی	۴/۲۹	ارزش‌های سیاسی	اولویت سوم
۴/۱۶	ارزش‌های سیاسی	۴/۲۲	ارزش‌های اقتصادی	اولویت چهارم

## فصل دوم: جنیست، ارزش‌ها و نگرش‌ها ■ ۹۵

اهمیت بیشتر ارزش‌های فرامادی برای دانشجویان دختر و پسر، نکته قابل توجهی است (کد ۶، کد ۱، کد ۱۵). سلسله مراتب ارزش‌ها بین دختران و پسران، به ترتیب عبارت است از: ارزش مذهبی اولویت اول، ارزش اجتماعی در رتبه دوم، ارزش علمی (نظری) در رتبه سوم، ارزش اقتصادی در رتبه چهارم، ارزش سیاسی در رتبه بعد از آن و ارزش هنری در آخرین اولویت قرار دارد (کد ۱).

زنان جوان نسبت به مردان جوان، سلسله مراتب ارزش‌های چهارگانه (دانش، تعهد، قدرت و ثروت) را بیشتر پذیرفته‌اند (کد ۱۴). به عبارتی، زنان، ارزش مدارتر از مردان هستند.

جدول شماره (۱۵) سلسله مراتب ارزشی دختران، پسران و والدین را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج جدول، ارزش‌های غیرمادی برای دختران، مادران و پدران اهمیت بیشتری دارد و برای پسران، ارزش اقتصادی (مادی) در اولویت است. سلسله مراتب ارزشی دختران با سلسله مراتب ارزشی مادران و پدران مشابهت بیشتری دارد. این امر نتیجه انتظاراتی جامع از دختران و پسران است. نتایج تحقیقاتی که بر اساس نظریه ساختار ارزشی شوارتز انجام یافته، نشان می‌دهد که زنان اولویت بیشتری برای ارزش‌ها قایل هستند. بر اساس نتایج این دسته از تحقیقات، زنان و مردان در اولویت‌های ارزشی متفاوت بودند (کد ۱۰، کد ۱۶).

### جدول ۱۵ - ۲

#### سلسله مراتب ارزش‌های فرزندان و والدین (کد ۴)

اولویت	دختران	پسران	مادران	پدران
اولویت اول	ارزش مذهبی	ارزش اقتصادی	ارزش مذهبی	ارزش مذهبی
اولویت دوم	ارزش نظری	ارزش نظری	ارزش نظری	ارزش نظری
اولویت سوم	ارزش هنری	ارزش هنری	ارزش اجتماعی	ارزش اقتصادی
اولویت چهارم	ارزش اقتصادی	ارزش مذهبی	ارزش اقتصادی	ارزش هنری
اولویت پنجم	ارزش اجتماعی	ارزش اجتماعی	ارزش هنری	ارزش اجتماعی
اولویت ششم	ارزش سیاسی	ارزش سیاسی	ارزش سیاسی	ارزش سیاسی

### جمع بندی

برای پاسخ به این پرسش که آیا براساس یافته‌های تحقیقات تجربی، در خصوص تأثیر جنسیت بر ارزش‌ها و نگرش‌ها ثباتی وجود دارد یا نه؟ از فراتحلیل استفاده شد.

بر اساس ادبیات نظری و تجربی، سه دسته نظریه در زمینه تفاوت‌های جنسیتی در اولویت‌های ارزشی می‌توان مطرح کرد. براساس نظریه‌های ثبات تفاوت‌ها که بر ذات‌گرایی یا رویکردهای یادگیری نقش‌ها، مبتنی است، عوامل ژنتیک یا یادگیری نقش‌های جنسیتی، علت تفاوت‌های جنسیتی در ارزش‌ها بود که در طول زندگی به نسبت ثابت می‌ماند.

نظریه‌هایی که معتقد به تفاوت‌های جنسیتی نیست، رویکردهای ساختارگرایی و کنش متقابل دارد و نظرشان بر این است که هیچ تفاوت جنسیتی واقعی در ارزش‌ها وجود ندارد؛ بلکه هر آنچه به عنوان تفاوت مطرح می‌شود، ساخته تعامل‌های اجتماعی است. رویکرد توافقی معتقد است که تفاوت‌های جنسیتی وابسته به وضع زندگی خواهد بود و زمانی مشخص می‌شود که به موقعیت فرد در ساخت اجتماعی توجه گردد.

مطالعه‌های استفاده شده در این بررسی، شامل مقاله‌ها، گزارش‌های علمی و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا است. اگر چه تعداد تحقیقات انجام شده در زمینه مطالعه ارزش‌ها در سال‌های اخیر، قابل توجه است، اما به طور کلی، در ۱۶ مطالعه رابطه بین جنسیت و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و یا مذهبی را بررسی کرده‌اند. در این بررسی، تأکید بر پژوهش‌هایی بود که از نظر روش شناختی، معیارهای قابل قبول داشت.

به جنسیت به مثابه یک متغیر تبیین‌کننده، در تحقیقات توجه نشده است و جنسیت بیشتر نقش یک متغیر زمینه‌ای دارد. در فراتحلیل این تحقیقات، زنان و مردان در زمینه پذیرش ارزش‌ها تفاوتی ندارند. تفاوت در میزان گرایش و پذیرش ارزش‌ها و در سلسله مراتب ارزشی است که می‌توان آن را نتیجه اوضاع اجتماعی و فرهنگی جامعه دانست. در واقع با تغییر اوضاع اجتماعی، در ارزش‌ها تغییرها و تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود.



بررسی ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد که در زمینه ارزش‌های فرهنگی، تفاوت زنان و مردان به حوزه ارزش‌های دینی برمی‌گردد، زنان بیش از مردان به ارزش‌های دینی پایبند هستند. در ارزش‌های نظری و علمی، تفاوت معناداری بین دو گروه وجود ندارد. البته تحقیقاتی که ارزش‌های علمی را بررسی کرده‌اند بیشتر بین دانشجویان و دانش‌آموزان انجام شده است. در نتیجه با در نظر گرفتن فرصت‌های یکسان، تفاوتی در زمینه ارزشی با توجه به جنسیت وجود ندارد. در زمینه ارزش‌های اقتصادی، مردان اهمیت بیشتری برای ارزش‌های اقتصادی قایل‌اند. البته رفاه و امنیت به یک اندازه برای زنان و مردان مهم بوده است و هر دو گروه گرانی را مهم‌ترین مشکل جامعه دانسته‌اند. نتایج ارزش‌های سیاسی، یکسان نیست. در برخی از تحقیقات، دختران و در برخی دیگر پسران، اهمیت بیشتری برای ارزش‌های سیاسی قایل هستند. این تفاوت، نتیجه ویژگی‌های دیگری چون: سن، سطح تحصیلات و منطقه زندگی است.

در خصوص کار زنان و تقسیم کار خانگی نیز باورها و نگرش‌ها تغییر یافته است. البته این تغییر هم برای زنان و هم برای مردان، مطرح است. نگرش مثبت به حضور زنان در جامعه بین هر دو گروه افزایش یافته است. این تغییر بین مردان قابل توجه بوده است. البته باید توجه داشت که این تغییر بیشتر در حوزه نظری اتفاق افتاده است. تغییرها در حوزه رفتار، نیاز به تحقیق و بررسی دارد.

مقایسه زنان و مردان در زمینه ارزش‌ها، نشان‌دهنده ثبات و تغییر در طول زمان است. برای مثال در زمینه اهمیت بیشتری که زنان و مردان برای ارزش‌های مذهبی قایل‌اند با نوعی ثبات در اولویت ارزشی مواجه هستیم. تفاوت زنان و مردان در زمینه ارزش‌های مذهبی و اقتصادی نتیجه اوضاع اجتماعی و جامعه‌پذیری آنان است. اما این به معنای ثبات تفاوت‌های جنسیتی در ارزش‌ها نیست. نتایج مطالعه‌ها بیانگر تغییر در طول زمان است. این تغییر در جهت نزدیک‌تر شدن نگرش مردان و زنان است.

تحقیقات ملی، تفاوتی بین زنان و مردان نشان نمی‌دهد یا تفاوت‌ها بسیار ناچیز بوده است. این مسئله برخلاف مسیری است که بررسی‌های خارجی نشان می‌دهد. در بررسی

تحقیقات خارجی، مشخص می‌شود که بعضی از تفاوت‌های جنسیتی، در نمونه‌های متجانس کمتر از نمونه‌های نامتجانس است. مطالعات انجام شده در ایران، نشان می‌دهد که تفاوت‌ها بیشتر بین دانش‌آموزان و دانشجویان دختر و پسر و یا به عبارت دیگر نسل سومی‌ها بوده است. در بررسی‌های ملی نیز وقتی نتایج با متغیر سن کنترل می‌شود بیانگر تفاوت‌ها بین زنان جوان‌تر است. به عبارتی در تحقیقات انجام شده با نمونه‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و بین زنان و مردان جوان، تفاوت‌ها در زمینه اولویت‌های ارزشی، معنادار است. اگرچه مطالعات، تفاوت‌هایی را در زمینه برخی ارزش‌ها بین زنان و مردان (آن‌هم زنان و مردان جوان) نشان می‌دهد، اما این تفاوت آن‌قدر نیست که بتوان از تفاوت‌های جنسیتی ثابت و یا شکاف جنسیتی صحبت کرد. وجود تفاوت‌های جنسیتی ثابت، مستلزم مشاهده تفاوت‌های جنسیتی بین تمام گروه‌های زنان و مردان است. نبود تفاوت‌های جنسیتی در زمینه‌های خاص، بیشتر با رویکرد کنش متقابل گرایان و رویکرد توافقی مطابقت دارد. حتی بین گروه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی نیز، نتایج نشان می‌دهد که در صورت برخورداری از فرصت‌های برابر، تفاوتی در زمینه ارزش‌ها بین دو گروه وجود ندارد. در واقع تفاوت‌ها را می‌توان از سویی نتیجه دوره زندگی، اوضاع سیاسی اجتماعی و مسئله نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی دانست.

## **فصل سوم**

بررسی نگرش جنسیتی زنان



## بررسی نگرش جنسیتی زنان

با دگرگونی‌ها و تحولاتی که اکنون در موقعیت زنان در عرصه‌های گوناگون تحصیلی، کار، امکانات شغلی و... رخ داده است، اعتقاد و ایمان زنان روز به روز استوارتر و راسخ‌تر می‌گردد به این اصل که سرنوشت و آینده انسان‌ها محکوم تفاوت‌های مرد یا زن بودن نیست.

امروزه دیگر نمی‌توان از زنان انتظار داشت که باور کنند عوامل بیولوژیکی و تفاوت‌های جسمانی، سرنوشت و تقدیر افراد را تعیین می‌کند، بلکه اعتقاد راسخ آن است که هر فرد بنابر استعدادها و توانایی‌ها، سرنوشت خود را بسازد و افراد بشر با هم متفاوت‌اند و زن بودن تنها یکی از این تفاوت‌ها است. از سوی دیگر، امروزه دیگر مردم هیچ جامعه‌ای نمی‌توانند بیشترین بهره‌وری از نیروی کار را (که زنان نیمی از آن را تشکیل می‌دهند) نادیده بگیرند. حتی امروزه گاه فقدان این عنصر خلاق اجتماع (زن) که از حضور و خلاقیتش بهره‌چندانی گرفته نشده است به خوبی هویدا است. تصویری که زن در جامعه امروز دارد، هنوز همان تصویری است که از گذشته‌های دور از سوی مردان، به وجود آمده است، نه اینکه به‌وسیله مردان و زنان به‌طور مشترک و برای هدف‌های مشترک ایجاد گردد.

در دوران جامعه پدرسالاری (که در هر جامعه نمود خاصی داشته است) زنان سرکوب شده و حتی زیان‌آور تلقی می‌شدند. در این دوران شاهد سلطه‌جویی، برتری و کنترل زنان از سوی مردان در بیشتر تصمیم‌های اجتماعی هستیم. تمام سازمان‌ها، فناوری، تجزیه و تحلیل‌ها و برنامه‌های این دوران، با تکیه بر یک جنس و بدون در نظر گرفتن جنس دوم طراحی شده‌اند (ویلیامسون، ۱۳۷۷). اما در دوره‌های بعد و در پایان هزاره خانواده پدرسالار، سنگ بنای پدرسالاری به واسطه فرایندهای جدایی‌ناپذیر و به هم بسته دگرگون شدن کار و آگاهی زنان، به چالش خوانده می‌شود. نیروهای محرک این فرایندها، عبارت است از: پیدایش اقتصاد اطلاعات جهانی، دگرگونی‌های تکنولوژیکی در تولیدمثل نوع بشر و سیل نیرومند مبارزه‌های زنان و نهضت چند بعدی فمینیسم. شرکت انبوه زنان در کارهای درآمدزا باعث افزایش قدرت چانه‌زنی آنان در برابر مردان شده و مشروعیت سلطه مردان را در مقام نان‌آور خانواده تضعیف کرده است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷۶).

به عقیده کاستلز، فرایندی که این دگرگونی را خلاصه و متمرکز می‌سازد، گسستن از خانواده پدرسالار است. تغییرها در سراسر دنیا، در این نظام آغاز شده است. علت مهمی که برای این منظور می‌توان اقامه کرد ترکیب ۴ عنصر: ۱. دگرگونی در اقتصاد و بازار کار که پیوند نزدیک با پیدایش فرصت‌های تحصیلی برای زنان دارد. ۲. دگرگونی تکنولوژیک در زیست‌شناسی، داروسازی. ۳. گسترش جنبش فمینیسم. ۴. انتشار سریع اندیشه‌ها در فرهنگ جهانی است. این عناصر منجر به آن شد که اندیشه‌های فمینیستی، برخلاف حضور بیش از یک قرن در دنیا، امروزه در زمان ما نمود بیشتری یافته و همانند آتشی شعله‌ور گردد. تأثیر نهضت‌های اجتماعی و به‌خصوص فمینیسم، بر روابط دو جنس، موج تکان‌دهنده نیرومندی ایجاد کرد که دگرگونی ساختار خانواده، هنجارهای جنسی و حتی دگرگون شدن شخصیت را در پی داشت (کاستلز، ۱۳۸۰).

فمینیسم رویکردی است که در چند دهه اخیر در محافل دانشگاهی و علمی جهان مطرح شده و مباحث بسیاری بر محور آن شکل گرفته و مخالفت‌ها و موافقت‌هایی را پدید آورده است؛ به جرأت می‌توان گفت که بسیاری از موافقت‌ها و مخالفت‌های مطرح شده،

### فصل سوم: بررسی نگرش جنسیتی زنان ■ ۱۰۳

آگاهانه و براساس درک درست این امر نیست. این مدعا دو دلیل دارد: یکی آنکه بین فمینیست‌های جهان نیز درباره اهداف، اصول و مبانی این مباحث، وفاق حاصل نشده است و دوم آنکه موافقت و مخالفت‌ها، بیشتر ناشی از انگیزه سیاسی و یا شخصی است و به مسائل و مباحث زنان فقط به مثابه یک امر اجتماعی - فرهنگی نگریسته می‌شود. در کنار این زمینه‌های متفاوت در طرح نظریه‌ها، مباحث حاشیه‌ای بسیاری هم وجود دارد که تحلیل مسائل فمینیستی را در سراسر دنیا با پیچیدگی‌های بیشتری مواجه می‌کند؛ موضوعاتی همچون جنس و جنسیت، کلیشه‌های جنسیتی، مباحث هویتی زنان، سنت و مدرنیسم و مسائل دیگری که از حوزه‌های علوم مختلف، وارد فمینیسم می‌شود.

اما نقطه شروع نظریه‌های فمینیستی برای طرح مباحث مربوط به زنان، تفاوت‌های جنسیتی و نابرابری و تبعیض‌های میان زن و مرد بوده است؛ به گونه‌ای که برخی از مؤثرترین خدماتی که به نظریه فمینیستی شد، با همین رهیافت صورت گرفته است. با جهانی شدن تبعیض علیه زنان و تلاش بیشتر نهضت‌های زنان برای کسب برابری و رواج عدالت در جامعه، تغییر نگرش در مباحث اجتماعی درباره مباحث زنان اتفاق افتاد؛ برای مثال به کارگیری مفهوم جنسیت به جای زن، بیانگر نگرش و رویکردی متفاوت از گذشته بر مسائل زنان است که محور بحث را کاوش مشکلات زنان در متن روابط اجتماعی میان زن و مرد جست‌وجو می‌کند. نظریه‌پردازان نیز با بهره‌گیری از همین دستاویزها، نظریه‌هایی طرح کردند که در اصل این نابرابری‌ها را مطرح کرده و هدف نهایی آن ایجاد تحولاتی در وضعیت زنان بود. فمینیست‌های لیبرال «تبعیض جنسی» مارکسیست‌ها «بررسی روابط در چارچوب نظام اجتماعی» نظریه‌های فمینیستی روانکاوانه «نظام پدرسالاری» فمینیسم رادیکال «ستمگری، خشونت‌های اجتماعی و جسمی» را نقطه آغاز بحث خود انتخاب کرده‌اند.

از سوی دیگر، نظام پدرسالاری، برخلاف تغییرهای عمده‌ای که تحت تأثیر مدرنیته در دنیا حاصل شده و منجر به تغییر بافت جامعه از سنتی به سوی مدرن گردیده است، هنوز هم نظام غالب بسیاری از جوامع است (کاستلز، ۱۳۸۰). البته نمی‌توان تأثیر مدرنیته را نادیده انگاشت. در کشورهای در حال توسعه و صنعتی جهان، کلیشه‌های جنسیتی در حال

تغییر است؛ در چنین وضعیتی جوهر فمینیسم به عقیده برخی نویسندگان عبارت است از باز تعریف هویت زنان: گاهی با تصدیق برابری زن و مرد و از این رو جنسیت‌زدایی از تفاوت‌های زیستی و فرهنگی است و در موارد دیگر، کاملاً برعکس با تصدیق خصوصیت‌های ذاتی زنان که غالباً با بیان برتری روش‌های زنان به مثابه منابع کمال انسانی و... مطرح می‌شود بنابراین، وجه مشترک بنیادی که زیربنای تنوع جنبش فمینیسم است، تلاش تاریخی، فردی و جمعی، رسمی و غیررسمی برای تعریف مجدد از زن بودن در تقابل مستقیم با پدرسالاری، خواهد بود اما نکته قابل تأمل در این میان آن است که مطالعه و طرح فمینیسم همچون دیگر نظریه‌ها، هنگامی دارای نتایج مؤثر خواهد بود که در زمینه‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی هر کشور صورت گیرد. امروزه دیگر نمی‌توان بدون توجه به وضع مختلف کشورها (توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و...) از مباحثی چون خواهری جهانی صحبت کرد. با بررسی جریان‌ها و جنبش‌های فمینیستی در کشورهای مختلف، متوجه می‌شویم که این جنبش‌ها بسیار ناهمگون و متنوع بوده است. این تنوع و دگرگونی به علت تفاوت‌های فرهنگی بین کشورها است، به گونه‌ای که در هر بخشی از جهان این نوع فعالیت‌ها صبغه خاصی دارد. طبیعتاً در ایران نیز به جهت تنوع و تفاوت‌هایی که در تجربه‌ها و شیوه‌های زندگی، فرهنگ و تمدن آن در مقایسه با دیگر کشورهای جهان وجود دارد، نمی‌توان به طور دقیق از نظرها و تجربه‌های دیگر کشورها برای تبیین وضعیت زنان و تحول و تغییر در دیدگاه‌ها، وضع و شیوه زندگی آنان استفاده نمود. به این ترتیب، شناخت نگرش و درک زنان با تفاوت‌های زن و مرد، اولین گام برای شناخت زمینه‌های فعالیت زنان محسوب می‌شود. شناخت نگرش‌های جنسیتی زنان در زمینه تفاوت‌های جنسیتی، تمایل این نگرش‌ها به سمت مدرن یا سنتی بودن و شناسایی عواملی که بر نگرش زنان اثرگذار است، سمت و سوی فعالیت‌های زنان در جامعه و زمینه‌های تغییر مسائل مربوط به آنان را، مشخص می‌کند.

با توجه به مباحث فوق، هدف اصلی در این بخش، شناخت نگرش زنان و تفاوت‌های جنسیتی در سه بُعد زیستی، اجتماعی و اقتصادی است.



## فصل سوم: بررسی نگرش جنسیتی زنان ■ ۱۰۵

اهداف جزئی تر به صورت اجمالی به شرح ذیل خواهد بود:

۱. بررسی حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی با نگرش جنسیتی آنان
۲. بررسی فعالیت‌های فرهنگی زنان (استفاده از رسانه‌ها) با نگرش جنسیتی آنان
۳. بررسی رابطه ویژگی‌های فردی زنان و نگرش جنسیتی آنان
۴. بررسی رابطه منزلت خانوادگی زنان و نگرش جنسیتی آنان
۵. بررسی رابطه بین پایبندی مذهبی زنان و نگرش جنسیتی آنان

### روش تحقیق

برای بررسی نگرش زنان، روش پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل تمام زنان و دختران بالای ۱۸ سال ساکن شهر تهران است که از بین ساکنین ۵ منطقه در ۵ ناحیه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز، با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند انتخاب گردید. حجم نمونه تحقیق ۴۲۰ نفر است که بر اساس فرمول کوکران و جدول حجم نمونه برحسب خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد با ضریب خطای ۰/۰۵ (دواس، ۱۳۷۶: ۷۸) و با احتساب درصد افت پرسش‌نامه‌ها برآورد شد.

### متغیرهای تحقیق

#### متغیرهای مستقل

این متغیرها شامل: سن، وضعیت تأهل، درآمد، منطقه مسکونی، وضعیت اشتغال، تحصیلات، حضور در فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی، فعالیت‌های فرهنگی و پایبندی مذهبی می‌باشد.

**حضور در فعالیت‌های اجتماعی:** منظور از حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی، انجام دادن فعالیت‌هایی است که به نوعی زنان را با جامعه مرتبط ساخته و زمینه بهره‌برداری از امکانات اجتماعی را برای آنان مهیا می‌سازد. در این مورد حضور یا حضور نیافتن زنان در فعالیت‌های داوطلبانه، همچون احزاب، باشگاه‌های ورزشی، انجمن‌های علمی و ادبی،

هیئت‌های مذهبی و شوراها سؤال شد.

**پایبندی مذهبی:** پایبندی مذهبی یا دینداری را در دو سطح اعتقادی و رفتاری می‌توان سنجید (هرچند در تحقیقات متفاوت، سطوح دیگری هم برای سنجش این متغیر در نظر گرفته‌اند). در پژوهش حاضر، دینداری افراد در سطح رفتاری سنجیده شده است با این پیش‌فرض که اعمال افراد ناشی از اعتقاد آنها به این امور است، در طرح موارد ابتدا از واجبات و مستحبات و میزان انجام آن، پرسش شده است.

### متغیر وابسته

#### نگرش (زیستی، اجتماعی و اقتصادی)

نگرش در سه بعد زیستی، اجتماعی و اقتصادی بررسی شده است. برای هر یک از ابعاد مذکور، به طور جداگانه، شاخص‌هایی در نظر گرفته شد. این شاخص‌ها عمدتاً برگرفته از نظریه‌های فمینیستی بود. سپس براساس شاخص‌ها گویه‌هایی تنظیم شد.

برای سنجش نگرش زنان در زمینه تفاوت‌های زیستی، ابتدا ۱۵ گویه طراحی گردید. پس از انجام دادن آزمایش اولیه و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای روایی تحقیق، سه گویه از میان آنها حذف شد و در نهایت ۱۲ گویه ذیل برای این منظور انتخاب گردید:

۱. مردان باهوش‌تر از زنان هستند.
۲. زنان آزارنده و اعصاب‌خردکن هستند.
۳. مردان بیش از زنان به پزشک مراجعه می‌کنند.
۴. بعضی معتقدند زنان موجوداتی کم عقل‌اند.
۵. بعضی معتقدند زنان تندخو هستند.
۶. زنان و مردان توانایی اخلاقی، جسمی و روحی یکسانی دارند.
۷. زنان بیش از مردان بیمار می‌شوند.
۸. مردان از نظر بدنی ویژگی‌هایی دارند که کارهای سخت را می‌توانند انجام دهند.
۹. مردان و زنان از نظر هوشی تفاوتی با یکدیگر ندارند.

## فصل سوم: بررسی نگرش جنسیتی زنان ■ ۱۰۷

۱۰. مردان پرخاشگری بیشتری نسبت به زنان دارند.
  ۱۱. زنان ذاتاً برای مادری کردن و مراقبت از دیگران آفریده شده‌اند.
  ۱۲. زنان فاقد اعتماد به نفس هستند.
- در طرح این گویه‌ها، کوشیدیم که هم کلیشه‌های سنتی و هم دیدگاه‌هایی که نظریه‌ها در صدد بسط آن است، مدّ نظر قرار گیرد؛ همچنین در بُعد زیستی نیز به مسائل جسمی، روحی و... توجه شود.
- در بُعد اجتماعی و اقتصادی نیز به ترتیب ۲۵ و ۱۵ گویه در نظر گرفتیم که پس از تعیین ضرایب آلفای کرونباخ، در نهایت ۲۴ گویه اجتماعی و ۱۵ گویه اقتصادی برای پرسش‌نامه در نظر گرفته شد.
- گویه‌های اجتماعی انتخاب شده به ترتیب، عبارت است از:
۱. حضور زن در نقش مادر، عامل مهمی برای پرورش کودکان سالم و به دور ماندن آنها از بزهکاری است.
  ۲. رانندگی مهارتی مردانه است نه زنانه.
  ۳. خیاطی مهارتی زنانه است.
  ۴. زنان وظیفه دارند برای خارج شدن از خانه از همسرانشان اجازه بگیرند.
  ۵. این اصلاً خوب نیست که مرد در خانه بماند و زن برای کار، بیرون از خانه برود.
  ۶. مردان هم می‌توانند در مراقبت از کودکان در خانه سهیم باشند.
  ۷. بین دختر و پسر در آموزش و تربیت نباید تفاوتی وجود داشته باشد.
  ۸. زنان بهتر است به کارهای خانه، مثل: آشپزی، گردگیری، ظرف‌شویی و... مشغول باشند.
  ۹. مردان باید در خانه به کارهایی مثل: تعمیر وسایل خانه، رسیدگی به مسائل آب و برق و... مشغول باشند.
  ۱۰. بچه‌دار شدن زنان، مانعی بزرگ در مقابل حضور آنها در اجتماع است.
  ۱۱. زن و مرد به علت استعدادها و علایق متفاوت باید درس‌های متفاوتی در مدرسه یاد بگیرند.

۱۲. بهتر است دختران در باشگاه‌ها ورزش‌های سبک انجام دهند.
  ۱۳. آموزش‌های رزمی برای پسران مناسب‌تر از دختران است.
  ۱۴. آموزش زنان امری ناپسند است. زیرا موجب کم شدن میزان زاد و ولد آنها می‌شود.
  ۱۵. ورود زنان به دانشگاه، باعث رشد آگاهی زنان می‌شود.
  ۱۶. ورود زنان به دانشگاه، مشکلاتی را در زندگی به وجود می‌آورد.
  ۱۷. زن و مرد باید نقش‌های یکسانی در مورد مراقبت و تربیت فرزندان داشته باشند.
  ۱۸. پسران در رشته‌های تحصیلی فنی و مهندسی و مشابه آن، بهتر از دختران عمل می‌کنند.
  ۱۹. دختران در رشته‌های تحصیلی ادبیات و پزشکی، بهتر از مردان عمل می‌کنند.
  ۲۰. نگهداری مادر از کودک، موجب می‌شود مادر از رشد توانایی‌ها و شخصیت خود ناتوان بماند.
  ۲۱. بسیاری از زنان خانه‌دار در وضعی به سر می‌برند که به معنای محرومیت اجتماعی شدید است.
  ۲۲. زنان در رأی دادن تابع شوهران و پدرانشان هستند.
  ۲۳. بیماری کودکان و کسالت خانواده به علت سهل‌انگاری زنان است.
  ۲۴. زنان برای آنکه پیشرفت کنند باید توانایی ذهنی خود را افزایش دهند.
- گویه‌های اقتصادی مورد نظر، به ترتیب ذیل است:
۱. اشتغال زن، یک معضل برای خانواده‌هاست.
  ۲. اشتغال در وظیفه طبیعی تولیدمثلی زنان اختلال ایجاد می‌کند.
  ۳. زن و مرد هر دو با هم موظف به تأمین مخارج خانواده هستند.
  ۴. قوانین اشتغال باید طوری تنظیم شود که دستمزدها و حقوق زن و مرد در آن به طور برابر تنظیم شود.
  ۵. زن و مرد دارای توانایی‌های یکسانی هستند. بنابراین نباید در انتخاب شغل، محدودیتی برای آنها وجود داشته باشد.

## فصل سوم: بررسی نگرش جنسیتی زنان ■ ۱۰۹

۶. مردان چون باید معاش خانواده را تأمین کنند، باید دستمزد بیشتری داشته باشند.
۷. مشاغل مثل معلمی یا خیاطی و پرستاری برای زنان مناسب‌تر است.
۸. در جامعه امروز که مشکلات مردان بیشتر شده است، زنان باید به وضع جسمی و روحی مردان برسند.
۹. زن و مرد باید نقش‌های یکسانی در تصمیم‌گیری مخارج خانه داشته باشند.
۱۰. اشتغال زنان، تهدیدی برای اشتغال مردان است، که باید محدود شود.
۱۱. زنان وظیفه‌ای در تأمین درآمد خانواده ندارند.
۱۲. زنان در اداره‌ها به شغل و حقوقی که استحقاق آن را دارند، نمی‌رسند.
۱۳. مدیریت در اداره‌ها نقشی مردانه است.
۱۴. مردان مدیران بهتری هستند.
۱۵. زنان نباید وارد رقابت برای به دست آوردن کارهای مردانه شوند.

در بخش نگرش، موارد دیگری نیز بررسی شده است. برای مثال، برای سنجش نگرش زنان درباره لذت بردن از زندگی، دو سؤال ذیل طرح شد:

– به نظر شما زن‌ها بیشتر از زندگی لذت می‌برند یا مردها؟

– اگر امکان داشت دوباره به دنیا بیایید، ترجیح می‌دادید زن بودید یا مرد؟

### شیوه امتیاز دادن به گویه‌ها

از آنجا که در سنجش نگرش‌ها از روش لیکرت استفاده شد؛ از این رو در کدگذاری و نمره‌دهی به گویه‌ها نیز از روش مرسوم در طیف لیکرت بهره گرفته‌ایم. بدین ترتیب در گویه‌هایی که موافق با برابری جنسیتی است، پاسخ کاملاً موافق بالاترین نمره را گرفته است و در مقابل، گویه‌هایی که بیانگر نابرابری جنسیتی و کلیشه‌های رایج در جامعه است و عمدتاً در هر سه بُعد منجر به محدودیت زنان می‌شود، به پاسخ «کاملاً موافقم» کمترین و «کاملاً مخالفم» بیشترین نمره تعلق گرفته است. بنابراین هرچه مجموع میانگین‌های به دست آمده در طیف بیشتر باشد، نشان می‌دهد که زنان دیدگاه و نگرش جنسیتی در جامعه

دارند و نابرابری خود با مردان را کاملاً قبول دارند. در مقابل، پایین بودن میانگین نشان‌دهنده توجه نداشتن زنان به این تفاوت‌ها است.

### یافته‌های تحقیق

#### سیمای نمونه

جامعه آماری مطالعه شده ۴۲۰ نفر بود و زنان ۱۸ ساله و بالاتر تهرانی را شامل می‌شود. نمونه بررسی، حداقل سن ۱۸ سال و حداکثر سن ۶۸ سال است. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۰ سال و میانه آن ۲۸ سال است. به عبارتی حدود نیمی از جامعه آماری کمتر از ۲۸ سال و نیمی دیگر بیش از ۲۸ سال داشته‌اند. جوان بودن جمعیت نمونه از سویی نتیجه جوان بودن جمعیت کشور و از سوی دیگر، تمرکز تحقیق بر نسل سومی‌ها بوده است.

۴۰/۷ درصد جامعه آماری مجرد و بقیه حداقل یک بار ازدواج کرده‌اند و در حال حاضر همسر دار و یا بدون همسر بر اثر فوت و یا طلاق بوده‌اند.

بخش عمده جامعه آماری (۶۰٪) تحصیلاتی در سطح دیپلم دارند. ۲۸/۶ درصد سطح تحصیلاتشان کاردانی و کارشناسی بوده است. میزان بی‌سوادی ۲/۴ درصد است.

در مجموع ۲۸/۵ درصد پاسخ‌گویان شاغل بودند و بیشترین سهم بین شاغلان مربوط به کارمندان بوده است. بیش از ۵۰ درصد زنان نمونه، خانه‌دار هستند.

درصد قابل توجهی از زنان خانه‌دار، در پاسخ‌نامه‌ها خود را شاغل معرفی کردند و شغلشان را خانه‌داری ذکر کرده‌اند. ۱۰/۶ درصد پاسخ‌گویان دانشجو هستند.

بین متأهل‌ها، ۱۶/۹ درصد (۴۲ نفر) بدون فرزند هستند، ۵۰/۶ درصد یک یا دو فرزند دارند. ۲۶/۱ درصد ۳ یا ۴ فرزند و ۶/۴ درصد نیز ۴ فرزند و بیشتر دارند.

### زنان و فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی

حضور در فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی، از عواملی است که در آشنایی زنان با تغییرات

### فصل سوم: بررسی نگرش جنسیتی زنان ■ ۱۱۱

محیط اجتماعی و تغییر در نگرش‌های آنان مؤثر است. بسیاری از این فعالیت‌ها، به خصوص فعالیت‌هایی که نیازمند آشنایی نسبی آنها با ساختارهای اجتماعی است، سبب بروز دیدگاه‌های جدیدی در زنان می‌شود که در زندگی فردی و اجتماعی آنان بسیار اثرگذار است. بر این اساس از پاسخ‌گویان درباره حضور آنان در برخی فعالیت‌های داوطلبانه خارج از خانه سؤال شد.

به طوری که در جدول مشاهده می‌شود، حضور زنان در بیشتر فعالیت‌هایی که نام بردیم، درصد بسیار پایینی دارد و بیشتر آنان در این فعالیت‌ها حضور ندارند. باشگاه‌های ورزشی (۱۶/۲)، هیئت‌های مذهبی (۱۳/۶) و انجمن‌های خانه و مدرسه (۱۰/۵) شامل بخش‌هایی است که حضور زنان در آن بیشتر است.

#### جدول ۱-۳

##### توزیع پاسخ‌گویان برحسب حضور در فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی

جمع	بی‌جواب	خیر	بلی	نوع فعالیت
۴۲۰	۴۴	۳۳۳	۴۲	انجمن خانه و مدرسه
%۱۰۰	%۱۰/۵	%۷۹/۳	%۱۰	
۴۰۲	۴۷	۳۲۷	۴۶	انجمن‌های خیریه
%۱۰۰	%۱۱/۲	%۷۷/۹	%۱۱	
۴۲۰	۵۸	۳۵۸	۴	احزاب
%۱۰۰	%۱۳/۸	%۸۳/۶	%۱	
۴۲۰	۴۴	۳۵۱	۲۵	انجمن‌های علمی
%۱۰۰	%۱۰/۵	%۸۳/۶	%۶	
۴۲۰	۴۷	۳۸۴	۲۵	انجمن‌های دانشجویی
%۱۰۰	%۱۱/۲	%۸۲/۹	%۶	
۴۲۰	۴۸	۳۰۴	۶۸	باشگاه ورزشی
%۱۰۰	%۱۱/۴	%۷۲/۴	%۱۶/۲	
۴۲۰	۴۴	۳۱۹	۵۷	هیئت‌های مذهبی
%۱۰۰	%۱۰/۵	%۷۶	%۱۳/۶	

ادامه جدول ۱ - ۳

توزیع پاسخ‌گویان برحسب حضور در فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی

جمع	بی‌جواب	خیر	بلی	نوع فعالیت
۴۲۰	۴۸	۳۶۶	۶	شورای محلی
%۱۰۰	%۱۱/۴	%۸۷/۱	%۱/۴	
۴۲۰	۴۸	۳۳۷	۳۵	انجمن‌های ادبی هنری
%۱۰۰	%۱۱/۴	%۸۰/۲	%۸/۳	

زنان و رسانه‌ها

رسانه‌های جمعی، نقشی اساسی در زمینه آشنایی زنان با تغییرهای به وجود آمده در حوزه زنان دارد. بنابراین در مورد استفاده زنان از رسانه‌ها سؤال شد. این سؤال‌ها هم شامل نوع استفاده و هم محتوای مورد استفاده است. همچنین در خصوص آشنایی زنان با نشریه‌ها و کتاب‌های خاص زنان نیز سؤال‌هایی مطرح شد.

روزنامه به مثابه یکی از منابعی که زنان را با مسائل مختلف اجتماعی و مسائل خودشان آشنا می‌سازد، در ایجاد دگرگونی‌های فکری، نقش مهمی داشت. نتایج به دست آمده در زمینه وضع مطالعه روزنامه میان زنان بیانگر آن است که ۶۸/۳ درصد پاسخ‌گویان روزنامه مطالعه می‌کنند.

جدول ۲ - ۳

توزیع پاسخ‌گویان بر اساس روزنامه مورد مطالعه

درصد	فراوانی	روزنامه
۴۹/۵	۲۰۸	همشهری
۳۶/۴	۱۵۳	جام جم
۲۱/۹	۹۲	ایران
۸	۳۴	اطلاعات
۵/۷	۲۴	شرق
۶/۱	۱۹	کیهان
۱۰/۹	۴۶	سایر



فصل سوم: بررسی نگرش جنسیتی زنان ■ ۱۱۳

پاسخ‌دهندگان در مورد روزنامه‌های مورد مطالعه ۴۹/۵ درصد به همشهری، ۳۶/۴ درصد جام‌جم، ۲۱/۹ درصد ایران، ۸ درصد اطلاعات، ۵/۷ درصد شرق، ۶/۱ درصد کیهان مطالعه می‌کنند. در مجموع ۱۰/۹ درصد نیز به سایر روزنامه‌ها از جمله: ابرار، جمهوری اسلامی، رسالت، اعتماد و... اشاره کرده‌اند.

از پاسخ‌دهندگان در خصوص نوع مطالب مورد مطالعه نیز سؤال شد. صفحه حوادث روزنامه‌ها عمده‌ترین درصدها را به خود اختصاص داد. ۶۰/۱ درصد پاسخ‌گویان صفحه حوادث روزنامه را مطالعه می‌کنند. پس از آن اخبار روزنامه ۲۴/۶ درصد و مطالب اجتماعی و اقتصادی توجه زنان را به خود جلب کرد. اما همان‌طور که مشاهده می‌شود توجه زنان به حوادث نزدیک به سه برابر مسائل اجتماعی، اقتصادی و اخبار است. این امر شاید بیانگر نگرانی و کنجکاوی زنان نسبت به مسائل و حوادث اجتماع است و یا می‌تواند حاکی از جذابیت بیشتر این نوع مطالب در روزنامه‌ها و جذابیت کمتر سایر مسائل باشد. همچنین به نظر می‌رسد که بررسی مسائل و حوادث اجتماعی در روزنامه‌ها، سطح سلیقه مخاطبان را تغییر داده است.

مجله‌ها، به خصوص مجله‌هایی که کمتر حالت تخصصی و علمی دارد، در دهه‌های اخیر در کشور ما رشد چشم‌گیری داشته است. بیشتر این مجله‌ها ضمن طرح مسائل عمومی جامعه، زنان و مسائل خانوادگی را دستمایه مطالب خود قرار داده و به نوعی در هدایت افکار جامعه و آشنایی زنان، نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و همچنین اهداف خاصی را تعقیب می‌نماید. بر اساس نتایج به دست آمده، بیش از نیمی از پاسخ‌گویان، اهل مطالعه مجله هستند. بین افرادی که مجله می‌خوانند، ۳۸/۶ درصد مجله خانواده، ۳۰/۶ درصد مجله خانواده سبز، ۲۱/۲ درصد مجله روزهای زندگی، و ۸/۷ درصد مجله موفقیت را مطالعه می‌کنند؛ همچنین به سایر مجله‌ها، از جمله اطلاعات هفتگی و جوانان نیز اشاره شد.

توجه به نوع مطالب مورد علاقه زنان در مجله‌ها، از دو جهت قابل تأمل است:

۱. توجه به سطح سلیقه زنان

۲. یافتن مسیری که بتوان زنان را آموزش داد و آنان را با ایده‌ها و دیدگاه‌های جدید آشنا ساخت.

داستان‌های مجله‌ها (داستان‌های واقعی، زندگی‌نامه و...) با ۳۶/۲ درصد، بیشترین درصد بین مطالب مورد مطالعه زنان بود. پس از آن فال با ۱۸/۸ درصد، مطالب مربوط به خانه داری (آشپزی، خانه‌داری، خیاطی و...) با ۱۹/۱ درصد و مطالب علمی با ۱۷/۴ درصد قرار دارد.

از پاسخ‌گویان در زمینه مطالعه کتاب نیز سؤال شد که در مجموع ۷۸/۸ درصد از جامعه مورد مطالعه، اهل کتاب خواندن بودند و ۱۸/۶ درصد کتاب مطالعه نمی‌کردند. ۲/۶ درصد از افراد به این سؤال پاسخ ندادند.

در میان افراد اهل مطالعه ۵۲/۱ درصد بیان کردند که رمان و داستان می‌خوانند. ۲۰/۳ درصد به کتاب‌های علمی، ۲۶/۲ درصد به کتب درسی، ۱۷/۲ درصد به کتب روان‌شناسی و ۱۵/۱ درصد به کتاب‌های تاریخی، اشاره داشتند.

تعدادی از مجله‌ها که در کشور منتشر می‌شود، به صورت جدی‌تر و تخصصی‌تر بر مسائل خاص زنان متمرکز است. تعدادی از این مجله‌ها، قدمت زیادی دارد و چندین دهه، منتشر می‌شود. آشنایی زنان با مجله‌هایی که به طور خاص برای زنان منتشر می‌شود، برای آشنا ساختن زنان با قوانین، حقوق و تغییرات جامعه، مفید است بر این اساس، از پاسخ‌گویان در زمینه آشنایی با مجله‌ها و کتاب‌هایی که درباره زنان منتشر می‌شود، سؤال شد. تنها ۲۸/۸ درصد (۱۲۱ نفر) از زنان با چنین مجله‌ها و کتاب‌هایی آشنایی دارند و ۱۹۴ نفر (۴۶/۲ درصد) ابراز ناآشنایی کرده‌اند. ۱۰۵ نفر نیز این سؤال را بی‌پاسخ گذاشتند. در میان مجله‌ها ۷۳/۵ درصد (۸۹ نفر) زن روز، ۲۸/۹ درصد (۳۵ نفر) سروش زنان، ۱۳/۲ درصد مجله زنان و ۱۴/۸ درصد زن شرقی را نام برده‌اند.

در میان پاسخ‌ها به هیچ‌یک از کتبی که با موضوع زنان در سال‌های اخیر منتشر شده، اشاره نشده است. تنها به بعضی کتاب‌های مذهبی و آموزشی درباره مسائل مذهبی زنان اشاره داشتند. به این ترتیب، پاسخ‌دهندگان هیچ‌یک از کتبی که در سال‌های اخیر و به

## فصل سوم: بررسی نگرش جنسیتی زنان ■ ۱۱۵

خصوصاً در مباحث تخصصی زنان و یا فمینیسم منتشر شده، مطالعه نکرده‌اند. در بخش مربوط به رسانه‌ها، تماشای تلویزیون نیز بررسی گردید. بررسی نتایج نشان می‌دهد که ۹۱/۹ درصد (۳۳۱ نفر) تلویزیون می‌بینند و ۵/۵ درصد (۲۳ نفر) تلویزیون تماشا نمی‌کنند. در میان برنامه‌هایی که از سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شود، سریال‌ها (۴۳ درصد)، فیلم‌ها (۳۰ درصد)، اخبار (۲۶/۹ درصد) و برنامه‌های علمی (۲۰/۲ درصد) بیشترین توجه زنان را به خود جلب کرده است.

### زنان و دینداری

به منظور سنجش پایبندی پاسخ‌دهندگان به اعمال مذهبی، از آنان در خصوص انجام دادن اعمال مذهبی (در سه سطح همیشه، گاهی اوقات و اصلاً) سؤال شد. انتخاب اعمال به گونه‌ای بود که از اعمال واجب شروع و به مستحبات می‌رسید.

#### جدول ۳-۳

#### توزیع پاسخ‌گویان بر اساس انجام اعمال مذهبی

عمل مذهبی	همیشه	گاهی اوقات	اصلاً	میانگین	جمع
نماز خواندن	۳۳۱ ٪۷۹/۸	۶۱ ٪۱۴/۷	۲۳ ٪۵/۵	۲/۷	۴۱۵ ٪۱۰۰
روزه گرفتن	۲۷۹ ٪۶۷/۵	۹۴ ٪۲۲/۸	۴۰ ٪۹/۷	۲/۵	۴۱۳ ٪۱۰۰
روضه‌خوانی	۵۶ ٪۱۶/۴	۲۳۰ ٪۶۷/۲	۵۶ ٪۱۶/۴	۱/۶	۳۴۲ ٪۱۰۰
مولودی خوانی	۴۹ ٪۱۲/۱	۲۶۷ ٪۶۵/۸	۹۰ ٪۲۲/۱	۱/۸	۴۰۶ ٪۱۰۰
نماز جماعت	۳۲ ٪۸/۱	۱۹۴ ٪۴۸/۹	۱۷۱ ٪۴۳	۱/۵	۳۹۷ ٪۱۰۰
نماز جمعه	۱۱ ٪۲/۸	۹۹ ٪۲۵/۱	۲۸۴ ٪۷۲/۱	۱/۲	۳۹۴ ٪۱۰۰
دعای کمیل	۱۵ ٪۳/۸	۱۷۳ ٪۴۳/۵	۲۱۰ ٪۵۲/۷	۱/۴	۳۹۸ ٪۱۰۰

بر اساس این بررسی نماز خواندن و روزه گرفتن، مهم‌ترین عمل مذهبی است که بیشتر افراد همیشه آن را انجام می‌دهند (۷۹/۸ و ۶۷/۵ درصد). همچنین حضور در مجالس روضه‌خوانی، مولودی‌خوانی و نمازجماعت، دست‌کم گاهی از سوی پاسخ‌گویان انجام می‌گیرد؛ اما نماز جمعه و حضور در دعای کمیل از جمله اعمالی است که درصد کمی را به خود اختصاص داد.

### قدرت در خانواده

برای کسب آگاهی از جایگاه زنان در خانواده، پرسیدیم که تصمیم‌گیری در خانه شما، به‌عهده چه کسی است؟ پاسخ‌های به دست آمده از این سؤال، جایگاه زنان را در تصمیم‌گیری‌های خانواده و تغییراتی که در این حیطة رخ داده است، به ما نشان دهد. از بررسی پاسخ‌ها در می‌یابیم که در زمان حاضر، تصمیم‌گیری و انتخاب برعهده مرد یا زن خانواده، به تنهایی نیست. همان‌طور که در جدول نیز مشاهده می‌شود، بیشترین درصد (۴۴/۵) متعلق به تصمیم‌گیری از سوی تمام اعضای خانواده است و بعد از آن نیز مربوط به زن و شوهر و پدر و مادر با هم است (۲۹/۵). درصد خانواده‌هایی که در آن زن یا مرد به تنهایی تصمیم‌گیرنده هستند بسیار کمتر است.

### جدول ۳-۴

توزیع پاسخ‌گویان بر اساس تصمیم‌گیری در خانواده

پاسخ‌ها	فراوانی	درصد
مادر/زن	۳۴	۸/۱
پدر/شوهر	۵۱	۱۲/۱
زن و شوهر/پدر و مادر با هم	۱۲۴	۲۹/۵
تمامی اعضای خانواده	۱۸۷	۴۴/۵
بی‌جواب	۲۴	۵/۸
جمع	۴۲۰	۱۰۰

### ویژگی‌های زن و مرد خوب

برای بررسی دیدگاه پاسخ‌دهندگان در خصوص ویژگی‌های زن و مرد خوب، از آنان در این باره سؤال شد. با بررسی نظرها درباره ویژگی‌های یک زن خوب، در می‌یابیم که بیشترین درصد زنان، مادر خوب بودن و همسر خوب بودن را ملاک زن خوب دانسته‌اند، سپس به ترتیب مهربان بودن و مدیر بودن قرار دارد.

خصوصیاتی که زنان برای یک زن خوب بیان کرده‌اند، نشان می‌دهد که بیشتر آنان هنوز برای زن خوب، خصوصیت‌های کلیشه‌ای را در نظر دارند؛ ویژگی‌هایی چون: مادر خوب و همسر خوب بودن، قناعت و سازگاری، ایمان و صبر، حال آنکه شاخصه‌هایی چون تحصیل کرده بودن، روشن فکر بودن، اجتماعی بودن و... تنها شامل یک یا دو مورد می‌شود. تنها تعدادی از پاسخ‌گویان، اشاره به مدیریت، دانش و اعتماد به نفس داشتند که این موارد هم تنها در حیطه خانوادگی مطرح می‌شود. مادر خوب بودن، همسر خوب بودن، مدیر بودن، کدبانوی خوب، صبر، گذشت و... در حوزه خانواده جا دارد. در مجموع منافع فردی زنان در ذکر این خصوصیت‌ها چندان مد نظر نیست.

#### جدول ۵ - ۳

توزیع نظر پاسخ‌گویان درباره خصوصیت‌های زن خوب

درصد	فراوانی	ویژگی‌های مورد نظر
۳۷/۳	۱۵۷	مادر خوب بودن
۳۷/۶	۱۵۸	همسر خوب بودن
۲۰/۴	۸۶	مهربان
۱۸/۵	۷۸	مدیر خانه بودن
۱۸/۳	۷۷	کدبانوی خوب
۱۳/۳	۵۶	صبور و باگذشت
۱۷/۸	۷۵	با ایمان
۱۱/۹	۵۰	مطلع و آگاه
۷/۸	۳۳	دارای اعتماد به نفس
۹/۰۴	۳۸	قانع و سازگار
۴۰	۱۶۸	سایر

۱۱۸ ■ جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها

در میان خصوصیت‌هایی که برای مردان ذکر شده است، ابتدا زحمتکش بودن، سپس خانواده دوست بودن، با ایمان بودن و بااخلاق بودن قرار دارد. دیدگاه و رویکرد زنان به خصوصیت مرد ایده‌آل نیز، رویکردی سنتی است. دربارهٔ دیگر ویژگی‌های مردان که درصد بالایی را به خود اختصاص داده است، مواردی مثل صداقت و مدیریت را می‌توان نام برد.

جدول ۶-۳

توزیع نظر پاسخ‌گویان دربارهٔ ویژگی مرد خوب

ویژگی‌ها	فراوانی	درصد
مهربان	۶۹	۱۶/۷
باایمان	۱۰۷	۲۵/۴
زحمتکش	۱۳۲	۳۱/۴
بااخلاق	۹۴	۲۲/۳
خانواده دوست	۱۱۵	۲۷/۳
مدیر	۳۲	۷/۹۱
صادق	۵۳	۱۲/۶
سالم	۴۴	۱۰/۴
وفادار	۳۳	۷/۸
درک کننده عواطف خانواده	۸۵	۲۰/۲
سایر	۱۲۶	۲۰

لذت بردن از زندگی

برای سنجش دیدگاه زنان و میزان رضایت آنان از وضع خود در جامعه، از پاسخ‌گویان در خصوص لذت بردن از زندگی و ترجیحشان در زمینه زن یا مرد متولد شدن، سؤال شد:

- به نظر شما زنان از زندگی بیشتر لذت می‌برند یا مردان؟

- اگر امکان داشت دوباره به دنیا بیایید ترجیح می‌دادید زن بودید یا مرد؟

### فصل سوم: بررسی نگرش جنسیتی زنان ■ ۱۱۹

نتایج به دست آمده در خصوص سؤال اول نشان می‌دهد که تعداد پاسخ‌گویانی که معتقدند هر دو به طور یکسان از زندگی لذت می‌برند، بیشتر است (۴۳/۱ درصد). اما در این بین، تعداد افرادی که معتقدند مردان از زندگی بیشتر لذت می‌برند، بیش از دو برابر افرادی است که معتقدند زنان بیش از مردان از زندگی لذت می‌برند (۲۹/۵ درصد برای مردان در مقابل ۱۱/۷ درصد برای زنان). ۱۳/۶ درصد هم گزینه هیچ‌کدام را انتخاب کرده‌اند.

#### جدول ۷-۳

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان در مورد لذت بردن مردان و زنان از زندگی

پاسخ	فراوانی	درصد
زنان	۴۶	۱۱/۷
مردان	۱۲۴	۲۹/۵
هر دو یکسان	۱۸۱	۴۳/۱
هیچ‌کدام	۵۷	۱۳/۶
بی‌جواب	۱۲	۲/۱
جمع	۴۲۰	۱۰۰

در خصوص سؤال دوم، ۴۲/۹ درصد پاسخ‌گویان، در صورت تولد دوباره، مایل‌اند که زن به دنیا بیایند و در مقابل، تنها ۲۵/۲ درصد مایل‌اند که مرد متولد شوند، ۱۷/۴ درصد نیز بین زن و مرد متولد شدن تفاوتی نمی‌بینند.

#### جدول ۸-۳

توزیع فراوانی نظرهای پاسخ‌گویان، دربارهٔ مرد یا زن متولد شدن

پاسخ	فراوانی	درصد
مرد	۱۰۶	۲۵/۲
زن	۱۸۰	۴۲/۹
فرقی نمی‌کند	۷۳	۱۷/۴
نمی‌دانم	۵۷	۱۳/۶
جمع	۴۲۰	۱۰۰

## بررسی نگرش‌ها در جامعه مورد مطالعه

## نگرش زیستی

از مجموع ۱۲ گویه زیستی، ۱۰ گویه عقاید موجود در مورد تفاوت‌های زیستی میان زن و مرد را بیان کرده و ۲ گویه برابری میان آنان را بیان داشتند (گویه‌های ۶ و ۹). مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که گویه‌های چهارم، دوازدهم و دوم به ترتیب با ۴/۱، ۳/۸ و ۳/۹ بالاترین میانگین‌ها را داراست. این گویه‌ها که به طور مستقیم و روشن عقاید کلیشه‌ای را در مورد اخلاق و اعتماد به نفس و هوش زنان مطرح می‌کند، با قاطعیت از سوی زنان مردود شمرده شد. از سوی دیگر، گویه‌های دهم، نهم و یازدهم با میانگین ۲/۳ و ۲/۵ دارای کمترین میانگین را داشت. این گویه‌ها که به برابری مردان یا برتری در یکی از ابعاد وجودی زنان اشاره دارد، موافقت بیشتر زنان را کسب کرد. در مجموع، غالب زنان در بعد زیستی، به تفاوت‌های جنسیتی اعتقادی ندارند، آنها ضعف‌هایی را که به لحاظ جسمانی و یا زن بودن به آنان نسبت داده می‌شود، نمی‌پذیرند.

## جدول ۹ - ۳

## توزیع فراوانی پاسخ به گویه‌های نگرش زیستی

ردیف	گویه	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌نظر	مخالفم	کاملاً مخالفم	میانگین
۱	مردان باهوش‌تر از زنان هستند.	۴/۷	۱۰/۷	۱۲/۸	۴۴/۵	۲۵	۳/۶
۲	زنان آزاردهنده و اعصاب خردکن هستند.	۳/۵	۸/۳	۹/۲	۳۵	۴۰/۷	۳/۹
۳	مردان بیش از زنان به پزشک مراجعه می‌کنند.	۵	۱۱/۷	۲۰/۴	۴۱/۹	۱۷/۸	۳/۴
۴	بعضی معتقدند زنان موجوداتی کم عقل‌اند.	۲/۱	۶/۱	۳/۵	۲۶/۱	۵۷/۳	۴/۱
۵	بعضی معتقدند زنان تندخو هستند.	۲/۸	۱۱/۹	۹/۷	۳۷/۱	۳۲/۸	۳/۶
۶	زنان و مردان توانایی اخلاقی، جسمی و روحی یکسانی دارند.	۲۱/۱	۴۴	۵/۲	۱۶/۶	۱۰/۲	۳/۴
۷	زنان بیش از مردان بیمار می‌شوند.	۶/۶	۱۶/۱	۱۰/۴	۵۱/۹	۱۱/۶	۳/۴
۸	مردان از نظر بدنی ویژگی‌هایی دارند که برای کارهای سخت مناسب‌تر هستند.	۴۰/۴	۴۸	۲/۳	۵	۱/۹	۳/۳



ادامه جدول ۹ - ۳

توزیع فراوانی پاسخ به گویه‌های نگرش زیستی

ردیف	گویه	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌نظر	مخالفم	کاملاً مخالفم	میانگین
۹	مردان و زنان از نظر هوشی تفاوتی با همدیگر ندارند.	۲۳	۳۲	۳۳	۲/۸	۶/۹	۲/۵
۱۰	مردان پرخاشگری بیشتری نسبت به زنان دارند.	۱۸/۸	۶۴/۴	۸/۵	۲۰/۴	۳/۵	۲/۳
۱۱	زنان ذاتاً برای مادری کردن و مراقبت از دیگران آفریده شده‌اند.	۲۱/۶	۳۵/۹	۹	۲۰/۹	۱۰/۲	۲/۵
۱۲	زنان فاقد اعتماد به نفس هستند.	۴/۵	۱۲/۱	۴/۲	۳۶/۶	۳۹/۵	۳/۸

نگرش اجتماعی

از مجموع ۲۴ گویه اجتماعی، ۱۶ گویه به بیان کلیشه‌های رایج در جامعه و دیدگاه‌های سنتی درباره مسائل اجتماعی، چون: آموزش، زادوولد، کار خانگی، نگهداری از کودک و... اختصاص دارد و ۸ گویه (گویه‌های شماره ۶، ۷، ۱۰، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۱ و ۲۴) دیدگاه‌های نوینی را بررسی می‌کند که در بُعد اجتماعی است.

بررسی میانگین گویه‌ها نشان می‌دهد که گویه‌های ۱، ۶، ۱۴ و ۱۵ با میانگین‌های ۴/۴، ۴/۳، ۴/۲ و ۴ دارای بالاترین میانگین و گویه‌های ۸ و ۹ با میانگین‌های ۲ و ۲/۲ دارای کمترین میانگین است. در میان ۴ گویه‌ای که بیشترین میانگین را به دست آورد، گویه‌های شماره ۱ و ۱۴ که کلیشه‌های جنسیتی سنتی را مطرح می‌کند با بیشترین مخالفت از سوی زنان مواجه شد. از سوی دیگر در گویه‌های ۶ و ۱۵ که بیشتر پاسخ‌گویان با آن موافقت کرده‌اند، نگرش‌هایی مطرح شد که بیانگر برابری جنسیتی میان دو جنس است. گویه‌هایی که امتیاز کمی به دست آورد (۸، ۹) گویه‌هایی است که به تقسیم کار کلیشه‌ای میان مردان و زنان اختصاص دارد. این گویه‌ها با موافقت بیشتر زنان مواجه شده و نشان می‌دهد که آنان با تقسیم کار سنتی در داخل خانه موافق هستند.

میانگین کل گویه‌های اجتماعی برابر ۳/۲ است. بررسی گویه‌ها نشان می‌دهد که در بُعد

۱۲۲ ■ جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها

اجتماعی زنان هنوز به طور کامل کلیشه‌های سنتی را رها نکرده‌اند و همچنان در برخی قسمت‌ها مثل: خانه‌داری، اشتغال به وظایف مادری، بچه‌داری، رشته‌های تحصیلی مناسب برای زن و مرد کلیشه‌های سنتی را قبول دارند و در امور مثل: رأی دادن، آموزش و ورزش، دیدگاه‌های جدیدتر را می‌پذیرند.

جدول ۱۰- ۳

توزیع فراوانی پاسخ به گویه‌های اجتماعی

ردیف	گویه	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌نظر	مخالفم	کاملاً مخالفم	میانگین
۱	حضور زن در نقش مادر، عامل مهمی در پرورش کودکان سالم و بزه‌کار است.	۶۶/۲	۲۵	۳/۸	۰/۹	۱/۶	۴/۴
۲	رانندگی مهارتی مردانه است نه زنانه.	۴/۵	۱۰	۵/۴	۳۵/۵	۴۳/۳	۳/۹
۳	خیاطی مهارتی زنانه است.	۸	۱۶/۹	۹	۴۵/۲	۱۶/۶	۳/۳
۴	زنان باید برای خروج از خانه از همسرشان اجازه بگیرند.	۱۳/۸	۳۱/۴	۱۰	۲۵/۱	۱۸/۵	۳
۵	این اصلاً خوب نیست که مرد در خانه بماند و زن به کار بیرون از خانه بپردازد.	۲۹	۳۴/۵	۱۰	۱۶/۶	۹	۲/۴
۶	مردان هم می‌توانند در مراقبت از کودکان در خانه سهیم باشند.	۴۵/۷	۴۸/۵	۲/۳	۱/۹	۱/۱	۴/۳
۷	بین دختر و پسر در تربیت و آموزش، نباید تفاوتی وجود داشته باشد.	۴۵	۳۰/۴	۳/۸	۱۵/۷	۳/۸	۳/۹
۸	زنان بهتر است به کارهای خانه مشغول باشند.	۲۹/۵	۳۷/۶	۴/۷	۱۴/۷	۵/۹	۲
۹	مردان در خانه باید به کارهایی مثل تعمیرات وسایل خانه و مسائل آب و برق مشغول باشند.	۲۱/۴	۴۷/۶	۱۱/۴	۱۴/۷	۳/۵	۲/۲
۱۰	بچه‌دار شدن زنان مانع بزرگی در مقابل حضور آنها در اجتماع است.	۸/۸	۲۰/۴	۵	۴۲/۸	۲۲/۳	۳/۴
۱۱	زن و مرد به علت استعدادها و علایق متفاوت باید درس‌های متفاوتی یاد بگیرند.	۱۵	۳۳/۱	۱۵/۲	۲۲/۶	۱۲/۱	۲/۷
۱۲	بهتر است دختران در باشگاه‌ها ورزش‌های سبک انجام دهند.	۹	۲۲/۶	۱۳/۵	۴۰/۴	۱۳/۸	۳/۲

ادامه جدول ۱۰ - ۳  
توزیع فراوانی پاسخ به گویه‌های اجتماعی

ردیف	گویه	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌نظر	مخالقم	کاملاً مخالفم	میانگین
۱۳	آموزش‌های رزمی برای پسران مناسب‌تر از پسران است.	۱۶/۱	۳۱/۶	۱۰/۲	۲۹/۷	۱۱/۱	۲/۸
۱۴	آموزش زنان امری ناپسند است. زیرا موجب کاهش زادوولد آنها می‌شود.	۴	۵/۷	۹/۵	۳۰/۹	۴۷/۳	۴
۱۵	ورود زنان به دانشگاه باعث رشد آگاهی‌های آنان می‌شود.	۵۶/۹	۲۹	۲/۶	۵/۷	۴/۵	۴/۲
۱۶	ورود زنان به دانشگاه مشکلاتی را در زندگی به وجود می‌آورد.	۳/۸	۱۵/۲	۱۰/۹	۳۵	۳۲/۸	۳/۷
۱۷	زن و مرد باید نقش‌های یکسانی در مورد مراقبت و تربیت فرزندان داشته باشند.	۳۹	۳۲/۸	۴/۷	۱۶/۴	۵/۷	۳/۷
۱۸	پسران در رشته‌های تحصیلی فنی و مهندسی و مشابه آن بهتر از دختران عمل می‌کنند.	۱۲/۶	۳۴/۲	۱۲/۶	۲۵/۴	۱۳/۸	۲/۹
۱۹	دختران در رشته‌های تحصیلی مثل ادبیات و پزشکی بهتر از مردان عمل می‌کنند.	۱۲/۶	۲۶/۹	۲۱/۱	۲۶/۱	۱۲/۶	۳
۲۰	نگهداری مادر از کودک موجب می‌شود مادر از رشد توانایی‌ها و شخصیت خود ناتوان بماند.	۲۷/۱	۴۸	۸	۱۲/۶	۴	۳/۶
۲۱	بسیاری از زنان خانه‌دار در وضعی به سر می‌برند که به معنای محرومیت شدید اجتماعی است.	۵/۹	۱۶/۹	۱۳/۳	۳۸/۵	۲۱/۶	۲/۳
۲۲	زنان در رأی دادن تابع شوهران و پدرانشان هستند.	۶/۹	۱۲/۳	۶/۹	۳۶/۷	۳۶/۱	۳/۶
۲۳	بیماری کودکان و کسالت خانواده، به علت سهل‌انگاری زنان است.	۵	۸/۳	۸/۵	۳۹/۲	۳۵/۴	۳/۸
۲۴	زنان برای آنکه پیشرفت کنند، باید توانایی ذهنی خود را افزایش دهند.	۲/۳	۵/۲	۶/۴	۴۲/۸	۳۹/۵	۱/۷

نگرش اقتصادی

در بُعد اقتصادی بین ۱۵ گویه، گویه‌های شماره ۱، ۹ و ۴ به ترتیب با میانگین‌های ۴/۱، ۴/۲، ۳/۸ بالاترین میانگین را دارا است. گویه شماره ۱ که اشتغال زنان را معضلی برای خانواده

## ۱۲۴ ■ جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها

می‌داند، با مخالفت زنان مواجه است؛ اما گویه شماره ۹ که مربوط به برابری زنان و مردان در خرج کردن پول است و گویه ۴ که به لزوم برابری قوانین اشتغال اشاره دارد، با موافقت بیشتر زنان همراه بوده است. این سه گویه از جمله گویه‌هایی است که عقاید جدید را دربارهٔ دو جنس مطرح می‌کند. این گویه‌ها نشان می‌دهد که اشتغال زنان و فعالیت اقتصادی آنان مورد پذیرش بیشتر پاسخ‌گویان است. از سوی دیگر گویه‌های ۱۳ و ۷ و ۱۱ حداقل میانگین‌ها را دارد. این گویه‌ها، نگرش کلیشه‌ای را در خصوص تفاوت‌های جنسیتی مطرح می‌کند و نشان می‌دهد که برخلاف نگرش مثبت پاسخ‌گویان در خصوص فعالیت اقتصادی زنان، حدود ۶۰ درصد معتقدند که «زنان وظیفه‌ای در تأمین درآمد خانواده ندارند» و ۵۰ درصد معتقدند که «چون مردان تأمین‌کننده معاش خانواده هستند، باید دستمزد بیشتری داشته باشند».

در مجموع، بررسی گویه‌های مربوط به نگرش اقتصادی، نشان می‌دهد که میانگین کل گویه‌ها برابر با ۳ است. می‌توان نتیجه گرفت که در بُعد اقتصادی نیز مانند بُعد اجتماعی، زنان در برخی موارد هنوز نگرشی سنتی دارند.

### جدول ۱۱ - ۳

#### توزیع فراوانی پاسخ به گویه‌های اقتصادی

ردیف	گویه	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌نظر	مخالفم	کاملاً مخالفم	میانگین
۱	اشتغال زن یک معضل برای خانواده‌ها است.	۳/۳	۸/۸	۷/۳	۶۴/۴	۳۰/۷	۴/۱
۲	اشتغال در وظیفه‌های طبیعی تولیدمثل زنان اختلال ایجاد می‌کند.	۱/۹	۱۲/۸	۱۰/۶	۴۸	۲۲/۳	۳/۶
۳	زن و مرد هر دو با هم موظف به تأمین مخارج خانه هستند.	۱۱/۶	۲۷/۱	۱۰/۶	۳۴	۱۲/۸	۳/۱
۴	قوانین اشتغال باید طوری تنظیم شود که دستمزدها و حقوق زن و مرد در آن به شکل برابر تنظیم شود.	۳۶/۱	۳۵/۴	۱۰/۴	۱۱/۹	۳/۳	۳/۸
۵	چون مردان باید معاش خانواده را تأمین کنند، باید دستمزد بیشتری داشته باشد.	۱۹/۷	۲۷/۸	۱۰/۴	۲۸/۵	۱۰/۴	۳/۷

ادامه جدول ۱۱ - ۳  
توزیع فراوانی پاسخ به گویه‌های اقتصادی

ردیف	گویه	کاملاً موافقم	موافقم	بی‌نظر	مخالقم	کاملاً مخالفم	میانگین
۶	زن و مرد به علت توانایی یکسان، نباید در انتخاب شغل، محدودیتی داشته باشند.	۸/۸	۲۶/۶	۱۰/۷	۳۶/۴	۵	۳/۳
۷	معلمی، خیاطی و پرستاری، برای زنان مناسب است.	۱۸	۴۴/۷	۱۰/۴	۱۹	۵/۲	۲/۴
۸	در جامعه امروز که مشکلات مردان بیشتر است، زنان باید به وضع جسمی و روحی آنان برسند.	۲۱/۴	۴۵/۲	۱۷/۸	۱۱/۹	۳/۵	۳/۷
۹	زن و مرد باید به طور یکسان در مورد مخارج تصمیم‌گیری کنند.	۴۵/۹	۴۱/۹	۵	۵/۴	۱/۴	۴/۲
۱۰	اشتغال زنان تهدیدی برای اشتغال مردان است که باید محدود شود.	۵/۷	۱۳/۸	۱۱/۱	۴۰/۴	۲۶/۹	۳/۶
۱۱	زنان وظیفه‌ای در تأمین درآمد خانواده ندارند.	۲۰	۳۵/۷	۱۰/۷	۲۲/۸	۹	۲/۶
۱۲	زنان در اداره‌ها به درجه و حقوقی که استحقاق دارند، نمی‌رسند.	۱۹/۲	۳۵/۴	۲۴/۲	۱۳	۱۹	۳/۴
۱۳	مدیریت در اداره‌ها نقشی مردانه است.	۲۸/۵	۳۹/۲	۹/۲	۱۵	۶/۱	۲/۲
۱۴	مردان مدیران بهتری هستند.	۶/۹	۱۷/۳	۹/۷	۳۸	۲۵/۴	۳/۵
۱۵	زن‌ها نباید وارد رقابت برای به دست آوردن کارهای مردانه شوند.	۹	۲۳/۵	۱۴/۵	۳۰/۲	۲۰/۹	۳/۲

**آزمون فرضیه‌های تحقیق**

برای ارزیابی عوامل مؤثر در نگرش زنان، ۵ فرضیه کلی تدوین و بررسی شد. این فرضیه‌ها با آزمون‌های  $T$ ،  $F$  و محاسبه ضریب همبستگی میان متغیرها سنجیده گردید. رابطه هریک از متغیرهای مستقل تحقیق با ۳ متغیر نگرش زیستی، نگرش اجتماعی، نگرش اقتصادی بررسی شد.

فرضیه ۱: میان حضور زنان در عرصه اجتماعی و نگرش آنان به تفاوت‌های جنسیتی رابطه وجود دارد.

در این خصوص ۳ عامل تحصیلات، فعالیت‌های داوطلبانه و اشتغال مدّ نظر قرار گرفت.

### الف) رابطه همبستگی بین تحصیلات پاسخ‌گو و نگرش جنسیتی

جدول ۱۲ - ۳

همبستگی میان تحصیلات پاسخ‌گو و نگرش جنسیتی

متغیر مستقل	نگرش زیستی	نگرش اجتماعی	نگرش اقتصادی
تحصیلات	$r = ۰/۳۲۹$	$r = ۰/۳۵۰$	$r = ۰/۳۶۱$
	$sig = ۰/۰۰۸$	$sig = ۰/۰۰۲$	$sig = ۰/۰۱۸$
	$N = ۴۱۰$	$N = ۴۱۵$	$N = ۴۱۷$

آمارهای جدول فوق نشان‌دهنده وجود همبستگی معنادار میان تحصیلات پاسخ‌گو و نگرش وی (در سه بعد زیستی، اجتماعی و اقتصادی) است. به این ترتیب که با افزایش سطح تحصیلات پاسخ‌گو، نگرش وی نیز تغییر کرده و نگرش جدید جایگزین نگرش سستی و کلیشه‌ای در خصوص تفاوت‌های جنسیتی می‌شود.

### ب) رابطه همبستگی بین فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی و نگرش جنسیتی

جدول ۱۳ - ۳

همبستگی میان فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی و نگرش جنسیتی

متغیر مستقل	نگرش زیستی	نگرش اجتماعی	نگرش اقتصادی
فعالیت داوطلبانه اجتماعی	$r = ۰/۳۰۷$	$r = ۰/۲۷۴$	$r = ۰/۳۹۵$
	$sig = ۰/۰۲۹$	$sig = ۰/۰۰۸$	$sig = ۰/۰۵۱$
	$N = ۴۱۹$	$N = ۴۱۹$	$N = ۴۲۰$

براساس نتایج جدول، حضور زنان در فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی بر نگرش آنان تأثیری مستقیم دارد؛ به این ترتیب که افزایش حضور زنان در فعالیت‌های داوطلبانه

### فصل سوم: بررسی نگرش جنسیتی زنان ■ ۱۲۷

اجتماعی موجب تغییر نگرش زنان از سستی به نوین می‌شود. محاسبه همبستگی میان فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی و نگرش، نشان می‌دهد که هرچه این حضور بیشتر می‌شود، ما با تغییر در دیدگاه‌ها و نگرش‌های زنان مواجه خواهیم بود. همزمان با گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن، زنان امکان حضور بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی را پیدا کرده‌اند که این امر موجب آشنایی آنان با رویکردهای جدیدتر پیرامونشان می‌شود.

### ج) رابطه بین وضع اشتغال و نگرش جنسیتی

برای بررسی ارتباط میان وضع اشتغال زنان و نگرش جنسیتی آنان، آزمون T محاسبه شد. براساس نتایج جدول ۲۵-۴، این فرض در دو بُعد نگرش اجتماعی و نگرش اقتصادی تأیید گردید. به این ترتیب اشتغال زنان بر دیدگاه‌های اجتماعی و اقتصادی آنان تأثیرگذار است و موجب شده تا در این دو بُعد، زنان نگرش‌های نوین‌تری را بپذیرا باشند.

### جدول ۱۴-۳

#### نتایج آزمون T اشتغال و نگرش جنسیتی

نگرش	اشتغال	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار T	سطح معنادار
زیستی	شاغل	۷۲	۳۱/۵۱	۷/۱	۳۷۵	۰/۴۰۴	۰/۲۰۵
	غیر شاغل	۳۰۵	۳۰/۶۹	۵/۸			
اجتماعی	شاغل	۷۳	۶۲/۹	۸/۹	۳۷۶	۱/۹۱	۰/۰۱۰
	غیر شاغل	۳۰۵	۶۰/۸	۸/۲			
اقتصادی	شاغل	۷۳	۷/۴	۳۸/۸	۳۷۶	۱/۰۳	۰/۰۴۷
	غیر شاغل	۳۰۵	۶/۶	۳۷/۹			

همچنین به منظور سنجش رابطه نوع شغل با نگرش، میانگین‌های مربوط به آن بررسی شد. به این ترتیب مشخص گردید که در بُعد زیستی و اجتماعی، میانگین به دست آمده برای دانشجویان و در بُعد اقتصادی میانگین به دست آمده برای مشاغل تخصصی، بیشتر

۱۲۸ ■ جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها

بوده است. دانشجویان بیش از سایر گروه‌های شغلی دارای نگرش‌های نوین زیستی و اجتماعی و صاحبان مشاغل تخصصی، بیش از دیگران دارای نگرش‌های نوین اقتصادی هستند.

فرضیه ۲: بین فعالیت‌های فرهنگی زنان (استفاده از رسانه‌ها) و نگرش آنان درباره تفاوت‌های جنسیتی، رابطه وجود دارد.

جدول ۱۵ - ۳

آزمون T محاسبه شده برای فعالیت‌های فرهنگی و نگرش جنسیتی

نگرش اقتصادی		نگرش اجتماعی		نگرش زیستی		فعالیت‌های فرهنگی
سطح معناداری	T	سطح معناداری	T	سطح معناداری	T	
۰/۴۳۱	-۱/۱۲۵	۰/۸۴۵	-۰/۸۸۱	۰/۸۰۲	۰/۴۴۲	مطالعه روزنامه
۰/۰۴۹	-۱/۹۷۷	۰/۳۴۲	-۱/۵۹۶	۰/۴۳۰	-۱/۱۴۵	مطالعه مجله
۰/۵۹۱	۱/۲۰	۰/۲۰۳	۲/۸۶	۰/۶۴۱	۰/۱۴۴	مطالعه کتاب
۰/۸۸۴	۰/۶۱۶	۰/۱۳۷	۱/۵۴	۰/۱۶۱	-۰/۱۰۴۰	مطالعه نشریه‌ها و کتب زنان
۰/۰۰۰	-۳/۲۱۱	۰/۰۰۹	۰/۵۷۱	۰/۳۷۷	-۰/۷۸۵	تماشای تلویزیون
۰/۷۱۴	۰/۰۹۵۸	۰/۲۵	۱/۷۵۷	۰/۱۵۶	-۰/۶۵۸	تماشای فیلم‌ها با محوریت زنان

در بررسی رابطه بین فعالیت‌های فرهنگی (استفاده از رسانه‌ها با محوریت زنان) و نگرش جنسیتی، مشخص شد که بین این فعالیت‌ها و نگرش‌های جنسیتی زنان، رابطه‌ای وجود ندارد. تنها بین تماشای تلویزیون و نگرش اجتماعی ارتباط وجود دارد.

فرضیه ۳: بین ویژگی‌های فردی زنان و نگرش آنان درباره تفاوت‌های جنسیتی، ارتباط وجود دارد.

در این قسمت رابطه سن و وضع تأهل با نگرش جنسیتی بررسی شد.



**الف) رابطه همبستگی بین سن و نگرش جنسیتی**

جدول ۱۶ - ۳

**همبستگی میان سن و نگرش جنسیتی**

نگرش اقتصادی	نگرش اجتماعی	نگرش زیستی	متغیر مستقل
$r = -0/407$	$r = -0/192$	$r = 0/481$	سن
$sig = 0/028$	$sig = 000$	$sig = 0/008$	
$N = 420$	$N = 420$	$N = 419$	

یافته‌های آماری جدول فوق، میان سن و نگرش زیستی افراد رابطه معنادار نشان می‌دهد. به این ترتیب، افزایش سن، بر نوین یا سنتی بودن نگرش جنسیتی - زیستی افراد، تأثیر دارد. بر اساس نتایج به دست آمده، میان سن و نگرش اجتماعی و اقتصادی رابطه‌ای معکوس وجود دارد. در واقع افرادی که در سنین بالاتری قرار دارند، نگرشی سنتی به تفاوت‌های جنسیتی میان زن و مرد دارند و بسیاری از باورهای کلیشه‌ای را پذیرفته‌اند؛ برعکس جوان‌ترها بیشتر به رویکردهای نوین و ایده‌های جدید تفاوت‌های جنسیتی میان زن و مرد معتقدند و این تفاوت‌های جنسیتی را کمتر می‌دانند. در مجموع می‌توان گفت که میان سن و نگرش جنسیتی افراد، رابطه‌ای معکوس وجود دارد. جوان‌ترها نگرشی برابر طلب در خصوص تفاوت‌های جنسیتی دارند.

**ب) رابطه بین وضع تأهل و نگرش جنسیتی**

جدول ۱۷ - ۳

**آنالیز واریانس وضعیت تأهل و نگرش جنسیتی**

نگرش	میانگین	درجه آزادی	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
زیستی، میان گروهی درون گروهی	۳۶۲/۱۷	۴۱۲	۳۳	۲/۴۳	۰/۰۴۷
	۱۳۵۹۷/۶۹	۴	۹۰/۵۴		
اجتماعی، میان گروهی درون گروهی	۱۶۴۱/۱۷	۴۱۲	۹۶/۹۵	۵/۶۶	۰/۰۰۰
	۲۸۸۲۲/۹۶	۴	۴۱۰/۲۹		
اقتصادی، میان گروهی درون گروهی	۳۴۷/۳	۴۱۵	۴۶/۷۰	۱/۸۵	۰/۱۱۷
	۱۹۳۸۲/۳۴	۴	۸۶/۸۲		

۱۳۰ ■ جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها

نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که نگرش‌های جنسیتی افراد، در دو بُعد زیستی و اجتماعی، متأثر از وضع تأهل آنان است. اما وضع تأهل، بر نگرش اقتصادی زنان، تأثیری نداشته است.

جدول ۱۸ - ۳

مقایسه میانگین وضع تأهل و نگرش جنسیتی

وضعیت تأهل	زیستی	اجتماعی	اقتصادی
مجرد	۲۹/۹	۶۹	۳۶/۳
متأهل	۲۹	۵۹/۷	۳۷
مطلقه	۳۶	۵۶/۶	۳۱/۴
همسر فوت شده	۳۲	۶۶/۹	۳۸/۷

همچنین به منظور سنجش تأثیر وضع تأهل بر نگرش، میانگین‌های مربوط به وضع تأهل و نگرش افراد استخراج شد (جدول ۱۸). بر اساس نتایج به دست آمده در بُعد زیستی، متأهل‌ها دارای کمترین میانگین و افراد مطلقه، بیشترین میانگین را دارا هستند. به این ترتیب، در این بُعد افراد مطلقه کمتر از دیگران، تفاوت‌های جنسیتی را در بُعد زیستی قبول دارند و تساوی‌گراتر از سایر گروه‌ها هستند.

در بُعد اجتماعی، بیشترین میانگین مربوط به گروه مجردها است. این گروه معتقدند که تفاوت‌های جنسیتی در زمینه اجتماعی وجود ندارد.

فرضیه ۴: بین منزلت خانوادگی زنان و نگرش آنان درباره تفاوت‌های جنسیتی، رابطه وجود دارد.

در این بخش، متغیرهای درآمد و منطقه مسکونی پاسخ‌دهنده، موردنظر بوده است.

الف) رابطه همبستگی بین درآمد و نگرش جنسیتی

جدول ۱۹ - ۳

همبستگی بین درآمد و نگرش جنسیتی

نگرش اقتصادی	نگرش اجتماعی	نگرش زیستی	متغیر مستقل
$r = ۰/۲۳۷$	$r = ۰/۴۷۰$	$r = ۰/۴۶۰$	درآمد
$sig = ۰/۰۰۰$	$sig = ۰/۰۰۴$	$sig = ۰/۰۰۷$	
$N = ۲۸۴$	$N = ۲۸۴$	$N = ۲۸۴$	

بر اساس نتایج جدول فوق، میان نگرش زیستی زنان و سطح درآمد، همبستگی بالایی وجود دارد. هرچه درآمد افراد افزایش می‌یابد، نگرش زیستی زنان به سمت نگرش نوین سوق پیدا می‌کند.

میان درآمد و نگرش اجتماعی و نگرش اقتصادی زنان نیز ارتباط وجود دارد و ارتباط موجود نیز مثبت است. به این ترتیب که با افزایش درآمد خانوار، نگرش جنسیتی زنان در دو بُعد اجتماعی و اقتصادی، به سمت نگرشی برابر طلب تغییر می‌کند که با کاهش تفاوت‌های جنسیتی همراه است. در مجموع، میان درآمد خانوار و نگرش جنسیتی افراد، به طور کلی همبستگی مثبت وجود دارد.

ب) رابطه بین منطقه مسکونی و نگرش جنسیتی

جدول ۲۰ - ۳

تحلیل واریانس ارتباط میان منطقه مسکونی و نگرش جنسیتی

نگرش	میانگین	درجه آزادی	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
زیستی، میان گروهی درون گروهی	۱۲۸/۱۴	۴۱۲	۳۳/۵۷	۰/۸۷۹	۰/۴۳۲
	۱۳۸۳۱/۹۸	۴	۳۲/۰۳		
اجتماعی، میان گروهی درون گروهی	۹۵/۸۴	۴۱۲	۷۱/۶۳	۳/۳۲	۰/۰۱۱
	۲۹۵۱۳/۰۲	۴	۲۳۷/۷۱		
اقتصادی، میان گروهی درون گروهی	۵۴۸/۵۶	۴۱۴	۴۶/۲۱	۲/۹۶	۰/۰۱۹
	۱۹۱۸۱/۰۸	۴	۱۳۷/۱۴		

بررسی ارتباط میان نگرش جنسیتی و منطقه مسکونی پاسخ‌دهندگان، نشان می‌دهد که بین منطقه مسکونی و نگرش در بُعد اجتماعی و اقتصادی، رابطه معنادار وجود دارد. برای سنجش چگونگی توزیع نگرش در مناطق مختلف، میانگین‌های مربوط استخراج گردید. مقایسه میانگین‌ها، در دو بُعد اجتماعی و اقتصادی، نشان می‌دهد که ساکنان مناطق شرقی، بیشتر به نگرش‌های سنتی، متمایل هستند و ساکنین مناطق مرکزی، رویکردهای نوین‌تر و نگرش برابری طلب دارند.

فرضیه ۵: بین پایبندی مذهبی زنان و نگرش آنان درباره تفاوت‌های جنسیتی، رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۲۱-۳

## همبستگی بین پایبندی مذهبی و نگرش جنسیتی

نگرش اقتصادی	نگرش اجتماعی	نگرش زیستی	متغیر مستقل
$r = -0/287$	$r = 0-/201$	$r = -0/420$	پایبندی مذهبی
sig = 000	sig = 000	sig = 0/01	
N = 420	N = 420	N = 419	

با توجه به داده‌های جدول، میان پایبندی مذهبی و نگرش جنسیتی زنان در ابعاد زیستی، اجتماعی و اقتصادی همبستگی وجود دارد. این همبستگی منفی است. به این ترتیب، می‌توان گفت که هرچه میزان پایبندی مذهبی افراد کاهش می‌یابد نگرش زنان نوین‌تر است و برعکس با افزایش میزان پایبندی مذهبی، نگرش جنسیتی زنان سنتی‌تر خواهد بود.

## تحلیل چند متغیره و ضرایب رگرسیونی

نتایج تحلیل رگرسیونی که به صورت هم‌زمان، تمام متغیرهای مستقل و رابطه آن را با متغیرهای وابسته بررسی می‌کند، در جدول ۲۲-۳ ذکر شده است. این داده‌ها با توجه به معناداری مقدار F محاسبه شده برای هر مدل - که مربوط به هر یک از متغیرهای وابسته این مطالعه است - مدل‌هایی قابل قبول است.

جدول ۲۲ - ۳

ضرایب و متغیرهای وارد شده در مدل تحلیل رگرسیونی متغیرهای وابسته

متغیر وابسته	R <sup>2</sup>	F	Sig	متغیرهای داخل مدل
نگرش زیستی	۲۰/۲	۷/۱۴	/۰۰۱	درآمد (۰/۲۹۴) + وضع تأهل (۰/۲۷۶-)
نگرش اجتماعی	۲۱/۴	۱۲/۷۹	۰/۰۰۰	درآمد (۰/۲۵۹) + پایبندی مذهبی (۰/۱۷۰-)
نگرش اقتصادی	۲۴/۱	۱۷/۳۲	۰/۰۰۰	درآمد (۰/۲۷۹) + پایبندی مذهبی (۰/۲۳-)

در مدل تحلیل، نگرش زیستی قوی‌ترین متغیر درآمد است. متغیر وضع تأهل به صورتی معکوس با نگرش زیستی رابطه نشان می‌دهد. به این معنا که مجردها در زمینه نگرش زیستی برابری طلب‌تر هستند و به تفاوت‌های جنسیتی اعتقاد ندارند.

در مدل تحلیل نگرش اجتماعی و اقتصادی نیز، درآمد متغیری مؤثر با ضرایب مثبت ۲۵۹/ و ۲۷۹/ بیانگر وجود رابطه مستقیم بین دو متغیر است. به عبارت دیگر، با افزایش درآمد، نگرش اجتماعی و اقتصادی فرد به سمت دیدگاه‌های نوین‌تر سوق می‌یابد. متغیر پایبندی مذهبی، متغیر دیگری که در این دو مدل وارد شده است، که ضرایب آن برابر ۱۷۰/ و ۲۳/ می‌باشد و رابطه‌ای منفی با متغیرهای وابسته (نگرش اجتماعی و اقتصادی) را نشان می‌دهد.



## **فصل چهارم**

نتیجه گیری





## نتیجه‌گیری

ارزش‌ها الگوی عمل افراد است که با تغییر آن، سایر رفتارها و تفکرها نیز تغییر می‌یابند. انسان در جامعه در حال تغییر، به ضرورت و نیاز انطباق با محیط و تحول و تغییر فرهنگی پی برده است. در سال‌های اخیر، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و آموزشی، افزایش یافته است که تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه و زنان را به دنبال خواهد داشت. بررسی رابطه جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها، اولین گام در شناخت وضع موجود است. بهترین شیوه برای بررسی این رابطه، فراتحلیل پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه بود که ضمن شناسایی نقاط مشترک تحقیقات، دستیابی به شناختی جامع‌تر را امکان‌پذیر می‌ساخت. همچنین با توجه به مباحث مطرح شده در جلسه‌های گروه تحقیق (گروه فرهنگ عمومی)، بخشی از تحقیق به بررسی نگرش زنان در خصوص تفاوت‌ها و تبعیض‌های جنسیتی اختصاص یافت. پرسش‌های اصلی طرح، چنین بود: آیا رابطه‌ای بین جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها وجود دارد؟ آیا می‌توان از فرهنگ زنان یا ارزش‌ها و نگرش‌های زنان صحبت کرد؟ نگرش زنان در خصوص تفاوت‌های جنسیتی چگونه است؟

### آیا بین جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها رابطه‌ای وجود دارد؟

مقایسه زنان و مردان در زمینه ارزش‌ها، ثبات و تغییر در طول زمان را نشان می‌دهد. برای مثال در زمینه اهمیت بیشتر ارزش‌های مذهبی برای زنان و اهمیت بیشتر ارزش‌های مادی برای مردان، ما با نوعی ثبات در اولویت ارزشی مواجه هستیم. تفاوت بین زنان و مردان را می‌توان نتیجه اوضاع اجتماعی و جامعه‌پذیری آنان دانست. اما این به معنای ثبات تفاوت‌های جنسیتی در ارزش‌ها نیست. نتایج بررسی‌ها بیانگر تغییر در طول زمان است. این تغییر نیز در جهت نزدیک‌تر شدن نگرش مردان و زنان خواهد بود.

با اینکه در این بررسی‌ها شاهد تفاوت‌هایی در زمینه برخی از ارزش‌ها بین زنان و مردان جوان، بودیم اما این تفاوت آن‌قدر نیست که بتوان از تفاوت‌های جنسیتی ثابت و یا شکاف جنسیتی صحبت کرد. تفاوت‌های جنسیتی ثابت مستلزم مشاهده تفاوت‌های جنسیتی بین تمام گروه‌های زنان و مردان است. نبود تفاوت‌های جنسیتی در زمینه‌های خاص، بیشتر با رویکرد کنش متقابل گرایان و رویکرد توافقی مطابقت دارد. حتی بین گروه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی نیز، در صورت برخورداری از فرصت‌های برابر، تفاوتی در زمینه ارزش‌ها بین دو گروه وجود ندارد. تفاوت‌ها از سویی نتیجه دوره زندگی، اوضاع سیاسی اجتماعی و مسئله نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی است.

### آیا می‌توان از فرهنگ زنان صحبت کرد؟

با وجود تفاوت‌هایی بین زنان و مردان، نمی‌توان از فرهنگ زنان صحبت کرد. از آنجا که زنان و مردان معمولاً در اجتماعی با زبان مشترک، اجتماعی می‌شوند، مفاهیم و پرچسب‌های ارزشی که برای اهدافشان کسب می‌کنند، معانی مشابهی دارد. بنابراین ما شاهد تفاوت‌های جنسیتی در ساخت ارزشی نیستیم. تفاوت‌ها بیشتر در زمینه اولویت‌های ارزشی مطرح می‌شود. زنان و مردان در اولویت‌های ارزشی و در میزان اهمیتی که برای برخی از ارزش‌ها قایل‌اند، متفاوت‌اند. این تفاوت بین نسل جوان نمود بیشتری دارد. برای نمونه، مقایسه زنان و مردان جوان بیانگر آن است که در زمینه جهت‌گیری اهداف به سمت اجتماع ملی،

میانگین کسب شده از سوی زنان بیش از مردان است؛ در حالی که مردان در ارزش‌های جهانی و عرصه‌های عمومی، امتیازهای بیشتری کسب کرده‌اند.

### نگرش زنان در خصوص تفاوت‌ها و تبعیض‌های جنسیتی چگونه است؟

نتایج به دست آمده از مطالعه نگرش جنسیتی زنان تهرانی، در سه بُعد زیستی، اجتماعی و اقتصادی، نشان می‌دهد که دیدگاه زنان به طور مطلق جنسیتی نیست. نگرش زنان در زمینه تفاوت‌های جنسیتی در حال گذار بوده و آنان تنها در بعضی بخش‌ها، به این تفاوت‌ها توجه کرده‌اند. در بُعد زیستی، زنان کلیشه‌های سنتی را کاملاً مردود می‌دانند و آن را رد می‌کنند؛ اما در ابعاد اجتماعی و اقتصادی هنوز به طور قطع و یقین نمی‌توان گفت که آنها اعتقادی به این تفاوت‌ها دارند یا خیر؟ در این ابعاد، رویکردهای سنتی و نوین، جایگاه به نسبت مشابهی را در اذهان زنان به خود اختصاص می‌دهد.

بررسی نگرش زنان در سه بُعد زیستی، اجتماعی و اقتصادی نشان می‌دهد که بیشتر مواقع، هنگامی که گویه، دارای رویکردی منفی به ویژگی زنان است، زنان گزینه کاملاً مخالف را برگزیده‌اند (به‌خصوص در بُعد زیستی). در حالی که این توافق نظر در مورد گویه‌هایی که رویکردی مثبت به ویژگی‌های آنان دارد، مشاهده نمی‌شود. بررسی دقیق‌تر در سه بُعد، بیانگر آن است که:

**در بُعد زیستی:** زنان از نظر ویژگی‌های بیولوژیکی، ضعیف‌تر از مردان شناخته شده‌اند و دیدگاه‌های غالب در این بُعد به زنان، دیدگاه‌هایی منفی است. در طراحی گویه‌هایی که به بُعد جسمانی زنان مربوط می‌شود، عقاید آنان درباره این نظرها منفی بود. در گویه‌هایی که هوش، اخلاق، عقل و اعتماد به نفس کمتر از مردان ذکر شده بود، بیشتر پاسخ‌ها مخالف بود و تعداد زنانی که با این ویژگی‌ها در زنان، موافق‌اند، بسیار اندک است. اما در مورد گویه‌هایی که حاوی رویکردهای تساوی‌گرا (مثل: گویه‌های زنان و مردان توانایی اخلاقی، جسمی و روحی یکسان دارند و مردان و زنان از نظر هوشی با یکدیگر تفاوت ندارد). زنان پاسخ موافقم را انتخاب کرده‌اند و در هر دو صورت بیشتر پاسخ‌ها در میانه طیف قرار دارد؛

تنها در ۳ مورد درباره عقل زنان، اخلاق و اعتماد به نفس آنان بیشتر پاسخ‌دهندگان گزینه کاملاً مخالف را انتخاب کرده‌اند.

**در بُعد اجتماعی:** در این بُعد، عقاید زنان درباره نقش مادری، مهارت‌های شغلی کار زن با مراقبت از کودک، تربیت و فرزندان، امور داخلی منزل، ورزش، آموزش زنان، رشته‌های تحصیلی، رأی دادن، توانایی ذهنی و... سؤال شد.

در مورد گویه‌های مربوط به ایفای نقش مادری در خانه، نقش برابر زن و مرد در تربیت فرزندان، تفاوت نداشتن در تربیت دختر و پسر، اهمیت اشتغال زنان به امور داخلی خانه و اهمیت ورود زنان به دانشگاه، تأثیر منفی نگهداری از کودک بر رشد توانایی زنان و اهمیت حضور مرد در اجتماع، بیشتر زنان گزینه موافق و کاملاً موافق را انتخاب کرده‌اند.

و در موارد تأثیر منفی تحصیل بر فرزندآوری زنان، جنسی بودن مهارت‌های شغلی، تبعیت زنان از شوهرانشان در رأی دادن و سهل‌انگاری زنان به مثابه یکی از عوامل بیماری افراد خانواده، بیشتر زنان گزینه مخالف و کاملاً مخالف را انتخاب کرده‌اند.

در سایر موارد: «زنان برای خروج از خانه از همسرانشان باید اجازه بگیرند»، مناسب بودن آموزش‌های رزمی برای پسران، مناسب بودن رشته‌های فنی - مهندسی برای پسران و ادبیات و پزشکی برای دختران، نیمی از پاسخ‌دهندگان گویه موافق و نیمی دیگر گویه مخالف را برگزیده‌اند.

به این ترتیب، در جنبه‌های اجتماعی، نگرش زنان ترکیبی از دیدگاه‌های سنتی و نوین است.

**در بُعد اقتصادی:** از اشتغال زن و آثار آن بر زندگی، اهمیت نقش زن و مرد در تأمین مخارج خانه، قوانین اشتغال، دستمزدها و برابر بودن آن، انتخاب شغل، جنسی بودن مشاغل، وظایف زن در قبال شوهر، خرج کردن پول، آثار اشتغال زن بر اشتغال مردان، وضع زنان در اداره‌ها با مدیریت سؤال شد.

با بررسی نتایج، مشخص شد که زنان در خصوص گویه‌هایی مثل: لزوم تنظیم قوانین عادلانه شغلی، مناسب بودن معلمی، خیاطی و پرستاری برای زنان، لزوم رسیدگی زنان به

#### فصل چهارم: نتیجه‌گیری ■ ۱۴۱

وضع جسمی و روحی مردان، اهمیت تصمیم‌گیری مشترک زن و مرد در مورد مخارج در خانه، مردانه بودن نقش مدیریت، نبود شغل و حقوق مناسب برای زنان که استحقاقش را دارند و اینکه زنان در تأمین مخارج خانه، وظیفه‌ای ندارند، بیشتر گزینه موافق و کاملاً موافق را انتخاب کرده‌اند.

در مواردی چون معضل اشتغال زنان در خانه، ایجاد اختلال در وظیفه‌های تولید مثلی زنان، اشتغال زن تهدیدی برای اشتغال مردان و مردان مدیران بهتری هستند، پاسخ بیشتر آنان مخالف و کاملاً مخالف است. در مقابل مواردی همچون لزوم پرداخت دستمزد بیشتر برای مردان، زنان نباید وارد رقابت برای به دست آوردن کارهای مردانه شوند، زن و مرد به علت توانایی یکسان نباید در انتخاب شغل محدودیتی داشته باشند و زن و مرد با هم موظف به تأمین مخارج خانه هستند، پاسخ مخالف و موافق تقریباً برابر بوده است.

بررسی پاسخ‌های ارائه شده به این گویه‌ها، نشان می‌دهد که عقاید زنان در بعد اقتصادی نه به طور کامل سنتی و نه نوین است. بیشتر پاسخ‌دهندگان اشتغال را برای زن مفید دانستند و خواهان تأمین عدالت میان دو جنس هستند، اما بیشترشان هنوز زنان را مسئول تأمین مخارج خانه نمی‌دانند.

#### چه عواملی بر نگرش‌های جنسیتی تأثیر می‌گذارد؟

عواملی که منجر به تغییر نگرش‌های جنسیتی می‌شود عبارت است از: سن، میزان تحصیلات، وضع اشتغال، درآمد و پایبندی مذهبی.

تأثیر این عوامل بر انواع نگرش‌های زنان، متفاوت است. نتایج تحلیل چند متغیر، بیانگر آن است که در هر یک از ابعاد نگرش، متغیرهای پیش‌بینی کننده، به این صورت بوده است:

نگرش زیستی: وضع تأهل و درآمد

نگرش اجتماعی: درآمد، پایبندی مذهبی

نگرش اقتصادی: درآمد، پابندی مذهبی

درآمد، نقشی تعیین‌کننده در نگرش جنسیتی زنان دارد. میزان پابندی مذهبی نیز متغیری است که در شکل‌گیری نگرش دخالت دارد. در واقع با افزایش میزان پابندی مذهبی پاسخ‌گویان، تمایل آنان به پذیرش دیدگاه‌های سنتی افزایش می‌یابد.

### **آگاهی زنان از تفاوت‌های جنسیتی تا چه اندازه متأثر از فعالیت‌های فرهنگی آنان و آشنایی با آثار و جریان‌های مربوط به زنان است؟**

یکی از عوامل تأثیرگذار مهمی که در هدایت جوامع سنتی به سمت نوبن، نقشی اساسی ایفا می‌کند، رسانه‌های جمعی است. این وسایل، با ایجاد بسترهای فرهنگی مناسب، افکار عمومی جامعه را مطابق با الگوهای خود شکل می‌دهد و دگرگونی‌های عمده‌ای در نگرش‌های آنان ایجاد می‌کند. در کشور ما، استفاده از وسایل ارتباط جمعی گسترش روزافزون یافته است؛ اما استفاده از این وسایل ارتباطی به صورت هماهنگ و یکپارچه نیست. برای مثال هنوز آمار مطالعه در کشور بسیار پایین است.

در این تحقیق نیز از تأثیر این رسانه‌ها بر نگرش زنان سؤال شد و آشکار گردید که جز در یکی دو مورد که ارتباط میان مطالعه مجله و نگرش اقتصادی و یا استفاده از تلویزیون و نگرش اجتماعی وجود دارد، در بقیه موارد، رابطه معناداری بین استفاده از رسانه‌ها و نگرش زنان وجود ندارد. این فقدان تأثیر معلول عوامل ذیل است:

۱. فعالیت‌های زنان هنوز در کشور ما به روشنی انجام نمی‌گیرد.
۲. بر اساس آمارها، هنوز در کشور ما مطالعه (مطالعه کتاب مجله، روزنامه و به خصوص مطالعه تخصصی) آمارهای اندکی را به خود اختصاص می‌دهد.
۳. در مواردی که مسائل زنان مطرح شد، زنان هم‌دلی چندانی با وضع مطرح شده در فیلم یا داستان و... احساس نمی‌کردند.
۴. به نظر می‌رسد گروه‌هایی که در صدد بسط عقاید خود از راه فیلم یا نوشته هستند نه تنها نتوانسته‌اند عقاید جدیدی را بسط دهند، بلکه به نوعی کلیشه‌های جنسیتی سنتی

#### فصل چهارم: نتیجه‌گیری ■ ۱۴۳

در جامعه را باز تولید می‌کنند. با رجوع به منابعی که مربوط به زنان است، متوجه می‌شویم که هنوز هم مطالبی مثل: آشپزی، خانه‌داری، خیاطی و... بخش عمده‌ای از مطالب این نشریه‌ها را تشکیل می‌دهد.

۵. جریان‌های مربوط به زنان، در فعالیت‌های خود (چه به صورت فیلم، سریال، داستان و مقاله) نتوانسته‌اند الگوی جدید موفق‌تری از زنان را ارائه دهند.

در مجموع، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که کلیشه‌های سنتی و رویکردهای نوین، جایگاه به نسبت یکسانی در اندیشه زنان دارد. برخی از کلیشه‌های سنتی برای زنان کارکردهایی دارد که زنان چندان تمایلی به رها کردن آن ندارند. از سوی دیگر، رویکردهای مدرن دهه‌های اخیر، در زندگی زن ایرانی نفوذ کرده و بر بعضی عقاید تأثیرگذار بوده یا آن را تغییر داده است. در نهایت، هر دو دلیل ثابت می‌کند که نگرش زنان نیز همچون جامعه ایران در حال گذر از یک وضع سنتی به نوین باشد و در حالتی، بینابین نوین و سنتی قرار دارد. زنان نه باورهای دینی - سنتی را کاملاً از دست داده‌اند و نه کاملاً به عقاید نوین روی آورده‌اند. بلکه زنان از میان کلیشه‌های سنتی، بخشی را که فاقد کارکرد بوده، رد کرده و بخش‌های مفید را حفظ نموده‌اند. در خصوص پذیرش یا رد عقاید جدید نیز همین مسئله مشاهده می‌شود.

بر اساس یافته‌های تحقیق، لازم است که چند نکته در اجرای طرح‌های ملی، مدنظر قرار گیرد:

با توجه به اینکه تفاوت‌های جنسیتی، بیشتر بین قشر جوان مشاهده می‌شود، لازم است که تحقیقات گسترده‌تری در خصوص ارزش‌ها و نگرش‌های دختران و پسران جوان انجام گیرد. همچنین لازم است که به متغیر جنسیت، به مثابه یک متغیر تبیین‌کننده توجه شود. حفظ هماهنگی بین تحقیقات ملی، برای قابل مقایسه بودن نتایج در طول زمان، ضروری است. فاصله انجام شدن تحقیقات نیز می‌تواند به صورت دوره‌های ۵ ساله تعیین شود تا بتوان تأثیر تغییرها را مشاهده نمود.

لازم است داده‌های طرح‌های ملی، برای بررسی‌های دقیق، در اختیار محققان قرار

۱۴۴ ■ جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها

گیرد تا از جنبه‌های مختلف، به دقت تجزیه و تحلیل گردد. در این بررسی‌ها لازم است که مقایسه زنان و مردان با کنترل سن، تحصیلات، قومیت، تفاوت‌های ملی در سازمان خانواده، جدایی‌سازی جنسی اشتغال و توزیع نیروی کار در قسمت‌های مختلف و..... صورت گیرد.



## کتاب‌نامه

- ابوت، پاملا و والاس، کلر، ۱۳۸۰. *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیره نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- احمدی خراسانی، نوشین، ۱۳۸۳. *مجموعه آراء و دیدگاه‌های فمینیستی، (فصل زنان) جلد دوم*، تهران: انتشارات توسعه.
- استونز، راب، ۱۳۷۹. *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- الپورت، گوردون و ای جونز، ادوارد، ۱۳۷۱. *روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون*، ترجمه محمدتقی منشی توسی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- براتی، سیده فریده، ۱۳۸۰. *بررسی سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و روند تحول آنها در دوران دانشجویی*، پروژه تحقیقاتی طرح ملی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- بودن، ریمون، بی‌تا، ۱۳۸۵. *فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

۱۴۶ ■ جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها

- بورديو، پي‌ير، ۱۳۸۰. *نظريه کنش*، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.
- پارسا، آرش و سهامی، سوسن، ۱۳۸۰. *بررسی ارزش‌های جوانان در مقایسه با بزرگ‌سالان شهر شیراز*، پروژه تحقیقاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جواهری، فاطمه، ۱۳۸۲. *بررسی وضعیت پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره در ایران*، مطالعه موردی هفت پژوهش، پروژه تحقیقاتی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- داریاپور، زهرا، ۱۳۸۱. «بررسی اولویت‌های ارزشی شهروندان تهرانی با جنسیت»، *نامه پژوهش فرهنگی*، سال هفتم، شماره ۳، صص ۸۳ - ۱۰۷.
- دوبوار، سیمون، ۱۳۸۰. *جنس دوم*، ترجمه قاسم صنعوی، (جلد اول)، تهران: دواس. دی‌ای، ۱۳۷۶، *پیمایش و تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- روش بلاو، آن ماری و نیون، اودیل، ۱۳۷۴. *روانشناسی اجتماعی، مقدمه‌ای بر نظریه‌ها و آیین‌ها*، ترجمه سیدمحمد دادگران، تهران: انتشارات مروارید.
- روشه، گی، ۱۳۷۶. *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ اول، تهران: انتشارات تبیان.
- ریتزر، جرج، ۱۳۷۳. *نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰. *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان.
- سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱. *وضعیت، نگرش و مسائل جوانان ایران*، تهران: نشر روناس.
- سعادت، عبدالحمید، ۱۳۷۵. سلسله مراتب ارزش‌ها نزد جوانان قوچان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سهامی، سوسن و آرش پارساکی، ۱۳۸۰. *بررسی ارزش‌های جوانان، در مقایسه با بزرگ‌سالان شیراز*، پروژه تحقیقاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استان فارس.
- شادی‌طلب، ژاله، ۱۳۸۱. *توسعه و چالش‌های زنان ایرانی*، تهران: نشر قطره.

کتابنامه ■ ۱۴۷

شریفی، علی، ۱۳۸۱. بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر پایداری دانش‌آموزان به ارزش‌های دینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

شریفی، نیره، ۱۳۸۲. بررسی سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، با تأکید بر دانشگاه‌های شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء. شکرکن، حسین، (بی‌تا). نگرش، بدون تاریخ، جزوه درسی منتشر نشده، دانشگاه تربیت معلم.

صدیق سروستانی، رحمت‌ا...، ۱۳۷۹. «فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۵، بهار و تابستان، صص ۶۷-۱۰۳.

صدیق، اسماعیل، ۱۳۸۲. بررسی جامعه‌شناختی تحولات فرهنگی - ارزشی خانواده در شهر تهران، مطالعه موردی مقایسه ارزش‌های والدین با فرزندان (دانش‌آموزان سال سوم متوسطه شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

فرامرزی، داود، ۱۳۷۹. بررسی ساختار ارزشی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

قاضی‌نژاد، مریم، ۱۳۸۳. نسل‌ها و ارزش‌ها، بررسی و تحلیل جامعه‌شناسی تفاوت‌گرایشات ارزشی نسل جوان و بزرگسال، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تهران.

کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۰. *عصر اطلاعات، قدرت هویت*، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: طرح نو.

گرت، استفانی، ۱۳۸۰. *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتایون بقایی، تهران: نشر دیگر.

گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۳. *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

گولومبوک، سوزان و فی‌وش، رابین، ۱۳۷۸. *رشد جنسیت*، ترجمه مهرناز شهرآرای، تهران: انتشارات ققنوس.

۱۴۸ ■ جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها

محسنی، منوچهر، ۱۳۷۹. *آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران*، تهران، دفتر طرح‌های ملی فرهنگ عمومی کشور.

مجموعه مقاله‌های همایش توانمندسازی زنان، ۱۳۷۹. تهران: مرکز امور مشارکت زنان.

مش، کیت، ۱۳۸۰. *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.

مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۲. *مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، از جنبش تا نظریه اجتماعی*، تهران: نشر شیرازه.

مصراآبادی، جواد، *مقایسه نظام‌های ارزشی نوجوانان با والدین در شهر قم*، پروژه تحقیقاتی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

نوریالا، احمد، ۱۳۷۵. *بررسی سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان دانشگاه شاهد*، دانشگاه شاهد.

نیکجو، محمدرضا، ۱۳۷۷. *بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دختران، نسبت به نقش اجتماعی خود*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹. *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موج اول.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳. *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موج دوم.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳. *جنسیت و نگرش اجتماعی*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ویلیامسون، ماریان، ۱۳۷۷. *زن یک ارزش*، ترجمه مینو احمد سرتیپ، تهران.

وینست، اندرو، ۱۳۷۸. *ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: انتشارات ققنوس.

یوسفی، نریمان، ۱۳۸۲. *شکاف ارزشی بین نسل‌ها و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

Beutel, Ann M. and Margaret M. Marini, 1995, "Gender and Values", *American Sociological Review*: 60: 436-48.

Boudon, R., 1972. Value Theory: Toward Conceptual Clarification, Reprinted From: *The British Journal of Sociology*, Vol.23.

Bond, Michel, 1988. "Finding Universal Dimensions of Individual Variation in Multicultural Studies of Values: The Rockeach and Chinese Value Survey", *Journal of Personality and Social Psychology*, 25: 1009-15.

Braithwaite, V. A., 1994. "Beyond Rockeach's Equality-Freedom Model: Two Dimensional Values in a One-dimensional World", *Journal of Social Issues*, 50: 67-94.

Bridges, Judith, 1989. "Sex Differences in Occupational Values", *Sex Roles*, 20: 205-11.

Buss, David, 1995. "Psychological Sex Differences: Origins through Sexual Selection", *American Psychologists*, 50: 164-68.

Chodorow, Nancy, 1990. "What is the Relation between Psychoanalytic Feminism and the Psychoanalytic Psychology of Women?", pp. 114-30 in *Theoreticl Perspectives on Sexual Differences*, edited by D. Rhode, New Haven: Yale University Press.

Deaux, Kay and Brenda Major, 1990. "A Social-Psychological Model of Gender", pp. 89-99 in *Theoreticl Perspectives on Sexual Differences*, Edited by D. Rhode, New Haven: Yale University Press.

Erikson, Erik H, 1964. "Inner and Outer Space: Reflections on Womanhood", *Daedeus* 93: 582-606.

Feather, Nrman, 1987. "Gender Differences in Values", pp. 31-45 in *Motivation, Intention and Volition*, Edited by F. Halish and J. Kuhl, New York: Springer-Verlag.

Fiorentine, Robert, 1988. "Increasing Similarity in the Values and Life Plans of Male and Female College Students? Evidence and Implications", *Sex Roles* 18: 143-58.

Fox, Greer L., 1977. "Nice Girls: Social Control of Women through a Value Construct", *Signs* 2: 805-17.

Gilligan, Carol, 1982. *In a Different Voice*, Cambridge, MA: Harvard University Press.

Greeno, Catherine G. and Eleanor E. Maccoby, 1986. "How Different is 'The Different Voice?'" *Signs* 11: 310-16.

Haller, Max, 2001. "Theory and Method in the Comparative Study of Values: Critique and Alternative to Inglehart", *European Sociological Review*, Vol.18, No.2: 139- 158.

Hartsock, Nancy C., 1987. "The Femenist Standpoint," Pp. 157-80 in *Feminism and Methodology*, Edited by Susan Harding, Bloomington: Indiana University Press.

Hechter M., 1992. "Should Values Be Written Out of The Social Scientists Lexicon?", *Sociological Theory*, 10: 2.

Jacklin, Carol N., 1981. "Methodological Issues in the Study of Sex-Related Differences", *Developmental Review*, 1:266-73.

Klukhohn, C. K. M., 1951. "Values and Value Orientations in the Theory of Action", In *Toward a General Theory of Action*, eds. T. Parsons and E. Shils, Cambridge, MA: Harvard University Press.

Kohn, Melvin L. and Carmi Schooler, 1983. *Work and Personality*, Norwood, NJ: Ablex.

- Kristiansen, Connie M. and Mark P. Zanna, 1988. "Justifying Attitudes by Appealing to Values: A Functional Perspective", *British Journal of Social Psychology*, 27: 247-56.
- Mednick, Martha, 1989. "On the Politics of Psychological Constructs: Stop the Bandwagon, I Want to Get off", *American Psychologist*, 44: 1118-23.
- Parsons, Talcott and Robert F. Bales, 1953. *Family, Socialization, and Interaction Process*, Glencoe, IL: Free Press.
- Parsons, T. and E. Shils (eds.), 1951. *Toward a General Theory of Action*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Prince-Gibson, E. and S. H. Schwartz, 1998. "Value Priorities and Gender", *Social Psychology Quarterly*, Vol.61, No.1.
- Rokeach, Milton, 1973. *The Nature of Human Values*, New York: Free Press.
- Schwartz, Shalom H, and Anat Bardi, 1997. "Influences of Adaptation to Communist Rule on Value Priorities in Eastern Europe", *Political Psychology*, 18: 385-410.
- Scott, Joan, 1988. "Deconstructing Equality vs. Difference: On the Uses of Post-Structuralist Theory", *Feminist Studies* 14: 33-50.
- Shapiro, R. Y. and H. Mahjan, 1986. "gender Differences in Policy Preferences: A Summary of Trends from the 1960s to the 1980s", *Public Opinion Quarterly*, 50: 42-61.
- Sills, David L., 1968. "International Encyclopedia of Social Sciences", Vol.6/16, Macmillan Inc.
- Spates, James L., 1983. "The Sociology of Values", *Annual Review of Sociology*: 27-49.
- Tavris, Carol, 1993. *The Mismeasure of Woman*, New York: Simon and Schuster.
- Unger, Rhoda K., and Mary Crwford, 1992. *Women and Gender*, New York: McGraw-Hill.
- West, Candace and Don H. Zimmermann, 1987. "Doing Gender", *Sex and Society*, 1: 125-51.
- Wallston, Barbara S. and Kathryn E. Grady, 1985. "Integrating the Feminist Critique and the Crisis in Social Psychology: Another Look at Research Methods", pp.7-34 in *Women, Gender and Social Psychology*, Edited by Virginia E. O'leary, Rhoda K. Unger and Barbara S. Wallston, Hillsdale, NJ: Erlbaum.